



karbobala.com

نسخه الکترونیک این کتاب برای نشر فرهنگ کتاب خوانی در اختیار شما قرار گرفته است، لطفا نسبت به حفظ حقوق ناشر کمال توجه را داشته باشید.

برای دریافت نسخه ی چاپی کتاب می توانید با شماره تلفن زیر تماس حاصل فرمایید:

۰۹۳۹۴۱۰۸۱۳۲

با تشکر

گروه فرهنگی- هنری زیتون

[www.karbobala.com](http://www.karbobala.com)

[info@karbobala.com](mailto:info@karbobala.com)

زیبوت  
گروه فرهنگی هنری





نقدی بر نگرش صوفیانه به عزاداری سیدالشهدا علیه السلام

مجموعه کتب شبهه شناسی عاشورا

جلد دوم  
سید علی باروتیان

# رسم سیدابی

تقدیمی بر نکرش صوفیانه به عزاداری سیدالشهداء علیه السلام

مجموعه کتب شبه شناسی عاشورا

جلد دوم

سید علی باروتیان

باروتیان، سید علی، ۱۳۶۵  
رسم شیدایی / نقدی بر نگرش صوفیانه به عزاداری سید  
الشهدا علیه السلام / سید علی باروتیان  
تهران: حنیف، ۱۳۸۹.  
۱۴۴ ص. فهرست  
نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.  
۱. حسین بن علی (ع). ۲. سوگواری‌ها. ۳. دفاعیه‌ها و ردیه-  
ها. ۴. واقعه‌ی کربلا. ۵. سوگواری‌های اسلامی.  
۲۹۷/۹۵۳ BP ۴۱ / ۴ / ۵ ر ۱۷

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۳۵-۲-۷ ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۳۵-۷-۲ ISBN: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۸۳۵-۲-۷

رسم شیدایی  
سید علی باروتیان  
ویراستار: محمد هنرمندی  
ناشر: حنیف  
نوبت چاپ: اول / ۱۳۸۹  
شمارگان: ۵۰۰۰  
لیتوگرافی و چاپ: نقش جوهر

تلفن مرکز پخش: ۰۹۳۹۴۱۰۸۱۳۲

قیمت: ۲۹۰۰ تومان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مدیر به پیشگاه مقدس پدرم؛

که صبح و شام در غم جد غمیش خون گریه می کند.

﴿ يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الصُّرُورُ وَجِنَا بِيضَاعَةَ مُرْجَاةٍ  
فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴾



## فهرست مطالب:

۱. شادی و فرح عارفانه در شهادت سالار شهیدان علیه السلام ..... ۱۴
- ۱-۱. منشأ شبهه، شیخ عبدالقادر گیلانی ..... ۱۷
- ۲-۱. مولوی بلخی، پرورش دهنده و مبلغ شبهه ..... ۱۹
- ۳-۱. بیان مرحوم حسینی طهرانی در کتاب «روح مجرد» ..... ۲۱
- ۴-۱. حاشیه‌های فراوان دکتر عبدالکریم سروش ..... ۲۳
- ۵-۱. نقد منصفانه‌ی علامه محمدتقی جعفری علیه السلام در شرح مثنوی ..... ۲۷
- ۶-۱. کلام سیدبن طاووس علیه السلام ..... ۳۰
- ۱-۶-۱. برداشت اول از بیان سید: مردود شمردن بیان فوق به دلیل آیات و روایات متواتر ..... ۳۱
- ۲-۶-۱. برداشت دوم از بیان سید: توجه به تبصره‌ی مهم در کلام سیدبن طاووس ..... ۳۱
- ۷-۱. استدلال به فرمایش حضرت زینب علیه السلام ..... ۳۳
- ۱-۷-۱. عزاداری زنان بنی‌هاشم در شام در تعارض با شبهه ..... ۳۴
- ۲-۷-۱. معنای صحیح کلام ام‌المصائب علیه السلام ..... ۳۵
۲. اصل بندگی ..... ۴۰
- ۱-۲. مغالطه‌ای غیرعقلایی و غیرانسانی ..... ۴۰
- ۲-۲. تفاوت در مبدأ مختصات ..... ۴۱
۳. غم و شادی از دیدگاه قرآن و عترت ..... ۴۴
- ۱-۳. مذمت فرح و شادی غافلانه برای دنیا ..... ۴۴
- ۲-۳. مدح حزن و گریه در قرآن ..... ۴۷
- ۳-۳. بکائین و گریه‌کنندگان نامی در آیات و روایات ..... ۴۹
- ۳-۴. نشاط و سرزندگی در بندگی، از نشانه‌های مؤمن ..... ۵۰
- ۳-۴-۱. درخواست از خداوند برای نشاط در عبادت ..... ۵۱

- ۲-۴-۳. بهجت قلب پس از گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام ..... ۵۲
- ۳-۴-۳. سرزندگی و نشاط پیرغلامان امام حسین علیه السلام ..... ۵۳
۴. غم و شادی از دیدگاه عقل و فطرت ..... ۵۵
- ۴-۱. حکم عقل درباره‌ی غمناک شدن در مصیبت انسان‌ها (هم‌دردی با هم نوع) ..... ۵۵
- ۴-۲. غمناک شدن در غم محبوب ..... ۵۶
- ۴-۲-۱. مقدار مصیبت زدگی، تابع رابطه با فرد مصیبت‌زده ..... ۵۶
- ۴-۲-۲. مقدار مصیبت زدگی، تابع مقام و درجه‌ی مصیبت‌زده ..... ۵۷
- ۴-۳. شادی در مصیبت، رضایت از کار مستیاب و تشکر از آن‌ها ..... ۵۸
- ۴-۴. اصل بودن شادی، غیرعقلانی و غیرانسانی ..... ۵۸
۵. اعظم مصائب و حزنی عالم گیر ..... ۶۱
- ۵-۱. عمق فاجعه و توهم بزرگ‌نمایی ..... ۶۱
- ۵-۲. گریه و حزن اهل بیت علیهم السلام بر سیدالشهداء علیه السلام ..... ۶۲
- ۵-۲-۱. گریه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ..... ۶۲
- ۵-۲-۲. گریه‌ی حضرت زهرا علیها السلام ..... ۶۶
- ۵-۲-۳. گریه‌ی حیدر کرار، امیرالمؤمنین علیه السلام ..... ۷۱
- ۵-۲-۴. امام حسن علیه السلام در آخرین لحظات زندگی ..... ۷۳
- ۵-۲-۵. گریه و سوز و گداز حضرت زین‌العابدین علیه السلام ..... ۷۴
- ۵-۲-۶. گریه‌ی امام صادق علیه السلام ..... ۷۸
- ۵-۲-۷. احوال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ..... ۸۱
- ۵-۲-۸. عزاداری امام رضا علیه السلام ..... ۸۲
- ۵-۲-۹. نوحه‌خوانی امام هادی علیه السلام ..... ۸۷
- ۵-۳. گریه و اندوه انبیا در مصیبت سیدالشهداء علیه السلام ..... ۸۸
- ۵-۳-۱. حضرت آدم علیه السلام ..... ۸۸
- ۵-۳-۲. حضرت ابراهیم علیه السلام ..... ۹۲

- ۳-۳-۵. حضرت عیسی علیه السلام ..... ۹۴
- ۴-۳-۵. حضرت زکریا علیه السلام و رمز «کهیص» ..... ۹۵
- ۴-۵. گریه‌ی ملائکه و اهل آسمان ..... ۹۷
- ۱-۴-۵. گریه و زاری ملائکه پس از شهادت امام حسین علیه السلام ..... ۹۷
- ۲-۴-۵. یاری ملائکه با گریه و زاری بر سیدالشهداء علیه السلام ..... ۹۸
- ۳-۴-۵. روایتی زیبا به نقل از جناب ابوذر رضی الله عنه ..... ۹۹
- ۴-۴-۵. نزول هفتاد هزار ملک پریشان‌حال و گردآلود ..... ۱۰۰
- ۵-۵. گریه‌ی آسمان‌ها و زمین ..... ۱۰۰
- ۱-۵-۵. خبر از گریستن آسمانیان و زمینیان در معراج ..... ۱۰۱
- ۲-۵-۵. آسمان و زمین تنها بر یحیی و حسین علیه السلام گریست ..... ۱۰۲
- ۳-۵-۵. گریه‌ی آسمان‌های هفت‌گانه و زمین ..... ۱۰۲
- ۴-۵-۵. خطبه‌ی حضرت سیدالسااجدین علیه السلام ..... ۱۰۳
- ۶-۵. خون باریدن از آسمان در یکی از منابع تاریخی بریتانیا ..... ۱۰۴
- ۷-۵. اندوه و گریه‌ی حیوانات و طیور ..... ۱۰۷
۶. شیعه و مصیبت محبوب ..... ۱۱۰
- ۱-۶. غمناک‌شدن در غم محبوب ..... ۱۱۰
- ۱-۱-۶. گریستن‌های متعدد سیدالشهداء علیه السلام در روز عاشورا ..... ۱۱۱
- ۲-۱-۶. عمل به خواسته‌ی محبوب ..... ۱۱۵
- ۲-۶. تأسی به انبیای الهی و ملائکه‌ی مقرب ..... ۱۱۷
- ۳-۶. همراهی و یاری کردن حضرت زهرا علیها السلام ..... ۱۱۷
- ۴-۶. ادای حق اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۱۸
- ۵-۶. گریه نکردن بر سیدالشهداء علیه السلام، جفا در حق ایشان ..... ۱۱۹
- ۶-۶. نصرت و یاری حضرت ولی عصر علیه السلام ..... ۱۱۹
- ۷-۶. عمل به دستور اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۲۱
- ۱-۷-۶. قطره‌ای از دریای ثواب گریستن بر امام حسین علیه السلام ..... ۱۲۲

- ۱۲۵ ..... ۲-۷-۶. از افضل عبادات، گریه بر امام حسین علیه السلام .....
- ۱۲۷ ..... ۳-۷-۶. ثواب خواندن شعر در رثای سالار شهیدان علیه السلام .....
- ۱۲۹ ..... ۷. انحصار نداشتن عزاداری به روز عاشورا.....
- ۱۲۹ ..... ۱-۷. عدم اقامه‌ی دلیل در انحصار عزاداری به روز عاشورا.....
- ۱۳۱ ..... ۲-۷. عزاداری انبیای گذشته، پیش از ولادت امام حسین علیه السلام .....
- ۱۳۲ ..... ۳-۷. عزاداری پیامبر، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و امام حسن علیهما السلام .....
- ۱۳۲ ..... ۴-۷. مرثیه‌سرایی همه‌روزی حضرت زهرا علیها السلام در آسمان‌ها.....
- ۱۳۲ ..... ۵-۷. ثواب آن که آب بنوشد و یاد سیدالشهداء علیه السلام کند و قاتل آن حضرت را لعن کند.....
- ۱۳۳ ..... ۶-۷. حزن امام زمان علیه السلام حتی در اعیاد.....
- ۱۳۴ ..... ۱-۶-۷. زیارت و گریه‌ی صبح و شام امام زمان علیه السلام .....
- ۱۳۵ ..... ۲-۶-۷. حکایت علامه سید هندی رحمته الله علیه .....
- ۱۳۶ ..... ۷-۷. تجدید حزن در عید فطر و قربان .....
- ۱۳۷ ..... ۸-۷. توجه به خواندن دعای ندبه در چهار عید.....
- ۱۳۸ ..... ۹-۷. پیام گلوی بریده‌ی امام حسین علیه السلام به شیعیان .....
- ۱۳۹ ..... ۸. چرا تجدید حزن، همه‌ساله؟! .....
- ۱۳۹ ..... ۱-۸. گذشت زمان از عمق فاجعه نمی‌کاهد.....
- ۱۴۰ ..... ۲-۸. مواسات و هم‌دردی با اهل بیت علیهم السلام .....
- ۱۴۱ ..... ۹. انتقام و تئوری تقدیس خشونت .....
- ۱۴۲ ..... ۱-۹. ریشه‌ی اصلی شبهه، چشم‌پوشی از معنای صحیح انتقام.....
- ۱۴۳ ..... ۲-۹. طلب انتقام، وظیفه‌ی شیعه و هر عدالت‌طلب.....
- ۱۴۵ ..... ۱۰. سخن پایانی .....
- ۱۳۹ ..... فهرست منابع:.....





## ۱. شادی و فرح عارفانه در شهادت سالار شهیدان علیه السلام!

شهادت سیدالشهدا علیه السلام به دست پست‌ترین ابنای بشر رخ داد. فاجعه‌ای که مَهر ننگینی است بر پیشانی بشریت. تنها کسانی در تاریخ به این ننگ آلوده نشده‌اند که آرزوی قلبی و زبانی‌شان، بودن در آن صحرا و رسیدن به فوز عظیم شهادت و نثار جان در قدم حجّت خدا بوده است. اینان همواره ترنم زبان‌شان این بوده است:

«يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.»<sup>۱</sup>

«ای کاش من هم با شما بودم تا به رستگاری عظیمی

می‌رسیدم.»

این سفره‌ای است به گستره‌ی تاریخ تا زنده را از مرده و مرده را از

زنده بیرون آورد.<sup>۱</sup>

از همان ظهر عاشورا که عهد ازلی<sup>۲</sup> حیب و محبوب بسته شد، سفره‌ی رحمت الهی برای هر که بر سر این سفره بنشیند، گسترده شد. شیطان که حقیرتر از آن بود که مانع گسترده شدن این سفره‌ی الهی شود، به خدشه وارد کردن و ایجاد شک و شبهه پرداخت تا مؤمنان بر سر این سفره ننشینند و این بود مأموریت جدید شیطان و شیطانیان.<sup>۳</sup>

---

۱- قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ؛ يَعْنِي الْمُؤْمِنَ مِنَ الْكَافِرِ وَ الْكَافِرَ مِنَ الْمُؤْمِنِ» (بحارالانوار، ۶۴، ۹۲، ح ۱۱ به نقل از معانی الاخبار).

۲- تذكرة الشهداء، ۱، ۱۱، مجلس اول.

۳- امام زین العابدین علیه السلام از عمه‌ی بزرگوارشان حضرت زینب علیها السلام و ایشان از امیرمؤمنان علیه السلام نقل فرمودند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله این خبر را برای ما نقل می‌نمودند و فرمودند: «إِنَّ إِبْلِيسَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ يَطِيرُ فَرَحًا فَيَجُولُ الْأَرْضَ كُلَّهَا فِي شَيْطَانِيهِ وَ عَفَارِيهِ فَيَقُولُ يَا مَعْشَرَ الشَّيَاطِينِ قَدْ أَذَرْنَا مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ الطَّيِّبَةَ وَ بَلَّغْنَا فِي هَلَاكِهِمُ الْغَايَةَ وَ أَوْزَنَّاهُمْ النَّارَ إِلَّا مَنْ اغْتَصَمَ بِعِذَةِ الْعِصَابَةِ فَأَجْعَلُوا شُغْلَكُمْ بِتَشْكِيكِ النَّاسِ فِيهِمْ وَ حَبْلِهِمْ عَلَى عَدَاوَتِهِمْ وَ إِغْرَائِهِمْ بِهِمْ وَ أَوْلِيَائِهِمْ حَتَّى تَسْتَحْكِمَ ضَالَّةَ الْخَلْقِ وَ كُفْرَهُمْ وَ لَا يَنْجُو مِنْهُمْ نَاجٌ...» : «ابليس [لعنة الله عليه] در آن روز از خوشحالی به پرواز در می‌آید. پس در تمام نقاط دستیاران و عفریت‌هایش را فرا خوانده، به آنها می‌گوید: ای جماعت شیاطین، طلب و تقاص خود را از فرزند آدم گرفتم و در هلاکت ایشان به نهایت آرزوی خود رسیدیم و آتش دوزخ را نصیب ایشان کردم؛ مگر کسانی که به این جماعت [اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه و آله] پیوندند. از این رو سعی کنید نسبت به ایشان در مردم تشکیک ایجاد کرده، آنها را بر دشمنی ایشان وادارید تا بدین وسیله، گمراهی مردم و کفرشان مسلم و محقق شود و نجات‌دهنده‌ای به ایشان نرسد...» (بحارالانوار، ۴۵، ۱۸۳ به نقل از کامل الزیارات).

بیش از هزار سال است که هر روز به شکلی می‌خواهند مانع شوند که بشریت به درب رحمت الهی و باب حطّی<sup>۱</sup> امت رجوع کند؛ هر زمان به وسیله‌ی ابزار خاصّ آن زمان به این کار می‌پردازند. زمانی متوکل‌ها دست زائرین کربلا را قطع می‌کردند و گاهی به قتل و غارت کاروان‌های زوّار کربلا می‌پرداختند. بارها و بارها به حرم مطهر سیدالشهداء علیه السلام هجوم بردند و قبله‌ی دل‌های شیعیان را غارت کردند یا بنای آن بارگاه مقدّس را ویران نمودند؛ امّا در قرآن نخوانده بودند که:

﴿يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُنِيرٌ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾<sup>۲</sup>.

«می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند در حالی که خدا کامل‌کننده‌ی نور خود است؛ گرچه کافران خوش نداشته باشند.»

امروزه کمتر با دشمنی بولادین، قلب انسان‌ها را می‌شکافند؛ بلکه با دشمنی تبلیغات و القای شبهه و شکّ و ریب به دنبال درّ گران‌بهای محبّت در سینه‌ی شیعیان هستند.

یکی از وقیحانه‌ترین شبهاتی که امروزه برای مقابله با راه نورانی اهل‌بیت علیهم السلام مورد استفاده‌ی دشمنان قرار گرفته یا گریبان‌گیر دوستان

۱- عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام قَالَ: «... نَحْنُ بَابُ حِطَّةٍ وَ هُوَ بَابُ الْإِسْلَامِ

مَنْ دَخَلَهُ بَحَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَوَى» (بحار الانوار، ۶۵، ۶۱).

۲- صف (۶۱): ۸.

جاهل شده است، القای سرور و شعف عارفانه در شهادت سیدالشهداء علیه السلام و بیهوده شمردن عزاداری برای آن حضرت است. در این فصل به تبیین اصل شبهه، ریشه‌های آن و کلام فائین به این شبهه می‌پردازیم.

### ۱-۱. منشأ شبهه، شیخ عبدالقادر گیلانی

عبدالقادر گیلانی (۴۵۷-۵۶۱ ه ق) از علمای اهل سنت و مشایخ صوفیه است. در میان دراویش، سلسله‌ی قادریه از پیروان او هستند. قبر او نیز در بغداد به عنوان زیارت‌گاه پیروانش معروف است. وی اشکالی را که بر اهل سنت وارد می‌شود، مطرح می‌کند و می‌گوید:

«قد طعن قوم علی من صام هذا اليوم العظیم و ما ورد فيه من التّعظیم و زعموا أنه لایجوز صیامه لأجل قتل الحسین بن علی رضي الله عنهما فيه و قالوا: ینبغي أن تكون المصیبة فيه عامّةً لجميع الناس لفقده فيه، و أنتم تتخذونه يوم فرح و سرور و تأمرون فيه بالتوسّعه علی العیال و التّفقة الکثیرة و الصدقة علی الفقراء و الضّعفاء و المساکین و لیس هذا من حقّ الحسین رضي الله عنه علی جماعة المسلمین.»

«بعضی به اهل سنت اشکال کرده‌اند که چرا روز عاشورا را روزه می‌گیرید؟ این کار صحیح نیست؛ چرا که در این روز حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیده و سزاوار است در روز مصیبت (فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله) جمیع مردم

اقامه‌ی عزا کنند و شما [اهل سنت] این روز را روز سرور و فرح قرار داده‌اید و مردم را به گشاده‌دستی بر خانواده و خرج کردن و صدقه دادن به فقرا و تنگ‌دستان دعوت می‌کنید...؟! و این کار، شایسته‌ی حقی که امام حسین علیه السلام بر جماعت مسلمانان دارد، نیست.»

آن‌گاه پاسخ می‌دهد:

«و هذا القائل خاطيء و مذهبه قبيح فاسد، لأن الله تعالى إختار سبط نبيه صلى الله عليه وآله الشهادة... يوم عاشوراء لا يتخذ يوم مصيبة، لأن يوم عاشوراء أن يتخذ يوم مصيبة ليس بأولى من أن يتخذ يوم موته فرح و سرور...»<sup>۱</sup>

«اشکال‌کننده به اشتباه رفتن، اعتقادش زشت و فاسد است؛ چرا که خداوند متعال شهادت را برای سبط پیامبر صلى الله عليه وآله برگزیده است... روز عاشورا را نباید روز مصیبت قرار داد؛ چرا که مصیبت دانستن این روز نسبت به شادی و سرور در این روز هیچ برتری و فضیلتی ندارد...»

همان‌گونه که ملاحظه کردید، عبدالقادر گیلانی برای توجیه فرح و سرور هم‌مسلمکی‌های خود در روز عاشورا، به این استدلال پرداخته و شهادت سیدالشهداء علیه السلام را موجب شادی و فرح می‌داند!

## ۱-۲. مولوی بلخی، پرورش‌دهنده و مبلغ شبهه

همان‌گونه که گفته شد، منشأ این شبهه در متصوفه‌ی اهل‌تسنن بوده و یکی از افراد مشهوری که این شبهه را مطرح کرده است، عبدالقادر گیلانی، مؤسس سلسله‌ی قادریه از سلاسل دراویش است. اما پرورش‌دهنده و کسی که این مطلب را به نظم درآورده، یکی از عرفای اهل‌تسنن، یعنی ملاّی رومی است. افکار او که حتی در بین شیعیان نیز رسوخ پیدا کرده است، منجر به مطرح شدن این سؤال در بین آنان شده است.

مولوی که در اعتقاد باطنی خود حرکت امام حسین علیه السلام را حرکتی کورکورانه می‌داند، فداکاری و جان‌فشانی ایشان را این‌گونه تعبیر می‌کند:

«کورکورانه نرو در کربلا تا نگردي چون حسين اندر بلا»<sup>۱</sup>

وی در شعری دیگر این نگرش را به شکلی فریب‌کارانه به نمایش گذاشته است؛ به صورت ریاکارانه‌ای با عزاداری سیدالشهداء علیه السلام به مخالفت پرداخته و این عمل را سطحی‌نگری دانسته و تقبیح کرده است! مولوی در دفتر ششم مثنوی به نقل عزاداری شیعیان اهل حلب پرداخته و می‌گوید:

روز عاشوار همه اهل حلب	باب انطاکیه اندر تا به شب
گرد آید مرد و زن جمعی عظیم	ماتم آن خاندان دارد مقیم
تا به شب نوحه کنند اندر بُکا	شیعه عاشورا برای کربلا
بشمرند آن ظلم‌ها و امتحان	کز یزید و شمر دید آن خاندان
از غریو و نعره‌ها در سر گذشت	پر همی گرد و همه صحرا و دشت

۱- خیراتیّه، ۲، ۴۵. نقل شده که این بیت در بعضی از نسخ مثنوی موجود است.

در آن هنگام یک مرد غریب شاعری از آن شهر گذر می‌کرد و آن  
صحنه‌ی عزاداری را دید:

«یک غریبی شاعری از ره رسید روز عاشورا و آن افغان شنید»  
آن شاعر به پرس‌وجو از ماجرا پرداخت که این سوگ چه کسی  
است:

شهر را بگذاشت و آن سو رای کرد قصد جست‌وجوی آن هیبای کرد  
شیعیان که از بی‌خبری او در تعجب شدند، بانگ زدند:

آن یکی گفتش که تو دیوانه‌ای تو نه‌ای شیعه عدو خانه‌ای  
روز عاشوار نمی‌دانی که هست ماتم جانی که از قرنی به است  
پیش مؤمن کی بود این غصه خوار قدر عشق گوش، عشق گوشوار  
پیش مؤمن ماتم آن پاک روح شهره‌تر باشد ز صد طوفان نوح

سپس مولوی به شکلی زیرکانه به القای نظر خود و ایجاد شبهه در  
عزاداری پرداخته و شیعیان را دچار مرگ غفلت می‌خواند:

خفته بودستید تا اکنون شما که کنون جامه دریدید از عزا  
پس عزا بر خود کنید ای خفتگان زان که بدمرگی است این خواب‌گران  
روح سلطانی ز زندانی بچست جامه چون دریم و چون خاییم دست  
چون که ایشان خسرو دین بوده‌اند وقت شادی شد چو بگسستند بند  
سوی شادروان دولت تاختند کُنده و زنجیر را انداختند  
دور مُلک است و گه شاهنشهی گر تو یک ذره از ایشان آگهی

پس مولوی نیز به همان شبهه‌ی عبدالقادر گیلانی تمسک جسته است.  
وی نیز در مغالطه‌ای آشکار بیان کرده است که ما باید در عزای  
سیدالشهدا، علیه السلام به شادی بپردازیم؛ چرا که ایشان به مقامات عالی  
رسیده‌اند و از بند دنیا فارغ گشته‌اند!



شاید مولوی در این زمینه از مراد خود، یعنی شمس تبریزی تقلید کرده است. شمس در مقالات، شمس خجندی را - که ذکر مصائب اهل بیت علیهم السلام می‌کرد و بر آن گریه می‌نمود- به سخره می‌گیرد و می‌گوید:

«شمس خجندی بر خاندان پیامبر می‌گریست، ما بر وی گریستیم. یکی به خدا پیوست، بر وی می‌گريد!»<sup>۱</sup>

کلّ شبهه در همین یک جمله‌ی شمس خلاصه می‌شود.

### ۱-۳. بیان مرحوم حسینی طهرانی در کتاب «روح مجرد»

متأسفانه کم و بیش شاهد رسوخ تفکرات صوفیه - که خاستگاه آن در میان دشمنان اهل بیت علیهم السلام است- در بین برخی شیعیان هستیم. گاهی این تفکرات تا به جایی پیش می‌رود که حتی برخی از علمای شیعه نیز برخلاف موازین اهل بیت علیهم السلام، فریفته‌ی این تفکرات می‌شوند؛ گاهی قول و فعل و تقریر ائمه علیهم السلام و نیز عقل و فطرت را به کناری گذاشته، شعر یک صوفی سنی را ملاک عمل خود قرار می‌دهند.

سید محمدحسین حسینی طهرانی، در کتاب «روح مجرد» که به شرح احوال استادشان آقای حدّاد پرداخته‌اند، در ضمن بیان احوال ایشان در دهه‌ی اول محرّم، می‌گویند:

«در تمام دهه‌ی عزاداری، حال حضرت حدّاد بسیار منقلب بود. چهره سرخ می‌شد و چشمان درخشان و

نورانی؛ ولی حال حزن و اندوه در ایشان دیده نمی‌شد؛ سراسر ابتهاج و مسرت بود. می‌فرمود: چه قدر مردم غافل‌اند که برای شهید جان‌باخته غصه می‌خورند و ماتم و اندوه به پا می‌دارند! صحنه‌ی عاشورا جز... فنای مطلق در ذات احدیت چیزی نبوده است. تحقیقاً روز شادی و مسرت اهل بیت است. زیرا روز کامیابی و ظفر و قبولی ورود در حریم خدا و حرم امن و امان اوست... مردم خبر ندارند و چنان محبت دنیا چشم و گوش‌شان را بسته که بر آن روز تأسف می‌خورند و هم‌چون زن فرزندمرده می‌نالند. ...

در دهه‌ی عاشورا حضرت آقای حداد بسیار گریه می‌کردند؛ ولی همه‌اش گریه‌ی شوق بود. و بعضی اوقات از شدت وجد و سرور، چنان اشک‌هایشان متوالی و متواتر می‌آمد...<sup>۱</sup>

سپس از زبان آقای حداد به بیان اشعار مولوی می‌پردازند که پیش از این ذکر شد. ایشان پس از بیان آن شعر، حالات آقای حداد را به حالات امام حسین علیه السلام و اصحاب ایشان در روز عاشورا تشبیه می‌کنند و این حالات را مخصوص کسانی می‌دانند که از عوالم کثرات عبور نموده، به فنای مطلق فی الله رسیده‌اند. هم‌چنین مردم عادی را توصیه به گریه، سینه‌زنی و نوحه‌خوانی می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱- روح مجرد، ۷۸-۷۹.

۲- همان، ۸۶.

البته ایشان اشاره‌ای نکردند که امام رضا علیه السلام که از ابتدای محرم خیمه‌ی عزا به پا می‌کردند و به عزاداری بر امام حسین علیه السلام می‌پرداختند<sup>۱</sup> و می‌فرمودند:

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونِنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا...»<sup>۲</sup>

«همانا روز (قتل) حسین علیه السلام پلک‌های ما را مجروح ساخت

و اشک‌های ما را جاری کرد...»

و دیگر ائمه علیهم السلام که در ادامه‌ی این نوشته خواهد آمد، آیا به مقامات آقای حداد نرسیده بودند و به قول ایشان، مانند عوام از مردم، گرفتار دنیا بودند یا این که خطا از جای دیگر است؟

#### ۱-۴. حاشیه‌های فراوان دکتر عبدالکریم سروش

دکتر حسین حاج‌فرج‌دبّاغ (عبدالکریم سروش)، از شیفتگان ملاّی رومی است. ایشان در سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مقالات خود با بیانی آمیخته به صنایع ادبی و مغالطات غیرمنطقی، به بیان این تئوری مولوی پرداخته و مطالبی را عنوان کرده است. وی در مصاحبه‌ای<sup>۳</sup> که با روزنامه‌ی همشهری انجام شده، در سه شماره به نام‌های «چرا ملّتی شاد نیستیم؟»، «روستاییان شادترند» و «هنر شادی‌آفرین»، اصل را بر شادی قرار

۱- وسائل الشیعة، ۱۰، ۴۶۹؛ امالی صدوق، ۱۲۹.

۲- بحار الانوار، ۴۴، ۲۸۴، ح ۱۷ به نقل از امالی صدوق.

۳- گفت‌وگو از مجید موحدخواه.

داده، غم و اندوه را استثنائات و خلاف فطرت بشری می‌داند. وی - بدون توجه به علل گوناگون افسردگی مردم ایران - به مراسم عزاداری، سرودن مرثیه و حرمت موسیقی تاخته است.<sup>۱</sup>

البته اشکالی که به اغلب آثار ایشان وارد است این است که ایشان در بسیاری از موارد، مسائل در خور توجهی را مطرح می‌کنند و ذهن خواننده و شنونده را با پرسش‌هایی در گیر می‌کنند، ولی به علت پاسخ شتابزده و عدم بررسی دقیق مسائل و همه‌ی عوامل، اساس مساله را به فراموشی می‌سپارند. لذا این شبهه مطرح می‌گردد که ایشان از ابتدا به دنبال القای مطلبی در غالب پاسخ خود به یک پرسش هستند و شکافتن مساله برای ایشان اهمیت چندانی ندارد!

دکتر سروش طی سخنانی دیگری<sup>۲</sup> که به شکل مقاله‌ای با عنوان «حسین بن علی و جلال‌الدین رومی» در کتاب قمار عاشقانه<sup>۳</sup> به چاپ رسیده است، به تبیین نگرش مولوی بر عاشورا پرداخته است.

وی در این مقاله، ابتدا دین‌داری را به سه سطح تقسیم می‌کند تا خواننده از همان ابتدا در معذوریت قرار گرفته و خود را در بالاترین سطح از دین‌داران که به روش صحیح می‌روند، قرار دهد! می‌گوید:

---

۱- روزنامه‌ی همشهری، شماره‌های ۲۰۷۰، ۲۰۷۱، ۲۰۷۲، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ اسفند

۱۳۷۸.

۲- سخنرانی ایراد شده در جمع ایرانیان، لندن، محرم ۱۴۱۹ / اردیبهشت ۱۳۷۷.

۳- قمار عاشقانه، ۸۷، تهران: مؤسسه‌ی فرهنگی صراط، ۱۳۸۴.

«دین‌داری را می‌توان به سه صنف بسیار کلان تقسیم کرد: دین‌داری مصلحت‌اندیش، دین‌داری معرفت‌اندیش و دین‌داری تجربت‌اندیش.

۱- دین‌دارانی که دین را برای مصالح دنیوی (و حتی مصالح اخروی) خود می‌خواهند... دین در نظر اینان، به منزله‌ی ابزار و مقدمه‌ای برگرفته می‌شود تا آدمی به مدد آن، به غایات و نتایجی برسد...

۲- دین‌داری معرفت‌اندیش با محوریت عقل نظری، در سطح بالاتری قرار می‌گیرد و دین را به منزله‌ی یک موضوع قابل تأمل معرفت‌شناسانه، مورد نظر قرار می‌دهد.

۳- در مرتبه و سطح سوم، به دین‌داری تجربت‌اندیش می‌رسیم. در این‌جا نیز نوع گرایش عوض می‌شود... مولوی که از قهرمانان عرصه‌ی دین‌داری تجربت‌اندیش است، در این باب سخنان فراوان دارد...<sup>۱</sup>

ملت عشق از همه دین‌ها جداست عاشقان را ملت و مذهب خداست<sup>۲</sup>  
سپس بیان می‌کند دین عوامانه پر از اسطوره‌های مختلف است و می‌گوید:

«برای قرن‌ها، پدران و مادران و اجداد ما، برای حسینی گریسته‌اند که... روزی که کشته شده هر سنگی را در هر نقطه‌ای از زمین که بر می‌داشتند، در زیر آن خون

---

۱- همان، ۷۹-۸۱.

۲- مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۷۷۰.

تازه می‌جوشید. ... از هنگامی که متولد شد، جد و مادرش برایش می‌گریستند؛ چرا که می‌دانستند وی روزی به نحو قساوت‌آمیزی در صحرایی خشک و با لبانی خشک، شهید خواهد شد. ... ملائکه هم بر او گریسته‌اند و در عزای او، «سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است»<sup>۱</sup>.

سپس به تحلیل نگرش دین‌داران معرفت‌اندیش به واقعه‌ی عاشورا می‌پردازد و بیاناتی در این مورد عرضه می‌دارد. در راستای توضیح بالاترین سطح دین‌داری که همان دین‌داری تجریت‌اندیش و عاشقانه است، به ذکر شعر مولوی و شرح و تفسیر آن می‌پردازد:

«آن روح بلند رها شد. شما به شکستن قفس نظر کنید. به آزاد شدن مرغ جان این سلطان از زندان نظر کنید. ببینید که او با این رهیدن شاد است و می‌توان شادی او را دنبال کرد. او دیگر غم‌ناک نیست...»<sup>۲</sup>

ایشان در این باب به تفصیل سخن گفته است و در آخر توصیه‌ای به خوانندگان می‌کند:

---

۱- قمار عاشقانه، ۸۲.

۲- همان.

«ما در حال حاضر، باید تمام آن چه را که به نام دین و سنت دینی به ما رسیده است، مورد تجدید نظر قرار دهیم...»<sup>۱</sup>

#### ۱-۵. نقد منصفانه‌ی علامه محمدتقی جعفری رحمته‌الله در شرح مثنوی

علامه محمدتقی جعفری رحمته‌الله، در کتاب شرح مثنوی خود در شرح و نقد ابیات گذشته از مولوی به تفصیل سخن گفته‌اند و به صورت کاملاً منطقی، ابعاد مختلف شعر مذکور را به نقد کشیده‌اند. ایشان ابتدا حدود ده صفحه به شرح مختصر ماجرای کربلا و عوامل آن پرداخته و قضاوت عادلانه را بر عهده‌ی خوانندگان گذاشته‌اند.<sup>۲</sup> سپس در اعتراض به مولوی می‌گویند:

«آن چه که جلال‌الدین با نظر به چشم‌انداز کاری که درباره‌ی انسانیت محض، یا انسانی - الهی، پیش گرفته بود، می‌توانست از داستان کربلا بهره‌برداری کند... حقایق فراوانی را از واقعیت‌های قطعی، نه از قصه‌های تمثیلی و ثابت‌شده به فرهنگ مطلوب بشری عرضه کند.»<sup>۳</sup>

---

۱- همان، ۹۲.

۲- تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی، ۱۳، ۲۹۲-۳۰۳.

۳- همان، ۱۳، ۳۰۳.

سپس مداخلی از جریان عاشورا که می‌توانست مورد تأکید مولوی قرار گیرد و در اشعارش بر آن‌ها تکیه کند، به عنوان نمونه می‌آورد.<sup>۱</sup> روشن است که استفاده از اندرزهایی که در عالم واقع اتفاق افتاده، بر تمثیل خیالی مولوی برتری دارد.

ایشان پس از گوشزد غفلت مولوی از واقعه‌ی عاشورا و مسائل متعدّد آموزنده در آن واقعه، به موضوع مطرح‌شده از طرف مولوی پرداخته و می‌گوید:

«در میان گریه‌ای که شاعر مسافر حلب یا جلال‌الدین از زبان او توصیه می‌کند، با گریه به حسین علیه السلام که گریه بر خود و انسانیت و انسان‌ها را در بر دارد، منافاتی وجود ندارد.»<sup>۲</sup>

علامه‌ی جعفری؛ در این باره نیز به تفصیل سخن می‌گوید و گریه‌ی بر خواب‌های سنگین و غفلت خود را با گریه بر امام حسین علیه السلام که گریه بر عدالت و حق است، منافی نمی‌داند. ایشان پس از این با بیان این که گذر زمان از حادثه موجب فراموشی آن نمی‌شود، می‌گوید:

«اگر گذشتن و انقراض حادثه‌ی کربلا بتواند دلیلی بر عدم لزوم یادبود آن داستان باشد، حتی جلال‌الدین هم نمی‌تواند بگوید: شما به حال خود گریه کنید؛ زیرا

---

۱- همان، ۳۰۴.

۲- همان، ۳۱۳.



چنان که داستان خونین کربلا گذشته و به سلسله‌ی  
ابدیت پیوسته است. هم‌چنین تبهکاری‌ها و  
گنهکاری‌های ما نیز به حکم:

هر نفس نو می‌شود دنیا و ما  
بی‌خبر از نو شدن اندر بقا  
عمر هم‌چون جوی نو می‌رسد  
مستمری می‌نماید در جسد<sup>۱</sup>

گذشته و به پشت پرده‌ی طبیعت خزیده است؛ دیگر  
جایی برای گریه نمی‌ماند!<sup>۲</sup>

مرحوم علامه‌ی جعفری رحمته‌الله با بیان این که امام حسین علیه‌السلام با شهادت  
به سوی خداوند می‌روند و این که این امر مورد تأیید شیعه است، از  
مغالطه‌ی مولوی پرده برداشته، می‌گوید:

«جلال‌الدین این حقیقت را هم می‌بایست در نظر بگیرد  
که اگر این منطق صحیح باشد که مردان الهی با کشته  
شدن رو به دیدار خدا می‌روند؛ پس جای شادی و سرور  
و وجد است، نه جای تأثر و گریه؛ این نتیجه را هم می-  
توان گرفت که کشندگان مردان الهی، خدمت بزرگی به

---

۱- مثنوی/دفتر اول، بیت ۱۱۴۵-۱۱۴۶.

۲- تفسیر و نقد و تحلیلی مثنوی جلال‌الدین محمد بلخی، ۱۳، ۳۱۵.

آنان انجام می‌دهند که قفس آنان را می‌شکنند و مرغ  
روحشان را به عالم ملکوت به پرواز در می‌آورند.<sup>۱</sup>

پس اگر بخواهیم با این استدلال که سیدالشهداء علیه السلام با کشته شدن رو  
به دیدار خداوند رفتند، به شادی پردازیم، باید ابتدا از قاتلان و ظالمان و  
کشندگان آن حضرت تشکر کنیم که باعث رهانیده شدن آن جناب از  
دنیای فانی شده‌اند!

ما در این جا بیان مرحوم علامه علیه السلام را به پایان می‌رسانیم. در عین حال  
به محققان توصیه می‌کنیم به کتاب علامه در شرح مثنوی رجوع کنند.

#### ۱-۶. کلام سیدبن طاووس علیه السلام

مرحوم سیدبن طاووس علیه السلام، از علمای بزرگ شیعه، در کتاب معروف و  
ارزشمند لهوف که به عنوان مقتل برای سیدالشهداء علیهم السلام نگاشته‌اند،  
عبارتی را آورده‌اند که برخی را به اشتباه انداخته است. ایشان در مقدمه‌ی  
لهوف می‌فرماید:

«و لولا امثال أمر السنّة و الكتاب في لبس شعار الجزع  
و المصاب، لأجل ما طمس من أعلام الهداية، و أسس من  
أركان الغواية، و تأسفاً على ما فاتنا من تلك السعادة و  
تلهُفاً على أمثال تلك الشهادة، و إلا كنا قد لبسنا لتلك  
التعمة الكبرى أثواب المسرة و البشرية.»<sup>۲</sup>

---

۱- همان، ۳۱۶.

۲- اللّهُوف على قتلى الطّفوف، مقدمه، ۴.

«و اگر نبود پیروی از فرمان سنت پیامبر ﷺ و کتاب پروردگار در پوشیدن لباس جزع و مصیبت زدگی هنگام از بین رفتن نشانه‌های هدایت و ایجاد بدعت‌ها و تأسّف برای از دست دادن سعادت و تأثّر بر شهادت آنان، هرآینه در مقابل این نعمت بزرگ، جامه‌های سرور و بشارت به تن می‌کردیم.»

۱-۶-۱. برداشت اوّل از بیان سیّد: مردود شمردن بیان فوق به دلیل

#### آیات و روایات متواتر

عده‌ای این سخن جناب سیّدین طاووس رضی الله عنه را منافی آیات و روایات می‌دانند. لذا با تمام بزرگی و جلالت مقامی که برای ایشان قائل‌اند، ایشان را جایز الخطا دانسته، دستور ائمه علیهم السلام را ملاک عمل خود قرار می‌دهند.

۲-۶-۱. برداشت دوم از بیان سیّد: توجّه به تبصره‌ی مهمّ در کلام

#### سیّدین طاووس رضی الله عنه

دیدگاه دقیق‌تر نسبت به سخن مرحوم سیّدین طاووس رضی الله عنه، این است که به تبصره‌هایی که ایشان به سخن‌شان آورده‌اند، توجّه کنیم. ایشان در ابتدای سخن می‌فرماید:

«و لو لا امثال امر السنّة و الكتاب في لبس شعار الجزع و المصاب لأجل ما طمس من أعلام الهداية وأسس من أركان الغواية، و تأسّفاً على ما فاتنا من تلك السعادة و تلّهفاً على أمثال تلك الشهادة...».

«و اگر نبود پیروی از فرمان سنت پیامبر ﷺ و کتاب پروردگار در پوشیدن لباس جزع و مصیبت زدگی هنگام از بین رفتن نشانه‌های هدایت و ایجاد بدعت‌ها و تأسّف برای از دست دادن سعادت و تأثر بر شهادت...».

ایشان به این نکته توجه می‌دهند که عمل به دستور پیامبر ﷺ، اهل بیت علیهم السلام و قرآن، همانا عزاداری در این مصیبت است. عقل نیز حکم به عزاداری می‌کند؛ به دلیل این که در دین به سبب شهادت کسی که هدایت کننده امت است، بدعت‌هایی ایجاد شده که هنوز پس از سالیان دراز اثرات آن ظلم عظیم بر پیکره‌ی جامعه‌ی بشری باقی مانده است. سپس ایشان برای تأکید دوباره می‌گویند:

«و حيثُ أنَّ في الجزع رضاً لِسَطانِ المعاد، و غرضاً لأُبرار العباد، فها نحن قد لبسنا سِرْبَ الجزوع، و آنسنا يارسالِ الدُّموع، و قلنا للعيون: جودي بتواتر البكاء، و للقلوب: جُدِّي جِدَّ ثواكلِ النِّساء، فأَنَّ ودائعِ الرِّسولِ الرِّثوفِ أبيضت يومِ الطِّفوف، و رسومِ وصيِّته بحرمه و أبناؤه طمست بأيدي أُمَّته و أعدائه.»<sup>۱</sup>

«ولی چون ناله و ماتم در مصیبت [دخترزاده‌ی حضرت خاتم] سبب رضای خداست و نیکوکاران را غرضی در این عزاداری مترتب است، ما هم جامه‌ی عزا پوشیدیم و اشک از دیدگان جاری ساختیم و به چشمان خود چنین

خطاب کردیم: ای دیدگان از پی‌درپی گریستن غافل  
نباشید. و به دل‌های خود خطاب کردیم: هم‌چون زنان  
فرزندمرده در ناله و زاری بکوشید که امانت‌های پیامبر  
رئوف در روز مبارزه، مباح شمرده شده است و آثار  
وصیت آن حضرت درباره‌ی حرم‌سرا و بچه‌های دل‌بندش  
با دست‌های امتش و دشمنانش از بین رفته است.»

پس بنابر نظر ایشان، گریه و عزای بر سیدالشهداء علیه السلام مورد رضای  
خداست و وظیفه و امری از طرف اهل‌بیت علیهم السلام می‌باشد.

لازم به یادآوری است که خود سیدین‌طاووس علیهما السلام در این مسیر گام  
برداشته است. ایشان به نگاشتن این کتاب مقتل پرداخته تا در نقل مصائب  
عاشورا و ذکر مصیبت سیدالشهداء علیه السلام سهم باشد.

#### ۱-۷. استدلال به فرمایش حضرت زینب علیها السلام

متأسفانه برخی غفلت را به حدّ اعلا رسانده‌اند و برای القای شبهه به  
هر جمله‌ای، بدون در نظر گرفتن شرایط و معنای صحیح جمله استناد  
می‌کنند!

پس از اسارت، ابن‌زیاد به حضرت زینب علیها السلام طعنه زد که:

«كَيْفَ رَأَيْتِ صُنْعَ اللَّهِ بِأَخِيكَ وَ أَهْلِ بَيْتِكَ؟»

«کاری را که خدا با برادر و خاندانت کرد، چگونه

دیدی؟»

ایشان نیز در جواب، آن جمله‌ی تاریخی و همیشه زنده را فرمودند که:

«مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلاً»<sup>۱</sup>

«جز زیبایی ندیدم.»

غفلت‌زدگان با توجه به این جمله، این اشکال را وارد می‌کنند که حضرت زینب علیها السلام نیز واقعه‌ی عاشورا را صحنه‌ای زیبا می‌دانند. لذا برای چنین صحنه‌ای که یکی از صحنه‌گردانان آن، به زیبایی توصیفش می‌کند، دیگر چه جای عزاداری، ناراحتی و غم است!؟

#### ۱-۷-۱. عزاداری زنان بنی‌هاشم در شام در تعارض با شبهه

علامه‌ی مجلسی رحمته الله<sup>۲</sup> و محدث نوری رحمته الله<sup>۳</sup> ضمن نقل خوابی عجیب از همسر یزید، نوشته‌اند که:

«(فردای آن شب) زمانی که صبح شد، یزید اسرای اهل بیت علیهم السلام را خواست و به آنان گفت: چه چیز را بیشتر دوست دارید؟... آنان گفتند: ما پیش از هر چیز دوست داریم بر حسین علیه السلام گریه و زاری کنیم. گفت: هر چه می‌خواهید انجام دهید. سپس حجره‌ها برای ایشان مهیا ساخت و زنی از زنان بنی‌هاشم و طایفه‌ی قریش

۱- بحارالانوار، ۴۴، ۱۱۵-۱۱۶ به نقل از لهوف.

۲- همان، ۱۹۶.

۳- مستدرک الوسائل، ۳، ۳۲۷ به نقل از المنتخب طریحی.

نماند، جز آن که بر حسین علیه السلام لباس سیاه پوشید و به گریه و زاری پرداخت. نقل شده است که تا هفت روز این وضعیت ادامه داشت تا این که...».

نکته‌ی حایز اهمیت این است که حضرت زینب علیها السلام زنان بنی‌هاشم را همراهی می‌کردند. در ضمن حضرت سجاد علیه السلام هم در میان بنی‌هاشم حضور داشتند و این خود مهر تأییدی بر عمل این بزرگواران است.

#### ۱-۷-۲. معنای صحیح کلام ام‌المصائب علیها السلام

با توجه به حالات حضرت زینب علیها السلام و بی‌تابی و عزاداری ایشان در سوگ برادر از جان عزیزترشان - که به تأیید امام زمانشان حضرت زین‌العابدین علیه السلام امضا شده بود- به گوشه‌ای از معنای کلام ایشان اشاره می‌کنیم.

با صرف نظر از موقعیت و ابعاد مجلس ابن‌زیاد که برای سرپوش گذاشتن بر جنایت خود، آن عمل را فعل خداوند دانست و سخنان قرآی دخت امیرالمؤمنین علیه السلام که در آن مجلس ایراد گشت، این جمله نشان دهنده‌ی رضایت از کار مسببان واقعه‌ی کربلا نیست؛ بلکه رضایت بر قضا و قدر الهی و سرافرازی از این امتحان و ابتلای الهی است؛ همان رضایتی که در اعلا درجه‌اش، در گودال قتلگاه به نمایش گذاشته شد و معبود عالمیان این ندا را سر داد:

---

۱- قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: «أَقْرَأُوا سُورَةَ الْفَجْرِ فِي فَرَائِضِكُمْ وَ نَوَافِلِكُمْ فَإِنَّهَا سُورَةُ الْحُسَيْنِ وَ ارْغَبُوا فِيهَا رَحِمَكُمُ اللَّهُ. فَقَالَ لَهُ أَبُو أُسَامَةَ وَ كَانَ حَاضِرَ الْمَجْلِسِ كَيْفَ صَارَتْ هَذِهِ السُّورَةُ لِلْحُسَيْنِ علیه السلام خَاصَّةً؟ فَقَالَ: أَلَا تَسْمَعُ إِلَى قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَ ادْخُلِي جَنَّتِي﴾ إِنَّمَا يَعْنِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ صَلَّى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمَا فَهُوَ ذُو النَّفْسِ الْمُطْمَئِنَّةِ الرَّاضِيَةِ الْمَرْضِيَّةِ وَ أَصْحَابُهُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

﴿ يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿۱﴾ اِرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً ﴿۱﴾. »

«ای جان آرام گرفته و اطمینان یافته!» «به سوی پروردگارت باز گرد؛ درحالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است.»

به شهادت تاریخ هنگام از دنیا رفتن ابراهیم، فرزند پیامبر اکرم ﷺ، ایشان بسیار اندوهگین شدند و در فراق وی بسیار گریستند. گریه حضرت برای برخی عجیب می‌نمود. لذا به ایشان عرض کردند: یا رسول الله! بر مرگ فرزند گریه می‌کنی، درحالی که رسول خدا هستی؟! حضرت خاتم در جواب فرمودند:

«إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ فَتَدْمَعُ الْعَيْنُ وَ يَفْجَعُ الْقَلْبُ وَ لَا نَقُولُ مَا يُسْخِطُ الرَّبَّ وَ اللَّهُ يَا إِبْرَاهِيمُ إِنَّا بِكَ لَمَحْزُونُونَ.»  
«همانا من بشر هستم. پس چشم گریان است و قلب دردناک. اما چیزی که باعث غضب پروردگار شود، نمی‌گوییم. سپس فرمود: به خدا قسم ای ابراهیم! ما برای تو اندوهناکیم.»<sup>۲</sup>

---

الرضوان [هُمُ الرَّاضُونَ] عَنِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ هُوَ رَاضٍ عَنْهُمْ وَ هَذِهِ السُّورَةُ فِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ شِيعَتِهِ وَ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ خَاصَّةً فَمَنْ أَدْمَنَ قِرَاءَةَ الْفَجْرِ كَانَ مَعَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي دَرَجَتِهِ فِي الْجَنَّةِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (بجاریانوار، ۲۴، ۹۳، ح ۶).

۱- فجر (۸۹): ۲۷-۲۸.

۲- مسکن الفؤاد عند فقد الأحبة و الأولاد، ۱۰۳.



فعل دوست‌داران اهل‌بیت علیهم‌السلام نیز به تبعیت و دستور ایشان، همین رضایت از امتحان الهی است و هیچ تناقضی با عزاداری و لعنت فرستادن بر مسببان این فاجعه ندارد؛ همان‌گونه که در زیارت عاشورا، پس از لعن و نفرین قاتلین آن حضرت و سلام و درود فراوان بر ایشان و یارانشان، به سجده رفته، می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَىٰ مُصَابِهِمُ الْحَمْدُ  
لِلَّهِ عَلَىٰ عَظِيمِ رَزِيَّتِي...»<sup>۱</sup>

«خدایا مخصوص توست ستایش سپاس‌گزارانت با وجود مصیبت‌زدگی آن‌ها. ستایش خدای را بر بزرگی مصیبت‌م...»

یا در دعای ندبه که سراسر سوز و گداز است، از همان ابتدا می‌گوییم:

«اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَىٰ مَا جَرَىٰ بِهِ قَضَاؤُكَ فِي أَوْلِيَائِكَ  
الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَ دِينِكَ إِذْ اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِيلَ  
مَا عِنْدَكَ مِنَ النَّعِيمِ الْمُقِيمِ...»<sup>۲</sup>

«خدایا ستایش مخصوص توست با وجود آن‌چه در قضایات بر اولیای تو رفته است؛ آنان که برای خودت و دینت خالصشان گردانیدی؛ چون نعمتی بزرگ و بی‌زوال را که نزد توست، برای آنان اختیار کردی...»

---

۱- مصباح کفعمی، ۴۸۴ زیارت عاشورای معروف.

۲- بحارالانوار، ۹۹، ۱۰۴.

این‌ها همه رضایت به امتحان الهی و عمل به وظیفه‌ی خود است.  
همین عزاداری و سوز و گداز و صبر بر این مصیبت عظمی و درخواست  
فرج منتقم، امتحان عصر حاضر برای ماست.





## ۲. اصل بندگی

### ۲-۱. مغالطه‌ای غیر عقلایی و غیر انسانی

همان‌گونه که دیدیم، دکتر سروش اصلی را مطرح کرده‌اند به نام «اصل شادی». ایشان اصل را بر فرح و سرور می‌دانند و برای اثبات این اصل، به اشعار طرب‌انگیز مولوی اشاره کرده‌اند و دلیل عاقلانه‌ی دیگری برای اثبات این اصل نیاورده‌اند.

سؤال این‌جاست که کدام عقل بشری و فطرت انسانی، در واقعه‌ای هولناک و غم‌انگیز، موافق با سرور و شادی است؟! چه کسی به بهانه‌ی این که سیرت ظالمی برای جهانیان آشکار شده است، از قتل کودکی مظلوم خشنود می‌شود؟! کیست که در مرگ عزیزترین عزیزانش به طرب بنشیند که او از بند دنیا فارغ شده است؟! آیا انسانی که به اندازه‌ی تاریخ بشریت شاهد ظلم و بی‌عدالتی است، باید همواره مسرور باشد؟! آیا نام این کار غفلت است یا سرور عارفانه؟!

آیا عقلای عالم به کسی که با شنیدن صدای تاق تاق پُتک و سندان به رقص در کوچه و خیابان درمی‌آید، مستِ غافل گویند یا عاقلِ عارف؟! و آیا عارفان همسویان با ظالمان جهان‌اند و توجیه‌گر آنان یا داعیان حق و حقیقت؟!

## ۲-۲. تفاوت در مبدأ مختصات

آری، این تفاوت دیدگاه بر می‌گردد به تفاوت در مبدأ نگرش به جهان. غافلی که در مزرعه به زارعی برخورد می‌کند که گندم‌ها را روی زمین می‌پاشد، او را به تمسخر گرفته، عمل او را کوتاه‌فکری می‌داند. اما اگر غایت عمل او را درک کند، او را به دیده‌ی انکار نمی‌نگرد و کار خوبان را قیاس از خود نمی‌گیرد!

---

۱- حسّاسیّت او نسبت به موسیقی تا حدّی بود که به سماع بانگ آسیاب به وجد می‌آمد. ... ماجرای بازار زرکوبان در همان ایّام، سماع او را در بازار به يك مجلس شور و حال صوفیانه تبدیل کرد. ... از آهنگ تاق تاق پتک و سندان که در زیر سقف می‌پیچید... شور و حالی عجیب در وی پدید آمد... بی‌خودوار در دم به سماع و چرخ مشغول شد، مریدان هم به موافقت، بر گرد او در سماع آمدند و هنگامه‌ای عظیم جمع آمد... زرکوبان دیگر در داخل کارگاه‌ها دست از کار کشیده بودند و با حیرت و شگفتی به وجد و رقص مولانا و مریدان دیده دوخته بودند... مولانا از وقت ظهر تا هنگام نماز دیگر در این هنگامه‌ی عظیم، و در وسط بازار زرکوبان به سماع مشغول بود. (پلّه پلّه تا ملاقات خدا، ۱۷۰-۱۷۱)

آری به عقیده‌ی ما اصل نه بر «شادی» است، نه بر «غم»؛ اصل بر بندگی خالق هستی است. اگر معبودِ محبوب ما بگوید: همیشه شاد باش و دنیا را به غفلت گذران و در عیش نقد کوش، ما همه‌ی عمر را به طرب می‌گذرانیم. اصل نه بر شادی است، نه بر غم. اصل طلبِ یار است و بندگی معبود؛ نه رقص و آواز و طرب.

سخن ما هم در این مقاله با کسانی است که ملاکشان عقل و قرآن و سنّت است. اگر کسی ملاک دیگری در عمل برگزیده است، نه شادی سودش دهد، نه عزا و میدان گفت‌وگو به مباحث اولّیه‌ی کلامی و اعتقادی منتقل می‌شود.



### ۳. غم و شادی از دیدگاه قرآن و عترت

در این فصل از نظرگاه آیات قرآن و بیانات عترت به بررسی شادی و غم می‌پردازیم تا ببینیم که از دیدگاه این دو منبع اصیل، اصل دین بر چیست؛ بر شادی است یا غم؟

#### ۳-۱. مذمت فرح و شادی غافلانه برای دنیا

در قرآن کریم آیات فراوانی به مذمت فرح و شادی برای به دست آوردن دنیا آورده شده است. همان سروری که منشأ اصلی آن غفلتی است که انسان را در بر می‌گیرد و به ورطه‌ی نابودی می‌کشاند. در اینجا به چند آیه به عنوان نمونه اشاره می‌کنیم:

﴿إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾ ﴿وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ أَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَ لَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ﴾<sup>۱</sup>



«همانا قارون از قوم موسی بود که بر آنان تعدی و تجاوز کرد. از گنجینه‌های مال و ثروت آن اندازه به او دادیم که حمل کلیدهایش بر گروهی نیرومند گران و دشوار می‌آمد. [یاد کن] هنگامی که قومش به او گفتند: [متکبران و مغروران] شادی مکن! قطعاً خدا شادمانان [متکبر و مغرور] را دوست ندارد.» «در آن چه خدا به تو عطا کرده است، سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن. نیکی کن همان‌گونه که خدا به تو نیکی کرده است و در زمین خواهان فساد مباش که بی‌تردید، خدا مفسدان را دوست ندارد.»

﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّى إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ﴾<sup>۱</sup>  
 «پس چون حقایقی را که [برای عبرت گرفتنشان] به آن یادآوری شده بودند، فراموش کردند، درهای همه چیز را به روی آنان گشودیم تا هنگامی که به آن چه داده شدند، مغروران خوشحال گشتند. به ناگاه آنان را [به عذاب] گرفتیم. پس یک‌باره [از نجات خود] درمانده و نومید شدند.»

﴿اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَ يَقْدِرُ وَ فَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ﴾<sup>۲</sup>

۱- انعام (۶): ۴۴.

۲- رعد (۱۳): ۲۶.

«خدا روزی را برای هرکس که بخواهد، وسعت می‌دهد و برای هرکس که بخواهد، تنگ می‌گیرد. و آنان که از حیات جاوید و پرنعمت آخرت بی‌خبرند] به زندگی زودگذر دنیا شادمان شدند؛ در حالی که زندگی دنیا در برابر آخرت جز متاعی اندک و ناچیز نیست.»

﴿لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾<sup>۱</sup>

«تا ابا یقین به این که هر گزند و آسیب و هر عطا و منعی فقط به اراده‌ی خداست و شما را در آن اختیاری نیست] بر آن چه از دست شما رفت، تأسف نخورید و بر آن چه به شما عطا کرده است، شادمان و دلخوش نشوید. خداوند هیچ گردن‌کش خودستایی را [که به نعمت‌ها مغرور شده است] دوست ندارد.»

﴿ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَ بِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ﴾ ﴿ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَىٰ الْمُتَكَبِّرِينَ﴾<sup>۲</sup>

«این [عذاب‌ها] برای آن است که به ناحق در زمین شادی و سرمستی می‌کردید و مغرورانه به پایکوبی و خوشحالی می‌پرداختید.» «از درهای دوزخ وارد شوید

۱- حدید (۵۷): ۲۳.

۲- غافر (۴۰): ۷۵-۷۶.

که در آن جاودانه‌اید. پس چه بد است اقامتگاه  
متکبران!»

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا  
فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ﴾ ﴿قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَ  
بِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾<sup>۱</sup>

«ای مردم! یقیناً از سوی پروردگارتان برای شما پند  
وموعظه‌ای آمده است که شفاست برای آن‌چه از  
بیماری‌های اعتقادی و اخلاقی<sup>۱</sup> در سینه‌هاست و  
[سراسر] هدایت و رحمتی است برای مؤمنان.» «بگو:  
[این موعظه، دارو، هدایت و رحمت] به فضل و رحمت  
خداست. پس باید مؤمنان به آن شاد شوند که آن، از  
تمام آن‌چه جمع می‌کنند، بهتر است.»

### ۲-۳. مدح حزن و گریه در قرآن

با توجه به آیات بخش گذشته، روشن است همان‌گونه که فرح و  
شادی برای امور دنیوی مذموم است، تأسف و حزن در این امور نیز مورد  
رضایت خداوند نیست. اما خداوند در قرآن مجید حزن و گریه را مدح  
کرده است. در واقع حزن و گریه در راستای بندگی خداوند، از خشوع و  
تذلل بنده در مقابل پروردگارش سرچشمه می‌گیرد و برای امور مادی  
نیست.

در زیر به چند آیه از کلام‌الله در مدح حزن و گریه اشاره می‌شود:

---

۱- یونس (۱۰): ۵۷-۵۸.

﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾<sup>۱</sup>.

«و گریه‌کنان به رو در می‌افتند و [شنیدن قرآن] بر فروتنی و خشوعشان می‌افزاید.»

﴿إِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾<sup>۲</sup>.

«هنگامی که آیات [خدای] رحمان بر آنان خوانده می‌شد، سجده‌کنان و گریان به رو می‌افتادند.»

﴿وَإِذَا سَمِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَى أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ﴾<sup>۳</sup>.

«وآن هنگام که بشنوند آن چه را که بر پیامبر [اسلام] نازل شده است، به سبب آن چه از حق شناخته‌اند، دیدگان‌شان را می‌بینی که لبریز از اشک می‌شود. می‌گویند: پروردگارا! ایمان آوردیم؛ پس ما را در زمره‌ی گواهان [که به حقایق پیامبر و قرآن گواهی می‌دهند] بنویس.»

۱- اسراء (۱۷): ۱۰۹.

۲- مریم (۱۹): ۵۸.

۳- مائده (۵): ۸۳.

﴿وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَرْنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ﴾<sup>۱</sup>

«و نیز بر کسانی که هنگامی که نزد تو آمدند تا آنان را [برای رفتن به سوی نبرد] سوار مرکبی کنی، [حرجی نیست]. گفتم: [به سبب نبود امکانات] بر مرکبی دسترسی ندارم [تا شما را به جهاد برم]. [از نزد تو] بازگشتند در حالی که به خاطر غصه و اندوه از دیدگانشان اشک می‌ریخت که چرا چیزی نمی‌یابند تا [در نبرد با دشمنان] هزینه کنند.»

### ۳-۳. بگائین و گریه‌کنندگان نامی در آیات و روایات

در میان انبیای الهی که از بزرگ‌ترین اولیای خدا هستند و خداوند آن‌ها را مأمور هدایت جامعه‌ی بشری به سوی سعادت و رضایت خود کرده است، برخی از ایشان معروف به بگائین شده‌اند. «بگاء» بر وزن فعّال، به معنای «زیاد گریه‌کننده» است.

سؤال ما از امثال آقای دکتر سروش این است که آیا در مقامات عرفانی، انبیای الهی به مقامات بالاتری رسیده‌اند یا متصوّف‌های مانند مولوی و غیره؟ آیا ایشان می‌توانند با استناد به آیات و روایات حتی یک نمونه از

انبیای الهی را مثال بیاورند که در زندگی به شیوهی مولوی زیسته باشد و طرفدار رقص و طرب و پای کوبی به بهانهی فنای فی الله باشد!<sup>۱</sup> کدام یک سزاوار است؟! پیروی از مولوی و شمس و... یا پیامبرانی هم‌چو آدم و یعقوب و یوسف و نوح و یحیی علیهم‌السلام که در آیات و روایات به شدت گریه معروف‌اند!<sup>۱</sup> در فصل‌های آینده به طور خاص به پیامبرانی اشاره می‌کنیم که در سوگ سیدالشهدا علیه‌السلام به عزاداری و گریه پرداخته‌اند.

### ۳-۴. نشاط و سرزندگی در بندگی، از نشانه‌های مؤمن

همان‌گونه که سرور و شادی برای دنیا از غفلت آدمی سرچشمه می‌گیرد، منشأ خمودگی و کسالت نیز غفلت و به خواب دنیا رفتن است. علی‌رغم تصوّر برخی، حزن و گریه در مسیر صحیح، نه‌تنها موجب بی‌رغبتی و خمودگی نمی‌شود؛ بلکه منشأ تحرک و سرزندگی در کارهاست. این که مؤمن به سراب‌های دنیوی دل نبسته است، موجب این می‌شود که برای به دست آوردن آب گوارای زندگی - که حقیقتش در جهان آخرت است - کوشش کند و در این راه، سستی و خمودگی به خود راه ندهد.

---

۱- ر.ک: بحار الانوار، ۴۳، ۱۵۵، ح ۱ به نقل از خصال؛ همان، ۱۴، ۱۶۷، ح ۵.

در ادامه به چند نکته اشاره می‌کنیم که نشان‌دهنده‌ی دوری مؤمن از خمودگی است.

### ۳-۴-۱. درخواست از خداوند برای نشاط در عبادت

مؤمن در بسیاری از دعاها از خداوند درخواست می‌کند که به او نشاط در عبادت و بندگی دهد؛ همان نشاطی که نتیجه‌اش بیداری مؤمن است و در تضاد با خمودگی و سستی است.

به‌عنوان نمونه در دعاهای هر روز ماه رمضان می‌خوانیم:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ  
التَّعَاسَ وَ الْكَسَلَ وَ السَّامَةَ وَ الْفِتْرَةَ وَ الْقَسْوَةَ وَ الْغَفْلَةَ وَ  
الْغِرَّةَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ جَنِّبِي فِيهِ  
الْعِلَلَ وَ الْأَسْقَامَ وَ الْهُمُومَ وَ الْأَحْزَانَ وَ الْأَعْرَاضَ وَ  
الْأَمْرَاضَ ...»<sup>۱</sup>

«خدایا درود فرست بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ و در  
این ماه، بی‌حالی [چرت] و کسالت و خستگی و سستی  
و قساوت قلب و غفلت و غرور را از من برطرف ساز.  
خدایا بر محمد ﷺ و آل محمد ﷺ درود فرست و تمام  
کاستی‌ها و دردها و و غم و اندوه‌ها و حوادث ناگوار و  
بیماری را از من دور ساز...»

---

۱- بحار الانوار، ۹۵، ۱۰۱، ح ۳ به نقل از اقبال الاعمال.

در این دعا چُرت و کسالت، در کنار بیماری‌ها و دردها آورده شده است و از خداوند متعال خواستار از بین رفتن چنین حالتی در خود هستیم.

### ۳-۲. بهجت قلب پس از گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام

هرکس طعم گریه‌ی بر امام حسین علیه السلام را چشیده باشد، نه تنها تفاوت این گریه و حزن را با گریه‌ی بر دیگران و حزن و اندوه‌های دیگر متوجه می‌شود؛ بلکه حاضر نیست بالاترین شادی‌ها را با این حزن و اندوه عوض کند.

گریه‌ای که هم در حین گریه با تمام گریه‌ها تفاوت دارد و هم تمام کسانی که آن را چشیده‌اند، پس از آن گریه، برایشان بهجت قلب و صف‌ناپذیری حاصل می‌شود. درحالی‌که اگر کسی در غم دیگری گریه کند، تا مدتی حزن آن گریه و حالت افسردگی ناشی از آن در وجودش می‌ماند. گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام غم‌های دیگر را زایل می‌کند و قلب‌ها را صیقل می‌بخشد؛ کمر خمیده از گناه انسان را راست کرده، بار گناه او را محو می‌کند. به‌راستی این، همان معنای باب رحمت الهی بودن و باب حطّه بودن اهل بیت علیهم السلام برای امت است.<sup>۱</sup>

---

۱- «تَحُّنُ بَابِ حِطَّةٍ وَ سَفِينَةُ نُوحٍ وَ...» (بحار الانوار، ۲۷، ۱۹۸، ح ۶۲ به نقل از

تفسیر فرات کوفی).



این زایل شدن غم و اندوه برای کسی که به زیارت سیدالشهداء علیه السلام می‌رود نیز حاصل می‌شود. در روایات متعددی در کتاب شریف کامل‌الزیارات به آن اشاره شده است.<sup>۱</sup>

### ۳-۴-۳. سرزندگی و نشاط پیرغلامان امام حسین علیه السلام

آقای سروش در راستای معرفی جامعه‌ی ما به عنوان جامعه‌ای غم‌زده و محزون و افسرده، عامل این مسائل را دین‌داری دین‌داران و عزاداری‌های سنتی و... می‌داند؛ در حالی که در جامعه‌ی ما سرزنده‌ترین و بانشاط‌ترین افراد در میان کسانی هستند که یک عمر بر سیدالشهداء علیه السلام گریسته‌اند. اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، می‌بینیم کسانی که به پیرغلامی امام حسین علیه السلام معروف‌اند، در هیأت مذهبی پا به پای جوانان و اغلب جلوتر از آن‌ها، به خدمت‌گزاری می‌پردازند. در زندگی و روابط روزانه‌ی خود از نشاط و سرزندگی ویژه‌ای برخوردارند. در حالی که کسانی که عمری را به خوش‌گذرانی سپری کرده‌اند، اغلب در سنین پیری - که دیگر توانایی خوشی‌های دنیوی را ندارند - افسرده می‌شوند و دیگر توانایی انجام هیچ کاری را از لحاظ روحی ندارند.

---

۱- کامل‌الزیارات، باب ۶۹: إِنَّ الزیارة الحسین علیه السلام ینقّس بها الكرب و تقضي بها الحوائج (زیارت امام حسین علیه السلام غم و اندوه را بر طرف کرده، به واسطه‌ی آن حوائج برآورده می‌شود).

آنان که از نزدیک پیرغلامان امام حسین علیه السلام را دیده باشند، می‌دانند که در این دستگاه عظیم الهی، بازنشستگی و خمودی و افسردگی راه ندارد.



#### ۴. غم و شادی از دیدگاه عقل و فطرت

در بخش قبل غم و شادی را در آیات قرآن بررسی کردیم. در این بخش به ذکر چند تذکر در مورد غم و شادی می‌پردازیم. هر کسی باید به عقل و فطرت خود رجوع کند تا دوری نظریه‌ی متصوفه از عقل و فطرت آدمی مشخص شود.

#### ۴-۱. حکم عقل درباره‌ی غمناک شدن در مصیبت انسان‌ها (هم‌دردی با هم‌نوع)

آدمی در نهاد و فطرت خود در تمام تاریخ در مقابل درد و رنج انسان‌های دیگر و ظلم‌ها و تعدی‌هایی که به انسان‌ها روا می‌شده، عکس‌العمل نشان می‌داده است. این هم‌دردی و غمناک شدن در غم هم‌نوعان، هنوز هم به عنوان امری عقلی و فطری در بین جوامع بشری رخ می‌نماید.

دگر عضوها را نماند قرار      چو عضوی به درد آورد روزگار

تمامی انسان‌ها با شنیدن داستان تعدی عده‌ای انسان ظالم بر دیگر انسان‌ها، فارغ از بُعد زمانی و مکانی و تفاوت در رنگ پوست و لهجه و... متأثر می‌شوند؛ در ضمیر خویش میان خود و ظالمان آن واقعه، خطّ قرمزی می‌کشند و از آن‌ها بیزار می‌جویند. این در مورد انسان‌هایی است که حتّی هم‌دیگر را ندیده‌اند و نمی‌شناسند و فقط می‌دانند که انسان‌هایی بی‌نام و نشان سال‌ها پیش مورد ظلم و جور قرار گرفته‌اند. حتّی می‌توان مدّعی شد، حرکت‌های اجتماعی در راستای از بین بردن ظلم ظالمان، به همین علّت است.

#### ۴-۲. غمناک شدن در غم محبوب

##### ۴-۲-۱. مقدار مصیبت‌زدگی، تابع رابطه با فرد مصیبت‌زده

فارغ از حسّ نوع‌دوستی و هم‌دردی با هم‌نوع، هر انسانی در مصیبت و اندوه عزیزان خود بیش از دیگران متأثر می‌شود. هزاران جوان در دنیا به علّت‌های مختلف از دنیا می‌روند؛ ولی هنگامی که کسی فرزند خویش را از دست می‌دهد، در غم او بسیار بی‌تاب می‌شود. این سوز و گداز نه فقط به خاطر از دنیا رفتن یک جوان است؛ بلکه به خاطر رابطه‌ی عاطفی موجود بین مادر و فرزند یا پدر و فرزند است. کسانی که در سوگ سیدالشّهداء علیه السلام به عزاداری می‌پردازند و در روز عاشورا بی‌تاب می‌شوند، عملشان منحصر به مظلوم بودن عده‌ای از انسان‌ها در طول تاریخ نیست؛ بلکه این انسان‌هایی که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، محبوبِ عزاداران نیز

هستند. هرکس در غم یار و دلدار خویش مصیبت‌زده می‌شود. گذشت زمان و بُعد تاریخی و مکانی هم موجب کم‌رنگ شدن آن مصیبت نمی‌شود.

#### ۴-۲-۲. مقدار مصیبت‌زدگی، تابع مقام و درجه‌ی مصیبت‌زده

علاوه بر رابطه‌ی عاطفی و روحی بین عزاداران سیدالشهداء علیهم‌السلام با ایشان و تعلق خاطر اینان به آن عزیز تاریخ و پدر مهربان، عامل دیگری در این مصیبت رخ می‌نماید که از هر مطلبی مهم‌تر است. این عامل همانا نسبت افراد کشته‌شده و مورد ظلم و تعدی قرار گرفته با خداوند متعال است. برای کسانی که خداوند را معبود حقیقتی خود می‌دانند، آن‌چه او برمی‌گزیند، مقدّس و محبوب می‌شود. خانه‌ای که از خشت و گل معمولی ساخته شده است، هنگامی که منسوب به خداوند می‌شود، بیت‌الله نامیده می‌شود؛ مسلمانان گرد آن می‌گردند و برای دیدار آن، شوق خاصی دارند. سنگ سیاهی که مورد عنایت خداوند باشد، محلّ بوسه‌ی بندگان خدا می‌شود. بچّه شتری که خداوند به عنوان معجزه از دل کوه بیرون می‌آورد، برای قوم صالح باید مقدّس باشد. هنگامی هم که قوم صالح آن بچّه شتر را به هلاکت می‌رسانند، مورد خشم و غضب الهی قرار می‌گیرند و بلا بر آن‌ها نازل می‌شود.

حال خاندان پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که برگزیدگان پروردگار عالمیان هستند- برای ما چه جایگاهی دارند؟ سیدالشهداء علیهم‌السلام که حجّت خداوند

و امام ما هستند، در چه مقامی نسبت به حجرالاسود قرار دارند؟ پس شیعیان به بی‌راهه نرفته‌اند که در مصیبت خاندانی که برگزیدگان خداوند هستند، به عزاداری می‌پردازند. اهمّیت مصیبت این بزرگان به علّت رابطه‌ای است که با خداوند جهانیان دارند. هتک حرمت آنان نیز توهین به خداوند عالم است.

#### ۳-۴. شادی در مصیبت، رضایت از کار مسببان و تشکر از آنها

همان‌گونه که در فصل ابتدایی کتاب از مرحوم علامه محمدتقی جعفری نقل شد، شادی در مصیبت به معنای رضایت داشتن از کار مسببان است. بدین معنا که اگر ما به بهانه‌ی این که ایشان به درجات عالی نائل شده‌اند، به شادی بپردازیم، باید از مسببان و قاتلان آن حضرت نیز تشکر کنیم؛ به فعل آنها نیز راضی باشیم که حضرت را به مقامات عالی رسانده‌اند. این کار در سیره‌ی عقلا امری غیرعقلانی و مذموم است.

#### ۴-۴. اصل بودن شادی، غیرعقلانی و غیرانسانی

پس این که جناب آقای سروش اصل را بر شادی گرفته‌اند، از دیدگاه عقلا و انسان‌های جهان امری غیرعقلانی و غیرانسانی است؛ چرا که غم و شادی در شرایط مختلف است که حسن و قبح پیدا می‌کند. از انسان بودن به دور است که فردی در غم عزیزش یا در مجلس ترحیم دیگری به طرب و شادی بپردازد به این دلیل که او از غالب تن رها شده است. این

امر در بین تمام عقلای عالم با هر دین و مذهبی، بدیهی است؛ چه رسد به وقتی که خاندان مطهر پیامبر ما ﷺ در یک نیم‌روز به آن شکل، به شهادت رسیدند و زنان و بچه‌هایی که عزیزتر از نوامیس خود ما هستند، به اسارت برده شدند و شد آن‌چه نباید می‌شد.







## ۵. اعظم مصائب و حزنی عالم گیر

### ۵-۱. عمق فاجعه و توهم بزرگ‌نمایی

برخی حادثه‌ی عاشورا را که از اعماق جان‌های مؤمنان سرچشمه می‌گیرد، در حدّ یک واقعه‌ی تاریخی صرف - که در زمانی محدود و مکانی محدود رخ داده - تلقّی می‌کنند؛ همان کسانی که برای تگّه‌های جام و کوزه‌های شکسته‌ی باستانی سر و دست می‌شکنند و ساعت‌ها وقت برای به دست آوردن آن‌ها صرف می‌کنند، خریدار کتیبه‌های تاریخی گذشتگان هستند و برای این کارها علم باستان‌شناسی را تأسیس کرده‌اند، به وقایعی هم‌چون سقیفه و عاشورا و... که می‌رسند، توقّف کرده، تحقیق بر سر این وقایع را بیهوده تلقّی می‌کنند! اگر عده‌ای برای تگّه‌ای از زمین چمن مسابقات فوتبال جام‌جهانی صدها دلار هزینه کنند، از نظر اینان بی‌مشکل است؛ چرا که از روی علاقه و محبّت به فوتبال است؛ اما اگر کسی به پارچه‌ی سبز پرچم عزای سیدالشهداء علیه السلام عشق بورزد، کاری غیرعقلانی است! عمق فاجعه‌ی کربلا و تأثیر آن بر کائنات و نظام هستی

و انهدام ارکان هدایت بشری بر ما پوشیده نیست؛ اما حقیقت این فاجعه را حجّت‌های الهی، پیامبران خدا و اهل بیت پیامبر ﷺ متوجه می‌شوند. چرا که حقایق عالم از آن‌ها پوشیده نیست. ملائکه، کروبیان و ساکنین عالم ملکوت می‌فهمند که در کربلا چه اتفاقی افتاده است. آنان نیز بی‌پرده نظاره‌گر حقایق‌اند.

حیوانات، پرندگان و حتی آسمان و زمین، گاهی از برخی انسان‌ها در شناخت این حقایق پیشی می‌گیرند. در این فصل به نقل نمونه‌هایی از عزاداری اصناف مختلف عالم می‌پردازیم تا ببینیم این عزاداری از روی دین‌داری معیشت‌اندیشانه است یا به خاطر نگرش صحیح به حقایق عالم.

## ۵-۲. گریه و حزن اهل بیت ﷺ بر سیدالشهداء ﷺ

### ۵-۲-۱. گریه‌ی پیامبر اکرم ﷺ

گریه‌ی بر سیدالشهداء ﷺ تأسی به پیامبر اکرم ﷺ است و به گفته‌ی خداوند متعال که حکم فرموده:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾<sup>۱</sup>

«یقیناً برای شما در [اروش و رفتار] پیامبر خدا الگویی نیکویی است؛ برای کسی که همواره به خدا و روز قیامت امید دارد و خدا را بسیار یاد می‌کند»

موجب سعادت دنیا و آخرت انسان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مجالس بسیاری به عزاداری و گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام پرداخته‌اند. در این باره مرحوم آیت‌الله شیخ جعفر شوشتی می‌فرماید:

«این‌گونه مجالس سوگواری بر حسین علیه السلام از شماره بیرون است و هرگاه خواسته‌ام که مجالس سوگواری پیامبر صلی الله علیه و آله را در رثای حسین علیه السلام از نظر حالت و مکان و زمان و گریه‌کنندگان و نوحه‌سرایان و... برشمارم، نتوانسته‌ام. تنها این مطلب بر من روشن شده است که از آن هنگام که حسین علیه السلام به دنیا آمد، بلکه از آن هنگام که مادرش فاطمه‌ی زهرا علیها السلام آن حضرت را باردار شد، هر مجلسی که در هر روز و شبی و در مسجد و خانه‌ها و باغ‌ها و کوچه‌های مدینه و در سفر و حضر و در خواب و بیداری درباره‌ی آن حضرت برپا می‌شد، نوحه‌سرایی برای حسین علیه السلام بود و نوحه‌ی آن حضرت گاهی با فرمایش‌های خود پیامبر به پاداشش انجام می‌شد و گاهی به شنیدن از فرشتگان. گاهی پیامبر صلی الله علیه و آله حسین علیه السلام را به یاد می‌آورد و از زرفای وجودش آه می‌کشید و گاهی...»

به گفته‌ی این مجتهد مکتب سیدالشهداء علیه السلام، مجالس گریه‌ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قبل از شهادت آن بزرگوار از حدّ شمار خارج است. ما در این جا برای تبرک به چند روایت اشاره می‌کنیم:

❁ امام صادق علیه السلام از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌فرمایند:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به زیارت ما آمدند و پیش از آن ام‌ایمن برای ما شیر و سرشیر و خرما هدیه داده بود. لذا برای پذیرایی از حضرت، آن‌ها را مقابل ایشان نهادیم. حضرت میل فرمودند. سپس ایستادند و به گوشه‌ای از خانه تشریف بردند و چند رکعت نماز خواندند. در آخرین سجده به شدت گریستند. هیچ یک از ما به منظور اجلال و تعظیم آن وجود مبارک سؤال نکرد که سبب گریستن شما چیست. ولی امام حسین علیه السلام در دامن رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست و عرض نمود: ای پدر جان، به منزل ما وارد شدی و هیچ چیز ما را این مقدار مسرور نکرد. سپس گریستی به طوری که ما را غمگین ساختی. سبب گریستن شما چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پسر عزیزم، هم‌اکنون جبرئیل علیه السلام نزد من آمد و به من خبر داد که شما را می‌کشند و قبور شما متفرّق و پراکنده است.

حضرت سیدالشهداء علیه السلام عرض کرد: پدر جان، چه ثوابی است برای کسی که این قبور متفرّق و پراکنده را زیارت کند؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«يَا بُنَيَّ أُولَئِكَ طَوَائِفُ مِنْ أُمَّتِي يَزُورُونَكَ فَيَلْتَمِسُونَ بِذَلِكَ  
الْبُرْكَهَ وَحَقِيقٌ عَلَيَّ أَنْ آتِيَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى أَخْلَصَهُمْ مِنْ  
أَهْوَالِ السَّاعَةِ مِنْ ذُنُوبِهِمْ وَ يُسَكِّنُهُمُ اللَّهُ الْجَنَّةَ».

«پسر عزیزم، زائرین شما گروهی از امت من هستند که  
درخواست‌شان از زیارت شما حصول برکت است و  
سزاوار است که من روز قیامت به نزدشان رفته، آن‌ها را  
از هول و وحشت قیامت - که به سبب گناهانشان پدید  
آمده - برهانم. سپس حق تعالی آن‌ها را در بهشت جای  
می‌دهد.»

❁ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

پیامبر صلی الله علیه و آله در خانه‌ی ام‌سلمه بودند و به او سفارش کردند کسی نزد  
ایشان نیاید. امام حسین علیه السلام - که کودکی خردسال بودند - آمدند و ام‌سلمه  
توانست جلوی ایشان را بگیرد. به محضر پیغمبر صلی الله علیه و آله وارد شدند و  
ام‌سلمه نیز به دنبال ایشان رفت. حسین علیه السلام روی سینه‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله بود و  
آن حضرت گریه می‌کرد و چیزی را در دست خود زیر و رو می‌کرد.  
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ای ام‌سلمه، این جبرئیل است که به من خبر  
می‌دهد که این حسین علیه السلام کشته می‌شود. این خاکی است که روی آن  
کشته شود. آن را نزد خود نگه‌دار و هنگامی که به خون تبدیل شد،  
[بدان که] حییم کشته شده است. ام‌سلمه گفت: یا رسول الله، از خدا  
بخواه که [این را] از او دفع کند. فرمود: خواستم و خدا فرمود:

«أَنَّ لَهُ دَرَجَةً لَا يَنَالُهَا أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ وَ أَنَّ لَهُ شِيعَةً يَشْفَعُونَ فِيْشَفَعُونَ وَ أَنَّ الْمَهْدِيَّ مِنْ وُلْدِهِ فَطُوبَى لِمَنْ كَانَ مِنْ أَوْلِيَاءِ الْحُسَيْنِ وَ شِيعَتِهِ هُمْ وَاللَّهِ الْفَائِزُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

«او را درجه‌ای است که احدی از مخلوقات بدان نرسد و او را شیعیانی است که شفاعت کنند و شفاعتشان پذیرفته شود. به راستی مهدی از فرزندان اوست. خوشا بر کسی که از اولیای حسین علیه السلام باشد. همانا شیعیانش روز قیامت رستگاران اند.»<sup>۱</sup>

#### ۵-۲-۲. گریه‌ی حضرت زهرا علیها السلام

قلم از توصیف حزن و اندوه ناموس کبریا عاجز است؛ اندوهی که از هنگام بارداری امام کشته‌ی اشک، بر قلب ام‌الآنتمه علیها السلام پدیدار شد. هنوز صدای جزع آن یگانه‌ی هستی به گوش آسمانیان می‌رسد و پایانی ندارد، جز ظهور منتقم آل‌محمد علیهم السلام. در این‌جا نیز به ذکر چند روایت بسنده می‌کنیم:

❁ امام صادق علیه السلام فرمودند:

جبرئیل علیه السلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد. پس عرض کرد: یا محمد، خداوند سلام می‌رساند و تو را به فرزندی بشارت می‌دهد که از فاطمه علیها السلام متولد می‌شود و بعد از تو امتت او را می‌کشند.

۱- همان، ۲۲۵، ح ۵ به نقل از امالی صدوق.

حضرت فرمودند: ای جبرئیل، به پروردگار سلام مرا برسان و عرض کن که به چنین فرزندی احتیاج ندارم که از فاطمه علیها السلام متولد شود و بعد از من امتم او را بکشند.

جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و همان گفتار را تکرار کرد و همان پاسخ را شنید. بار دیگر جبرئیل علیه السلام به آسمان بالا رفت و سپس به زمین فرود آمد و محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله مشرف شد و عرض کرد:

«يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُفْرِتُكَ السَّلَامَ وَ يُبَشِّرُكَ أَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلَايَةَ وَ الْوَصِيَّةَ».

«ای محمد، پروردگارت به تو سلام می‌رساند و بشارت می‌دهد که امامت و ولایت و وصایت را در نسل این مولود قرار می‌دهد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: راضی و خشنود شدم. سپس برای فاطمه علیها السلام خبر فرستادند که: خداوند به من بشارت داده که فرزندی از شما متولد می‌شود و پس از من امتم او را می‌کشند. حضرت فاطمه علیها السلام برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر فرستادند که: به فرزندی که امت بعد از شما او را بکشند، نیازی ندارم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خبر فرستادند که خداوند امامت و ولایت و وصایت را در نسل این فرزند قرار داده است. حضرت فاطمه علیها السلام خبر فرستادند که راضی شدم.

﴿فَحَمَلَتْهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّى إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَ بَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي

أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَ عَلَى وَالِدَيَّ وَ أَنْ  
أَعْمَلَ صَالِحاً تَرْضَاهُ وَ أَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ﴿﴾.

«پس درحالی که از مقتول واقع شدن آن فرزند[ کراهت داشت، به او باردار شد و در حالی که از اخبار جبرئیل به مقتول واقع شدن آن مولود] کراهت داشت، وضع حمل کرد و مجموع دوران حمل و شیرخوارگی آن طفل، سی ماه بود تا آن که به سن بلوغ رسید و سپس به چهل سالگی رسید. پس به درگاه الهی عرضه داشت: بار خدایا، مرا توفیق ده تا بر نعمتی که به من و پدر و مادرم عطا فرمودی، شکر کنم و به کار شایسته‌ای که خشنودی تو در آن است، موقّق نما و در فرزندان من برخی را صالح گردان.»

اگر ایشان (امام حسین علیه السلام) به جای «أصلح فی ذرّیتی» عبارت «أصلح لی ذرّیتی» را ایراد می‌کردند، به طور قطع تمام ذرّیه‌ی آن جناب از امامان می‌شدند...<sup>۱</sup>

﴿﴾ از حضرت امام صادق علیه السلام نقل شده است که ایشان فرمودند:

«دَخَلْتُ فَاطِمَةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عَيْنَاهُ تَدْمَعُ فَسَأَلْتُهُ مَا لَكَ فَقَالَ إِنَّ جَبْرَائِيلَ أَخْبَرَنِي أَنَّ أُمَّتِي تَقْتُلُ حُسَيْنًا فَجَزَعْتُ وَ شَقَّ عَلَيَّهَا فَأَخْبَرَهَا بِمَنْ يَمْلِكُ مِنْ وُلْدِهَا فَطَابَتْ نَفْسُهَا وَ سَكَنَتْ».<sup>۲</sup>

۱- همان، ۲۳۲، ح ۱۷ به نقل از کامل الزیارات.

۲- همان، ۲۳۳، ح ۱۹ به نقل از کامل الزیارات.



«حضرت فاطمه علیها السلام به محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله شرفیاب شدند و چشمان ایشان را اشک آلود دیدند. از آن جناب پرسیدند: شما را چه شده است؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: جبرئیل علیه السلام به من خبر داده که ائمتّم حسین علیه السلام را خواهند کشت. پس فاطمه علیها السلام به جزع آمد و جامه‌ی خود را پاره کرد. [رسول خدا صلی الله علیه و آله که حال را مشاهده کردند] به آن حضرت خبر دادند که یکی از فرزندان ابن مولود، مالک امور می‌گردد [و از قاتلان انتقام خواهد گرفت]. پس از این خبر حضرت فاطمه علیها السلام خشنود شدند و جانشان آرام گشت.»

❁ امام صادق علیه السلام به ابوبصیر می‌فرمایند:

«... يَا أَبَا بَصِيرٍ إِنَّ فَاطِمَةَ لَتَبْكِيهِ وَ تَشْهَقُ فَتَزْفِرُ جَهَنَّمَ زَفْرَةً لَوْ لَا أَنَّ الْخَزَنَةَ يَسْمَعُونَ بُكَاءَهَا وَ قَدْ اسْتَعَدُّوا لِذَلِكَ مَخَافَةَ أَنْ يَخْرُجَ مِنْهَا عُنُقٌ أَوْ يَشْرُدَ دُخَانُهَا فَيُحْرِقَ أَهْلَ الْأَرْضِ فَيَكْبُحُونَهَا مَا دَامَتْ بَاكِيَةً وَ يَزْجُرُونَهَا وَ يُوثِقُونَ مِنْ أَبْوَابِهَا مَخَافَةَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ فَلَا تَسْكُنُ حَتَّى يَسْكُنَ صَوْتُ فَاطِمَةَ وَ إِنَّ الْبِحَارَ تَكَادُ أَنْ تُنْفِثَ فَيَدْخُلَ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَ مَا مِنْهَا قَطْرَةٌ إِلَّا بِهَا مَلَكٌ مُوَكَّلٌ فَإِذَا سَمِعَ الْمَلِكُ صَوْتَهَا أَطْفَأَ نَارَهَا بِأَجْحَتِهِ وَ حَبَسَ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ مَخَافَةَ عَلَى الدُّنْيَا وَ مَنْ فِيهَا وَ مَنْ عَلَى الْأَرْضِ فَلَا تَزَالُ الْمَلَائِكَةُ مُشْفِقِينَ يَبْكُونَ لِبُكَائِهَا وَ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَتَضَرَّعُونَ إِلَيْهِ وَ يَتَضَرَّعُ أَهْلُ الْعَرْشِ وَ مَنْ حَوْلَهُ وَ تَرْتَفِعُ أَصْوَاتٌ مِنَ الْمَلَائِكَةِ بِالتَّقْدِيسِ لِلَّهِ مَخَافَةَ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ

وَ لَوْ أَنَّ صَوْتًا مِنْ أَصْوَاتِهِمْ يَصِلُ إِلَى الْأَرْضِ لَصَعِقَ أَهْلُ  
الْأَرْضِ وَ تَقَلَّعَتِ الْجِبَالُ وَ زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا...»<sup>۱</sup>

«...ای ابوبصیر، به راستی که فاطمه علیها السلام بر آن حضرت می‌گرید و ضجه می‌زند. پس بدان سبب جهنم نعره‌ای می‌کشد. اگر فرشتگان حافظ جهنم صدای گریه‌ی فاطمه علیها السلام را نمی‌شنیدند و از ترس بیرون آمدن زبانه‌ی آتش یا دود آن آماده‌ی کنترول آن نمی‌شدند، تمامی اهل زمین را می‌سوزاند. لذا مادامی که فاطمه علیها السلام گریان و نالان است، فرشتگان محافظ، آن را مهار می‌کنند و به دلیل هراسی که بر [هلاکت] اهل زمین دارند، درهای آن را محکم بسته نگاه می‌دارند. ولی [در عین حال] دوزخ ساکت و آرام نمی‌شود، مگر صدای فاطمه علیها السلام آرام گردد. دریاها نزدیک است شکاف برداشته، از هم دریده شوند. در نتیجه برخی در بعضی دیگر داخل می‌شوند (دریا متلاطم می‌شود) و بر هر قطره‌ی آبی، فرشته‌ای موکل است. پس هرگاه فرشته‌ی موکل، بانگ و خروش فاطمه علیها السلام را بشنود، با بال‌هایش آتش آن را خاموش می‌کند و به خاطر ترس بر [نابودی] دنیا و آنچه در آن است و کسانی که بر روی زمین هستند، آن‌ها را محبوس نگاه می‌دارد. پیوسته فرشتگان در حالت نگرانی، به سبب گریستن فاطمه علیها السلام می‌گریند و خدا را خوانده، به جانبش تضرع و زاری می‌کنند. عرشیان و اطرافیان‌شان نیز جملگی در تضرع و ناله‌اند و به خاطر هراس بر [نابودی] اهل زمین، صدای فرشتگان به

۱- همان، ۴۵، ۲۰۸، ح ۱۴ به نقل از کامل الزیارات.

تقدیس خداوند بلند است. اگر صدایی از آن‌ها به زمین  
برسد، اهل زمین از هوش می‌روند و کوه‌ها از جای خود  
کنده می‌شود و اهل زمین به لرزه در می‌آیند.»

۳-۲-۵. گریه‌ی حیدر کرار، امیرالمؤمنین علیه السلام

تضرع و زاری‌کننده‌ی در خیبر و فاتح نبردها، نه تنها عجیب نیست؛  
بلکه نشان از عمق فاجعه و مصیبت واقعه‌ی کربلا دارد. پیروان عرفان  
حقیقی، خود را دنباله‌روی امام العارفین می‌دانند؛ برای نظرات آنانی که  
بافته‌های بشری و القائنات شیاطین را به عنوان عرفان عرضه می‌کنند، هیچ  
اهمیتی قائل نمی‌شوند. در این‌جا به چند روایت از گریه‌ی  
امیرالمؤمنین علیه السلام در غم جان‌گداز سیدالشهدا علیه السلام اشاره می‌کنیم:

❁ ابن‌عبّاس می‌گوید: در سفر جنگ صفین همراه علی علیه السلام بودم. چون  
به سرزمین نینوا - که در کنار رود فرات قرار دارد - رسید، با ندایی بلند به  
من فرمود: ابن‌عبّاس! این سرزمین را می‌شناسی؟ عرض کردم: ای  
امیرمؤمنان، این‌جا را نمی‌شناسم. فرمود:

«لَوْ عَرَفْتُهُ كَمَعْرِفَتِي لَمْ تَكُنْ تَجُوزُهُ حَتَّى تَبْكِي كِبْكَائِي».

«اگر بدان من این‌جا را می‌شناختی، از این‌جا گذر

نمی‌کردی؛ مگر آن که همچو من می‌گریستی.»

ابن‌عبّاس گوید: آن حضرت بسیار گریست و ما نیز همراهش  
می‌گریستیم. چنان اشک می‌ریخت که محاسنش را تر نمود و به سینه‌اش  
جاری شد. در این حال می‌فرمود:

«أَوْهَ أَوْهَ مَا لِي وَ لَالِ أَبِي سُفْيَانَ مَا لِي وَ لَالِ حَرْبِ حَرْبِ  
الشَّيْطَانِ وَ أَوْلِيَاءِ الْكُفْرِ صَبْرًا يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ لَقِيَ أَبُوكَ  
مِثْلَ الَّذِي تَلَقَى مِنْهُمْ»<sup>۱</sup>.

«آه! آه! مرا چه کار با آل ابی سفیان! مرا چه کار با خاندان  
جنگ، همان حزب شیطان و پیشوایان کفر! ای  
اباعبدالله! شکیبایی پیشه‌ساز که پدرت نیز  
مصیبت‌هایی همانند آن چه تو خواهی دید، دیده است.»

❁ از هرثمه بن ابی مسلم روایت شده که گوید: در جنگ صفین همراه  
علی علیه السلام بودیم. چون از جنگ بازگشتیم، گذرمان به سرزمین کربلا افتاد.  
آن حضرت در آنجا نماز صبح گزارد. پس اندکی از خاک کربلا را  
برداشت، بویید و آن‌گاه فرمود:

«وَاهَا لَكَ أَيُّهَا التُّرْبَةُ لِيَحْشُرَنَّ مِنْكَ أَقْوَامٌ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ  
بِغَيْرِ حِسَابٍ»<sup>۲</sup>.

«خوشا بر تو ای خاک! به راستی که از تو مردمانی  
محشور می‌شوند که بدون حساب‌رسی، به بهشت در  
می‌آیند.»

❁ امام صادق علیه السلام از پدرشان نقل می‌کنند: حضرت علی علیه السلام با دو تن  
از یاران‌شان از کربلا گذر می‌کردند. چون به آنجا رسیدند، اشک از  
دیدگانشان فرو ریخت. آن‌گاه فرمودند:

۱- همان، ۴۴، ۲۵۲، ح ۲ به نقل از امالی صدوق.

۲- همان، ۲۵۵، ح ۴ به نقل از امالی صدوق.

«هَذَا مُنَاخُ رِكَابِهِمْ وَ هَذَا مُلْقَى رِحَالِهِمْ وَ هَاهُنَا تُهْرَاقُ  
دِمَاؤُهُمْ طُوبَى لَكَ مِنْ تُرْبَةٍ عَلَيْكَ تُهْرَاقُ دِمَاءَ الْأَحِبَّةِ»<sup>۱</sup>

«این جا جایگاه نشستن شتران آنها و توقف‌گاه آنان  
است. در این جا خون آنان بر زمین می‌ریزد. ای خاک!  
خوشا بر تو که خون‌های دوستان [خدا] بر روی تو فرو  
می‌ریزد.»

#### ۵-۲-۴. امام حسن علیه السلام در آخرین لحظات زندگی

مظلومیت کریم اهل بیت علیهم السلام در بین شیعیان زبان زد است. اما در روز  
عاشورا چه رخ داد که امام حسن علیه السلام در آخرین لحظات زندگی خود و  
آن هنگام که سم، سراسر وجودشان را فرا گرفته بود، خطاب به امام  
حسین علیه السلام فرمودند: «لَا يَوْمَ كَيْوَمِكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ!»  
به این روایت جانگداز نظر کنید و ببینید که به گفته‌ی امام  
حسن علیه السلام، هر کس در سوگ سیدالشهداء علیه السلام گریه نکند، از وحوش بیابان  
پست‌تر است:

❁ امام صادق علیه السلام از پدرشان و ایشان از جدشان نقل می‌فرمایند:  
روزی حسین بن علی علیه السلام بر امام حسن علیه السلام وارد شد و چون ایشان را دید،  
به گریه افتاد. امام حسن علیه السلام فرمود: چه چیز تو را می‌گریاند یا اباعبدالله؟

---

۱- همان، ۲۵۸، ح ۸ به نقل از قرب الاسناد.

عرض کرد: می‌گیریم برای آنچه بر تو می‌رود. فرمود: آنچه به من رسد زهری است که به کامم می‌ریزند و بدان سبب کشته می‌شوم. اَمَّا

«لَا يَوْمَ كَيْؤْمِكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ»

«یا اباعبدالله، روزی چون روز تو نباشد.»

سی‌هزار مردی که مدعی‌اند از امت جدّ ما محمّدند و خود را به دین اسلام بسته‌اند، بر گرد تو جمع می‌شوند و برای کشتن تو و ریختن خونت و هتک حرمتت و اسیری فرزندان و زنان و غارت اموالت هم‌دست می‌شوند. در این جاست که لعنت بر بنی‌امیه فرود آید و آسمان خاکستر و خون بارد و همه چیز بر تو بگریند، حتی حیوانات وحشی بیابان و ماهیان دریاها.<sup>۱</sup>

۵-۲-۵. گریه و سوز و گداز حضرت زین‌العابدین علیه السلام

۱-۵-۲-۵. یک عمر سوز و گداز

گریه و سوز و گداز امام سجّاد علیه السلام که خود در صحرای کربلا حاضر بودند و آن فاجعه و مصیبت بزرگ را مشاهده کردند، مثال‌زدنی است. امامی که عمری در عزای پدر به سر می‌برد و خود از هرکس دیگر به جایگاه امام حسین علیه السلام واقف‌تر است. در روایات به سوز و گداز بیست یا چهل ساله‌ی حضرت اشاره می‌شود:

---

۱- همان، ۴۵، ۲۱۸، ح ۴۴ به نقل از امالی صدوق.

❁ از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: امام زین العابدین علیه السلام مدت چهل سال بر پدر بزرگوار خود گریه کردند و در این مدت چهل ساله، روزها روزه و شبها به عبادت ایستاده بودند. چون هنگام افطار می شد، غلام آن حضرت آب و طعام در پیش روی آن جناب حاضر می نمود و از امام می خواست تا از آنها میل فرماید. امام سجّاد علیه السلام می فرمود:

«قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ جَائِعًا قَتَلَ ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ عَطْشَانًا.»

«فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله گرسنه شهید شد. فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله عطشان شهید شد.»

بیوسته این سخن را می گفتند تا آن که طعام از اشک چشم آن حضرت تر می شد و آب نیز با اشک دیدگانش مخلوط می شد. همواره در این حال بودند تا از این دنیا رخت بر بستند و به لقای پروردگار شتافتند.<sup>۱</sup>

❁ از غلام امام سجّاد علیه السلام روایت است که گفت:

روزی امام علیه السلام به صحرا تشریف بردند و من نیز به دنبال ایشان رفتم. دیدم آن جناب روی سنگ زبری به سجده رفته اند. من ایستادم در حالی که صدای گریه و ناله ای او را می شنیدم. شمردم هزار مرتبه در سجده می گفتند: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَعْبُدًا وَرِقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا». سپس سر مبارک از سجده برداشتند، در حالی که صورت

و محاسن مبارکش از آب چشمانش پوشیده بود. عرض کردم: ای آقای من! آیا وقت آن نرسیده است که اندوه شما تمام و گریه‌تان اندک شود؟  
امام سجّاد علیه السلام فرمودند:

«وَيَحْكُ إِنَّ يَعْقُوبَ بْنَ إِسْحَاقَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام كَانَ نَبِيًّا  
ابْنِ نَبِيِّ كَانَ لَهُ اثْنَا عَشَرَ ابْنًا فَغَيَّبَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ وَاحِدًا  
مِنْهُمْ فَشَابَ رَأْسُهُ مِنَ الْحُزْنِ وَ اخْدَوْدَبَ ظَهْرُهُ مِنَ الْغَمِّ وَ  
ذَهَبَ بَصَرُهُ مِنَ الْبُكَاءِ وَ ابْنُهُ حَيٌّ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَ أَنَا  
فَقَدْتُ أَبِي وَ أَخِي وَ سَعَةَ عَشَرَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي صَرَخِي  
مَقْتُولِينَ فَكَيْفَ يَنْقُضِي حُزْنِي وَ يَقِلُّ بُكَائِي»<sup>۱</sup>.

«وای بر تو! یعقوب بن اسحاق بن ابراهیم علیه السلام، نبی فرزند  
نبی بود و دوازده پسر داشت. خداوند یکی از پسرانش  
را از نظر او غایب گردانید؛ از اندوه هجران او، موی  
سرش سفید و از انبوه غم، کمرش خم شد؛ چشمانش از  
بسیاری گریه، نابینا شد، حال آن که هنوز فرزندش  
زنده بود. اما من به چشم خود دیدم که پدر و برادر و  
هفده نفر از اهل بیتم را کشتند و بر خاک افکندند؛ پس  
چگونه اندوه من تمام و گریه‌ام اندک شود؟!»

❁ از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که آن حضرت فرمودند:

حضرت علی بن الحسین علیه السلام مدت بیست یا چهل سال بر پدرشان  
گریستند. هر غذایی در مقابل حضرت می‌گذشتند، آن حضرت گریه



می کردند. تا جایی که غلام حضرت، محضر مبارکش عرض نمود: فدایت شوم؛ ای پسر رسول خدا، می ترسم شما هلاک شوید. حضرت فرمودند:

﴿إِنَّمَا أَشْكُوا بَثِّي وَخُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾<sup>۱</sup>.

«تنها درد دل و غم خود را با خدا می گویم و از لطف و کرم بی اندازه‌ی او چیزی می دانم که شما نمی دانید.»

سپس فرمودند:

«إِنِّي لَم أَذْكَرُ مِصْرِعَ بَنِي فَاطِمَةَ إِلَّا خَنَقْتَنِي الْعِبْرَةَ لَذَلِكَ.»  
«هرگاه کشته شدن فرزندان فاطمه علیها السلام را به یاد می آورم، اشک راه گلویم را می بندد.»<sup>۲</sup>

۲-۵-۲-۵. گریه کنندگان نامی

زندگانی امام سجاد علیه السلام چنان با اشک و گریه آمیخته بود که ایشان را در زمره‌ی پنج گریه کننده‌ی نامی معرفی می کنند.  
❁ امام صادق علیه السلام می فرماید:

«الْبِكَاءُ وَ خَمْسَةُ آدَمَ وَ يَعْقُوبَ وَ يُوسُفَ وَ فَاطِمَةَ بِنْتُ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ علیهما السلام...»<sup>۳</sup>.

۱- یوسف (۱۲): ۸۶.

۲- کامل الزیارات، ۱۰۷، ح ۱.

۳- بحار الانوار، ۴۳، ۱۵۵، ح ۱ به نقل از خصال.

«گریه‌کنندگان [نامی] پنج تن بودند؛ آدم، یعقوب، یوسف، فاطمه دختر محمد و علی بن الحسین علیه السلام ...»

### ۵-۲-۳. زین العابدین علیه السلام و افضل عبادات

حضرت زین العابدین علیه السلام عمری در سوز و گداز به سر بردند و به گریه و نوحه بر سیدالشهداء علیه السلام پرداختند. گریه‌ای که از بالاترین عبادات محسوب می‌شود؛ گریه‌ای که ثواب آن را نمی‌توان به حساب درآورد.<sup>۱</sup> پس این عمل امام علیه السلام نه تنها از روی احساسات صرف نیست؛ بلکه نشان از اهمّیت این عمل عبادی دارد. بیهوده نیست امامی را که عمری به چنین عبادتی پرداخته است، زین العابدین (زینت عبادت‌کنندگان) لقب داده‌اند.

### ۵-۲-۶. گریه‌ی امام صادق علیه السلام

کدام شیعه‌ی جعفری است که پیروی از صوفیه‌ی اهل سنت را بر امام ششم خود ترجیح دهد؟! آیا سزاوار است ما که خود را شیعه‌ی جعفری می‌خوانیم، به مخالفت با عمل امام صادق علیه السلام پردازیم؟! آیا عرفای سنی به مقاماتی رسیده‌اند که امام ششم علیه السلام به آن مقامات دست نیافته‌اند؟! در این جا به چند نمونه از روایات در باب عزاداری امام صادق علیه السلام در غم سیدالشهداء علیه السلام می‌پردازیم:

---

۱- «لکل سرّ ثوابٌ الاّ الدمعة فینا» (بحارالانوار، ۴۴، ۲۷۸ به نقل از کامل

❁ ابوهارون مکفوف نقل می کند که حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

ای اباهارون، برایم شعر و مرثیه‌ی حسین علیه السلام را بخوان. من خواندم و آن حضرت گریه کردند. سپس فرمودند: همان طور که پیش خود شعر و مرثیه می خوانید، برایم بخوان؛ یعنی با رقت و سوز. ابوهارون می گوید: پس این بیت را خواندم:

«أَمْرٌ عَلَى جَدِّهِ الْحُسَيْنِ      فَقُلْ لِأَعْظَمِهِ الزَّكِيَّةُ»

«بر قبر حسین علیه السلام گذر کن و به استخوان های پاکِ مطهرش بگو.»

ابوهارون می گوید: امام علیه السلام گریست. سپس فرمود: بیشتر برایم بخوان. پس قصیده‌ی دیگری برای حضرتش خواندم.

ابوهارون می گوید: امام علیه السلام گریستند و صدای گریه‌ی اهل منزل را از پشت پرده شنیدم.

ابوهارون می گوید: وقتی از خواندن فارغ شدم، حضرت به من فرمودند:

«يا ابا هارون مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى  
عَشْرَةَ كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا  
فَبَكَى وَ أَبْكَى خَمْسَةَ كُتِبَتْ لَهُمُ الْجَنَّةُ وَ مَنْ أَنْشَدَ فِي  
الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى وَاحِدًا كُتِبَتْ لَهُمَا الْجَنَّةُ وَ  
مَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ

جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ  
الْجَنَّةِ»<sup>۱</sup>.

«ای اباهارون، کسی که در مرثیه‌ی حسین بن علی علیه السلام شعری بخواند و خود گریه کند و ده نفر دیگر را بگریاند، بهشت بر ایشان واجب می‌شود. کسی که در مرثیه‌ی حسین بن علی علیه السلام شعری بخواند و خود گریه کند و پنج نفر دیگر را بگریاند، بهشت بر ایشان واجب می‌شود. کسی که در مرثیه‌ی حسین بن علی علیه السلام شعری بخواند و خود گریه کند و یک نفر دیگر را بگریاند، بهشت بر آن دو واجب می‌شود. کسی که امام حسین علیه السلام را نزدش یاد کنند و از چشمش به مقدار بال مگسی اشک بیاید، ثواب و اجر او بر خداست و خداوند برای وی به کمتر از بهشت راضی نمی‌شود.»

❁ از ابوعمارهی مرثیه‌سرا نقل کرده‌اند که وی گفت: در هیچ روزی نام امام حسین علیه السلام نزد امام صادق علیه السلام برده نشد، مگر این که در آن روز تا شب متبسم و خندان دیده نمی‌شد و می‌فرمودند:

«الْحُسَيْنُ عِبْرَةٌ كُلِّ مُؤْمِنٍ»<sup>۲</sup>.

«حسین علیه السلام اشک هر مؤمنی است.»

---

۱- وسائل الشیعة، ۱۴، ۵۹۵، ح ۱۹۸۸۷؛ کامل الزیارات، ۱۰۴، ح ۱ (با کمی

تفاوت).

۲- بحارالانوار، ۴۴، ۲۸۰، ح ۱۱ به نقل از کامل الزیارات.

✽ هارون بن خارجه، نقل کرده که محضر مبارک امام صادق علیه السلام بودیم. امام حسین علیه السلام را یاد کردیم و حضرت گریستند و ما نیز گریستیم. سپس امام علیه السلام سر مبارکش را بلند کرده، فرمودند: امام حسین علیه السلام فرمودند:

«أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكِيَ»<sup>۱</sup>.

«من کشته‌ی اشکم. مرا هیچ مؤمنی یاد نمی‌کند، مگر آن که می‌گرید.»

۷-۲-۵. احوال حضرت موسی بن جعفر علیه السلام

چه قدر فاصله است بین صوفیانی که ادعای عرفان دارند با عرفای راستین و ائمه‌ی هدی علیه السلام! مدعیان عرفان دهه‌ی محرم را سراسر در سرور و ابتهاج‌اند و روز عاشورا را تحقیقاً روز شادی و مسرت اهل بیت علیه السلام می‌دانند. اما عارفان واقعی را ببینید که چگونه بوده‌اند:

✽ امام رضا علیه السلام در فرمایشی می‌فرمایند:

«...كَانَ أَبِي إِذَا دَخَلَ شَهْرَ الْمُحَرَّمِ لَا يُرَى صَاحِكًا وَ  
كَانَتْ الْكُتَابَةُ تَغْلِبُ عَلَيْهِ حَتَّى يَمُضِيَ مِنْهُ عَشْرَةُ أَيَّامٍ فَإِذَا  
كَانَ يَوْمَ الْعَاشِرِ كَانَ ذَلِكَ الْيَوْمَ يَوْمَ مُصِيبَتِهِ وَ حُزْنِهِ وَ

---

۱- همان، ۲۷۹، ح ۵ به نقل از کامل الزیارات.

بُكَائِهِ وَ يَقُولُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ»<sup>۱</sup>.

«پدرم را شیوه این بود که چون ماه محرم می‌شد، خندان دیده نمی‌شد و اندوه بر او غالب بود تا روز دهم. چون روز دهم می‌رسید، روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود: امروز روزی است که حسین علیه السلام کشته شد؛ درود خداوند بر او باد.»

#### ۵-۲-۸ عزاداری امام رضا علیه السلام

این روایات را بخوانید و ببینید حالات امام رضا علیه السلام در عزای سیدالشهداء علیه السلام و مخصوصاً در ماه محرم، چگونه بوده است. سپس مقایسه کنید بین حالات ایشان و احوال آنان که خود را عارف واصل می‌دانند و مشاهده کنید که تفاوت از زمین است تا آسمان!

❁ ریان بن شیب گوید: روز اول ماه محرم خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم؛ به من فرمودند: ای پسر شیب، آیا روزه‌ای؟ گفتم: نه. فرمودند: این روزی است که زکریا علیه السلام به درگاه پروردگارش دعا کرد و گفت: پروردگارا، از پیش خود نژاد پاکی به من ببخش که تو شنوای دعایی! خدا برایش اجابت کرد و به فرشتگان دستور داد زکریا را - که در محراب ایستاده بود- ندا کردند: خدا تو را به یحیی بشارت می‌دهد. پس هر که این

---

۱- همان، ۲۸۴، ح ۱۷ به نقل از امالی صدوق.

روز را روزه بدارد و دعا به درگاه خدا کند، خدا دعایش را برآورده سازد، چنان‌که برای زکریا برآورده ساخت. سپس فرمود: ای پسر شیب، به‌راستی محرم همان ماهی است که اهل جاهلیت در زمان گذشته، ظلم و قتال را به‌خاطر احترامش در آن حرام می‌دانستند. اما این امت حرمت این ماه و پیامبرشان را نشناختند [و نگه نداشتند]؛ در این ماه ذریه‌ی او را کشتند و زنانش را اسیر کردند و اموالش را غارت کردند. خداوند هرگز این گناه آن‌ها را نیامرزد. سپس فرمودند:

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ كُنْتَ بَاكِيًا لَشَيْءٍ فَأَبِكْ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ  
 بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ دُبْحٌ كَمَا يُدْبَحُ الْكَبِشُ وَ قُتِلَ مَعَهُ  
 مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَيْهُونَ وَ  
 لَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَ الْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ وَ لَقَدْ نَزَلَ  
 إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آلَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ  
 قُتِلَ فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شَعَثٌ غُبْرٌ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ  
 مِنْ أَنْصَارِهِ وَ شِعَارُهُمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ...».

«ای پسر شیب، اگر خواستی بر چیزی گریه کنی، برای حسین علیه السلام گریه کن که چون گوسفند سرش را بریدند؛ هجده مرد از خاندانش با او کشته شدند که روی زمین ماندی نداشتند. آسمان‌های هفت‌گانه و زمین برای کشته شدن او گریستند و چهار هزار فرشته برای یاری‌اش به زمین آمدند و او را کشته دیدند؛ پس بر سر قبرش ژولیده و خاک‌آلود مانده‌اند تا قائم علیه السلام ظهور کند

و ایشان از یاران او باشند. شعار آنها نیز «یا لثارات  
الحسین علیه السلام» است.»

ای پسر شبیب، پدرم از پدرش از جدش برایم باز گفت که چون جدّم  
حسین علیه السلام کشته شد، از آسمان خون و خاک سرخ بارید.

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ بَكَيْتَ عَلَى الْحُسَيْنِ علیه السلام حَتَّى تَصِيرَ  
دُمُوعَكَ عَلَى خَدَيْكَ عَفَرَ اللَّهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ صَغِيرًا  
كَانَ أَوْ كَبِيرًا قَلِيلًا كَانَ أَوْ كَثِيرًا.»

«ای پسر شبیب، اگر چنان بر حسین علیه السلام گریه کنی که  
اشکت بر گونه‌هایت روان شود، خدا تمام گناهانت را از  
خرد و درشت و کم و بیش می‌آمرزد.»

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَلْقَى اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا ذَنْبَ  
عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ علیه السلام.»

«ای پسر شبیب، اگر می‌خواهی به لقای خداوند بررسی  
در حالی که گناهی نداشته باشی، حسین علیه السلام را زیارت  
کن.»

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ تَسْكُنَ الْغُرْفَ الْمُنْبِيَّةَ فِي الْجَنَّةِ  
مَعَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَالْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام.»

«ای پسر شبیب، اگر می‌خواهی در غرفه‌های ساخته  
شده در بهشت با پیامبر صلی الله علیه و آله ساکن شوی، بر قاتلان  
حسین علیه السلام لعنت بفرست.»

«يَا ابْنَ شَيْبٍ إِنَّ سَرَّكَ أَنْ يَكُونَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا  
لِمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لِيْتَنِي  
كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا.»



«ای پسر شیبیب، اگر می‌خواهی ثواب شهیدان با حسین را دریابی، هر وقت بیادش افتادی، بگو: کاش با آن‌ها بودم و به رستگاری سترگی می‌رسیدم.»

«يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ سُرَّكَ أَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ الْعُلَى  
مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنُ لِحُزْنِنَا وَافْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيْكَ بَوْلَانِنَا  
فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لِحَشْرَهُ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup>

«ای پسر شیبیب، اگر می‌خواهی در درجات عالی بهشت با ما باشی، برای حزن ما محزون و برای شادی ما شاد باش و ملازم ولایت ما باش؛ چرا که اگر کسی سنگی را دوست بدارد، قطعاً خداوند او را در روز قیامت با آن محشور خواهد کرد.»

❁ در ابتدای حدیثی که بخشی از آن را پیش‌تر نقل کردیم، امام رضا علیه السلام می‌فرمایند: محرم ماهی بود که اهل جاهلیت نبرد را در آن حرام می‌دانستند؛ اما خون ما را در آن حلال شمردند و حرمت ما را هتک کردند و زنان و فرزندان ما را اسیر کردند و آتش به خیمه‌های ما زدند و آنچه مال در آن بود، چپاول کردند و در امر ما، حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را رعایت نکردند. سپس فرمودند:

«إِنَّ يَوْمَ الْحُسَيْنِ أَفْرَحَ جُفُونِنَا وَ أَسْبَلَ دُمُوعَنَا وَ أَدَلَّ  
عَزِيْرَنَا بِأَرْضِ كَرْبٍ وَ بَلَاءٍ أَوْرَثْنَا الْكَرْبَ وَ الْبَلَاءَ إِلَى يَوْمٍ

---

۱- همان، ۲۸۵، ح ۲۳ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام و امالی صدوق.

الْإِنْقِصَاءِ فَعَلَى مِثْلِ الْحُسَيْنِ فَلْيَبْكِ الْبَاكُونَ فَإِنَّ الْبُكَاءَ  
عَلَيْهِ يَحْطُ الدُّنُوبَ الْعِظَامَ»<sup>۱</sup>.

«روز [شهادت] حسین علیه السلام پلک‌های ما را زخم کرد و  
اشک‌های ما را روان ساخت و عزیز ما را در زمین  
گرفتاری و بلا (کربلا) خوار کرد و تا روز قیامت، این  
گرفتاری و بلا به ما ارث می‌رسد. پس بر هم‌چو  
حسین علیه السلام باید گریست که همانا این گریه، گناهان  
بزرگ را نابود می‌کند.»

❁ دَعْبِلْ خُرَاعِي كَوَيْد: در مثل چنین ایامی (دهه‌ی محرم) به محضر  
سرور و آقای خود، علی بن موسی الرضا علیه السلام، رسیدم و ایشان را دیدم  
غمگین و ناراحت نشسته‌اند و اصحابشان در اطراف ایشان بودند. وقتی مرا  
در مقابل دیدند، فرمودند:

«مَرْحَبًا بِكَ يَا دَعْبِلُ! مَرْحَبًا بِنَاصِرِنَا بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ».

«خوش آمدی ای دعبل! خوش آمدی ای یاور ما با دست  
و زبان!»

سپس نزد خود برای من جا باز کردند و مرا کنار خویش نشانند و  
فرمودند:

«يَا دَعْبِلُ! أَحَبُّ أَنْ تُنْشِدَنِي شِعْرًا. فَإِنَّ هَذِهِ الْأَيَّامَ، أَيَّامُ  
حُزْنٍ كَانَتْ عَلَيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَيَّامُ سُرُورٍ كَانَتْ عَلَيَّ

أَعْدَائِنَا خُصُوصاً بَنِي أُمَيَّةَ. يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى أَوْ أَبَكَى عَلَيَّ  
مُصَابِنَا وَ لَوْ وَاحِداً كَانَ أَجْرُهُ عَلَيَّ اللَّهُ...»<sup>۱</sup>

«ای دعبل! دوست دارم که برای من شعری بخوانی که  
این ایام، ایام غم ما اهل بیت و ایام سرور برای دشمنان  
ما، به خصوص بنی امیه - لعنهم الله - است. ای دعبل،  
کسی که بر مصیبت‌های ما بگرید یا بگریاند، اگر چه یک  
نفر باشد، پاداش او بر خداست...»

#### ۵-۲-۹. نوحه خوانی امام هادی علیه السلام

زیارت ناحیه‌ی مقدسه زیارتی است که تماماً نوحه و عزای واقع‌هی  
عاشورا است. این زیارت را مرحوم علامه‌ی مجلسی رحمته الله از کتاب اقبال  
الاعمال سید بن طاووس رحمته الله نقل می‌کند.  
در اقبال آمده است: در سال ۲۵۲ از ناحیه‌ی مقدسه به دست شیخ  
محمد بن غالب اصفهانی خارج شد.<sup>۲</sup> بعضی به سال آن توجه نکرده، این  
زیارت را به امام زمان ارواحنا له الفداء منسوب می‌کنند. اما با توجه به  
این که شهادت حضرت امام علی علیه السلام در سال ۲۵۴ است، ظاهراً این  
زیارت از امام هادی علیه السلام شرف صدور یافته است.

---

۱- همان، ۴۵، ۲۵۷، ح ۱۵.

۲- اقبال الاعمال، ۵۷۳ زیارت شهدا در روز عاشورا (زیارت ناحیه‌ی غی

معروف).

### ۳-۵. گریه و اندوه انبیا در مصیبت سیدالشهداء علیه السلام

علاوه بر بحث گریه‌کنندگان نامی و انبیایی مثل حضرت یعقوب و حضرت یحیی علیهما السلام - که سخنشان گذشت - این اولیای بزرگ و عارفان به حق، در مصیبت سیدالشهداء علیه السلام، سال‌ها قبل از شهادت ایشان نوحه‌سرایی کرده، به عزا نشسته‌اند. در این‌جا به چند روایت به عنوان نمونه اشاره خواهیم کرد.

#### ۱-۳-۵. حضرت آدم علیه السلام

گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام از بدو ورود انسان به کره‌ی خاکی رقم خورد و آدم ابوالبشر در مراحل به گریه بر امام حسین علیه السلام پرداخت. ﴿در ذیل آیه‌ی شریف ﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ﴾<sup>۱</sup> آمده است:

حضرت آدم علیه السلام نام‌های مبارک پیامبر اسلام و امامان علیهم السلام را در عرش دید! جبرئیل به آن حضرت تعلیم داد تا فرمود:

«يَا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، يَا عَلِيُّ بِحَقِّ عَلِيٍّ، يَا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، يَا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَ مِنْكَ الْإِحْسَانُ».

هنگامی که نام حسین علیه السلام را برد، اشک‌هایش جاری و قلبش خاشع شد. آن‌گاه گفت: برادرم، جبرئیل! در بردن نام پنجمین ایشان، قلبم می‌شکند و اشکم جاری می‌شود. جبرئیل گفت: این پسر تو دچار مصیبتی خواهد شد که مصائب دیگر در مقابل آن کوچک خواهند بود. حضرت آدم علیه السلام فرمود: برادرم، این چه مصیبتی است؟ جبرئیل گفت:

«يُقْتَلُ عَطْشَانًا [عَطْشَانًا] غَرِيْبًا وَحِيْدًا فَرِيْدًا لَيْسَ لَهُ نَاصِرٌ  
وَ لَا مُعِيْنٌ».

«حسین در حالی شهید می‌شود که عطشان، غریب،

تنها و بی‌کس، بدون یاور و کمک‌کننده خواهد بود.»

ای آدم! اگر او را می‌دید می‌شنیدی که می‌گفت: «آه از عطش! آه از

بی‌یاوری!» کار تشنگی آن حضرت به جایی می‌رسد که آسمان به نظرش مثل دود خواهد آمد.

کسی جوابش را نمی‌گوید مگر با شمشیر و جره‌ی مرگ. آن

حضرت را نظیر گوسفند از قفا سر می‌برند. دشمنانش خیمه‌هایش را

غارت می‌کنند. سر مبارک وی و یارانش را در شهرها می‌گردانند، در

حالی که زنان نیز همراهشان هستند. چنین در علم خدا گذشته است.

آن‌گاه حضرت آدم و جبرئیل علیه السلام نظیر زن جوان مرده گریان شدند.<sup>۱</sup>

۱-۳-۵-۱. گذر حضرت آدم علیه السلام از سرزمین کربلا

✽ هنگامی که حضرت آدم علیه السلام به زمین هبوط کرد، حضرت حواء علیها السلام را ندید. آن حضرت برای یافتن حواء علیها السلام شروع به جست و جو کرد. چون عبور آن بزرگوار به کربلا افتاد، بدون جهت اندوهگین و سینه اش تنگ شد. وقتی به محل شهادت امام علیه السلام رسید، خون از پای مبارکش جاری شد. سر مقدس خود را به طرف آسمان بلند کرد و گفت:

«إِلَهِي هَلْ حَدَثَ مِنِّي ذَنْبٌ آخِرٌ فَعَاقَبْتَنِي بِهِ فَإِنِّي طُفْتُ  
جَمِيعَ الْأَرْضِ وَ مَا أَصَابَنِي سُوءٌ مِثْلُ مَا أَصَابَنِي فِي هَذِهِ  
الْأَرْضِ».

«بار خدایا! آیا گناهی از من سرزد که مرا بدان سبب عقاب کردی؟ زیرا من تمام زمین را گردیدم و چنین مصیبتی را که در این زمین دیدم، مشاهده نکردم.»

خطاب رسید:

«يَا آدَمُ مَا حَدَثَ مِنْكَ ذَنْبٌ وَ لَكِنْ يُقْتَلُ فِي هَذِهِ الْأَرْضِ  
وَلَدُكَ الْحُسَيْنُ ظُلْمًا فَسَالَ دَمُكَ مُوَافَقَةً لِدَمِهِ».

«یا آدم! گناهی از تو صادر نشده است؛ ولی فرزندت حسین علیه السلام به ظلم در این زمین شهید می شود. لذا خون تو جاری شد تا با خون حسین علیه السلام موافقت کرده باشد.»

حضرت آدم علیه السلام فرمود: آیا حسین علیه السلام، پیغمبر است؟

خطاب آمد: نه؛ ولی سبط حضرت محمد صلی الله علیه و آله است.

پرسید: قاتل او کیست؟

خطاب شد: یزید، قاتل آن حضرت است که اهل آسمان‌ها و زمین او را لعنت می‌کنند.

حضرت آدم علیه السلام پرسید: ای جبرئیل، چه کار باید بکنم؟

فرمود: ای آدم، یزید را لعنت کن!

حضرت آدم علیه السلام چهار مرتبه یزید را لعنت کرد. سپس چند قدمی به سوی کوه عرفات راه رفت و حضرت حواء علیها السلام را در آن جا یافت.<sup>۱</sup>



### ۵-۳-۲. حضرت ابراهیم علیه السلام

۵-۳-۱. گریه‌ی حضرت ابراهیم علیه السلام بر امام حسین علیه السلام و رسیدن به

#### بالاترین درجات

❁ فضل گوید از حضرت رضا علیه السلام شنیدم که می‌فرمودند:

هنگامی که خدای مهربان به حضرت ابراهیم علیه السلام دستور داد آن قوچی را که برای آن حضرت نازل شده بود، در عوض فرزندش اسماعیل علیه السلام ذبح کند، حضرت ابراهیم علیه السلام آرزو داشت که ای کاش پسر اسماعیل علیه السلام را قربانی می‌کردم و مأمور نمی‌شدم که این قوچ را به جای وی قربانی کنم. ابراهیم علیه السلام بدین خاطر این تمنا را کرد که مصیبت آن پدری در قلبش جایگزین شود که عزیزترین فرزند خود را به دست خویش در راه خدا قربانی کرده است و به خاطر چنین مصیبتی، مستوجب رفیع‌ترین درجات اهل ثواب شود. خدای رؤف به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی کرد: یا ابراهیم! محبوب‌ترین خلق من نزد تو کیست؟ عرض کرد: پروردگارا! خلقی را نیافریدی که از حبیب تو، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، نزد من عزیزتر باشد. خطاب شد: آیا محمد صلی الله علیه و آله نزد تو محبوب‌تر است یا خودت؟ عرض کرد: البتّه حضرت محمد صلی الله علیه و آله نزد من از خودم محبوب‌تر است. خطاب رسید: فرزند حضرت محمد صلی الله علیه و آله نزد تو محبوب‌تر است یا فرزند خودت؟ پاسخ گفت: البتّه فرزند آن حضرت نزد من محبوب‌تر است. خطاب آمد: ذبح فرزند آن بزرگوار از راه ظلم برای قلب تو دردناک‌تر است یا ذبح فرزند خودت که وی را به دست خود در طاعت من قربانی



کنی؟ گفت: پروردگارا، ذبح فرزند آن حضرت که به دست دشمنانش انجام گیرد، برای قلب من دردناک تر است. خطاب شد:

«يَا اِبْرَاهِيْمُ فَاِنَّ طَائِفَةً تَرْعُمُ اَنْهَا مِنْ اُمَّةٍ مُحَمَّدٍ سَتَقْتُلُ  
الْحُسَيْنَ ابْنَهُ مِنْ بَعْدِهِ ظُلْمًا وَ عُدْوَانًا كَمَا يُدْبِحُ الْكَبِشُ وَ  
يَسْتَوْجِبُونَ بِذَلِكَ سَخَطِي.»

«ای ابراهیم! گروهی که گمان می کنند از امت محمد ﷺ هستند، پسرش حسین را بعد از آن حضرت به ظلم و دشمنی به نحوی خواهند کشت که گوسفندان را سر می برند. آنان برای این جنایت مستوجب خشم من خواهند شد.»

حضرت ابراهیم برای این مصیبت جزع و فزع کرد و قلبش سوخت و شروع به گریه کرد. پس از این جریان بود که خطاب آمد:

«يَا اِبْرَاهِيْمُ قَدْ فَدَيْتُ جَزَعَكَ عَلَيَّ اِبْنِكَ اِسْمَاعِيْلَ لَوْ  
ذَبَحْتَهُ بِيَدِكَ بِجَزَعِكَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ وَ قَتَلْتَهُ وَ اَوْجِبْتُ لَكَ  
اَرْفَعَ دَرَجَاتِ اَهْلِ التَّوَابِ عَلَيَّ الْمَصَائِبِ.»

«یا ابراهیم! ما این جزع و فزع تو را که برای امام حسین کردی در عوض این که پسر اسماعیل را در راه ما قربانی کرده باشی قبول کردیم و بدین وسیله،

رفیع‌ترین درجات افراد مصیبت‌زده را به تو عطا نمودیم.»<sup>۱</sup>

این است معنای قول خدای سبحان که می‌فرماید: ﴿وَفَدَيْنَاهُ بِذِيحِ عَظِيمٍ﴾<sup>۲</sup>؟

۲-۲-۳-۵. تفسیر آیات شریفه‌ی: ﴿فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ﴾ ﴿فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ﴾<sup>۳</sup>:

❁ از امام صادق علیه السلام روایت شده که ایشان درباره‌ی این سخن خداوند عزّ و جلّ «نگاهی به ستارگان انداخت و گفت: من بیمارم.» فرمودند:

«حَسَبَ فَرَأَى مَا يَحُلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ لِمَا يَحُلُّ بِالْحُسَيْنِ علیه السلام»<sup>۴</sup>.

«او حساب کرد و دید آن‌چه را به حسین علیه السلام می‌رسد. پس گفت: من برای آن‌چه به حسین علیه السلام می‌رسد، بیمارم.»

۳-۳-۵. حضرت عیسی علیه السلام

۱-۳-۳-۵. گریه‌ی حضرت عیسی علیه السلام در سرزمین کربلا

---

۱- بحارالانوار، ۴۴، ۲۲۵، ح ۶ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام و امالی صدوق.

۲- صافات (۳۷): ۱۰۷.

۳- صافات (۳۷): ۸۸-۸۹.

۴- بحارالانوار، ۴۴، ۲۲۰، ح ۱۲ به نقل از کافی.

✽ چون عیسی علیه السلام و حواریون گذرشان به سرزمین کربلا رسید، گله‌ی آهوئی گریان را در آن سرزمین مشاهده کردند. سپس با حواریون خود نشستند و گریستند و حواریون نمی‌دانستند برای چه نشسته‌اند و گریه می‌کنند. حواریون گفتند: ای روح خدا و کلمه‌ی او، چه چیز شما را به گریه انداخت؟ فرمود: شما می‌دانید این چه سرزمینی است؟ گفتند: نه. گفت: «این زمینی است که در آن جگرگوشه‌ی احمد، رسول خدا صلی الله علیه و آله و جگرگوشه‌ی آزاده‌ی پاکیزه، بتول، شبیه مادرم، را می‌کشند و در آن به خاکی سپرده شود که خوشبوتر از مشک است...»<sup>۱</sup>

### ۵-۳-۴. حضرت زکریا علیه السلام و رمز کهیص

✽ سعدین عبدالله از امام زمان علیه السلام در مورد تأویل کهیص<sup>۲</sup> می‌پرسد. حضرت به او پاسخ می‌دهند:

«این حروف از اخبار غیب است که خداوند بنده‌ی خود زکریا علیه السلام را بر آن امر غیب مطلع گردانید. سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله نقل فرمود. داستان از این قرار بود که چون زکریا علیه السلام از پروردگارش خواست که نام‌های پنج‌گانه را به او بیاموزد، جبرئیل نازل شد و آن‌ها را به او آموخت. زکریا علیه السلام را رسم بر این بود که هر گاه یاد محمد و علی و فاطمه و حسن علیهم السلام می‌افتاد، اندوهش برطرف می‌شد و گرفتاری‌اش زایل

۱- همان، ۲۵۳، ح ۲ به نقل از امالی صدوق.

۲- مریم (۱۹): ۱.

می‌شد؛ ولی هرگاه نام مبارک حسین علیه السلام را ذکر می‌کرد، بغض و اندوه گلایش را می‌گرفت؛ می‌گریست و نفسش بند می‌آمد. روزی عرضه داشت: بارالها! چرا وقتی نام چهار بزرگوار را یاد می‌کنم، با ذکر نام ایشان تسلیت یافته و اندوهم برطرف می‌شود؛ ولی به محض یاد حسین علیه السلام، اشک از دیدگانم روان شده، ناله‌ام بلند می‌شود؟! پس خداوند این گونه او را از قصه‌اش با خبر ساخت و فرمود: ﴿كَهَيْعِص﴾. حرف کاف، نام «کربلا»ست و حرف هاء، «هلاک شدن عترت» است و یاء، «یزید»؛ همو که به حسین ظلم می‌کند و عین، «عطش» است و صاد، «صبر» اوست. زکریا علیه السلام به محض شنیدن آن تعبیر تا سه روز نمازگاه خود ترک نگفت و مانع مردم از ورود بدان جا شد و پیوسته زار زار گریست و نالید و نوحه‌ی او چنین بود:

«إِلَهِي أ تُفَجِّعُ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بِوَلَدِهِ».

«خدایا! آیا بهترین فرد خلقت را به مصیبت اولادش دردمند می‌سازی؟!»

«إِلَهِي أ تُنَزِّلُ بَلْوَى هَذِهِ الرَّزِيَّةِ بِفَنَائِهِ».

«خدایا! می‌خواهی این مصیبت را در آستان او نازل کنی؟!»

«إِلَهِي أ تُلْبِسُ عَلِيًّا وَ فَاطِمَةَ ثِيَابَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ».

«خدایا! آیا می‌خواهی جامه‌ی این مصیبت و اندوه را بر

علی و فاطمه علیهما السلام پوشانی؟!»

«إِلَهِي أ تَحُلُّ كُرْبَةَ هَذِهِ الْمُصِيبَةِ بِسَاحَتِهَا».

«خدایا! آیا می‌خواهی اندوه و درد این مصیبت را بر  
ساحت آن بانو نازل کنی؟!»

سپس عرضه داشت: «خدایا! پسری به من عطا فرما تا در کهن سالی  
دیدگانم بدو روشن شود. پس مرا شیفته‌ی او گردان و آن‌گاه، مرا به  
واسطه‌ی آن هم‌چنان که محمد ﷺ حبیب خود را دردمند ساختی-  
سراپای وجودم را دردمند ساز.»

پس خداوند یحیی علیه السلام را روزی‌اش ساخت و زکریا علیه السلام را بدو دردمند  
نمود. مدت بارداری حسین علیه السلام هم‌چون یحیی علیه السلام شش‌ماه بود.<sup>۱</sup>

#### ۵-۴. گریه‌ی ملائکه و اهل آسمان

چه مصیبتی است، مصیبت فرزند رسول خدا ﷺ که تمام کائنات را  
به درد آورده؟! و چه زیبا گفت محتشم کاشانی که:  
در بارگاه قدس که جای ملال نیست  
سرهای قدیسان همه بر زانوی غم است

#### ۵-۴-۱. گریه و زاری ملائکه پس از شهادت امام حسین علیه السلام

❁ از ثمالی روایت شده که گفت: به ابوجعفر، امام باقر علیه السلام، عرض  
کردم: ... ای پسر رسول خدا! آیا همه‌ی شما قیام‌کننده‌ی به حق نیستید؟  
حضرت فرمود: بلی. عرض کردم: پس چرا «قائم» علیه السلام، را قائم نامیدند؟

---

۱- بحارالانوار، ۱۴، ۱۷۸، ح ۱۴ به نقل از احتجاج.

فرمود: وقتی جدّم حسین علیه السلام کشته شد، فرشتگان به درگاه خدا نالیدند و به گریه و زاری فریاد برآوردند و عرض کردند: ای خدای ما و سرور ما! آیا دست بازداشتی از کسی که برگزیده‌ی تو، پسر برگزیده‌ی تو و بهترین آفریده‌های تو را کشت؟ خداوند به ایشان وحی فرستاد که:

«قَرُّوا مَلَائِكَتِي فَوَ عِزِّي وَ جَلَالِي لِأَنْتَقِمَنَّ مِنْهُمْ وَ لَوْ بَعْدَ

حِينٍ».

«ای فرشتگان من، آرام گیرید. به عزّت و جلالم سوگند، البته از ایشان انتقام می‌کشم؛ هرچند پس از زمانی باشد.»

پس خدای عزوجل برای فرشتگان از امامانی از فرزندان حسین علیه السلام پرده برداشت تا خرم و خوشحال شدند. به ناگاه، یکی از آنها را به حالت ایستاده در حال نماز دیدند. خداوند بلندمرتبه فرمود:

«بِذَلِكَ الْقَائِمِ أَنْتَقِمُ مِنْهُمْ».

«به وسیله‌ی این قائم، از ایشان انتقام می‌گیرم.»<sup>۱</sup>

#### ۵-۴-۲. یاری ملائکه با گریه و زاری بر سیدالشهداء علیه السلام

❁ امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «... [وقتی] امام حسین علیه السلام به شهادت رسیدند، ملائکه به درگاه الهی عرض کردند: خداوندا، به ما اذن هبوط و فرود آمدن به زمین را دادی و اجازه‌ی نصرت و یاری آن حضرت را عطا

۱- همان، ۳۷، ۲۹۴، ح ۸ به نقل از علل الشرایع.

فرمودی؛ اما آن حضرت را قبض روح کردی؟ خداوند متعال به ایشان وحی نمود که: ملازم قبر آن حضرت باشید تا آن جناب را ببینید و وقتی آن حضرت از قبر خارج شد نصرتش کنید و نیز بر او و بر آنچه از شما نسبت به یاری آن حضرت از دست رفته، گریه کنید. به راستی تنها شما گروه فرشتگان هستید که مختصّ به این ویژگی شده‌اید که آن جناب را یاری کرده، بر مصیبتش گریه کنید. پس فرشتگان به خاطر آنچه از دستشان رفته بود و نتوانسته بودند به آن حضرت کمک کنند، از روی جزع و حزن بر آن جناب به گریه درآمدند. پس هر گاه که حضرت سیدالشهداء علیه السلام از قبر خارج شدند، این فرشتگان انصار و یاران آن حضرت هستند.»<sup>۱</sup>

#### ۳-۴-۵. روایتی زیبا به نقل از جناب ابوذر رضی الله عنه

❁ عروة بن زبیر گوید که از ابوذر شنیدم: «... آسمانی نیست که روح سیدالشهداء علیه السلام به آن عبور کند، مگر آن که هفتاد هزار ملک به فرع درمی‌آیند؛ به طوری ایستاده‌اند که مفاصل آنها تا روز قیامت به لرزه درمی‌آید؛ هیچ ابری نیست که حرکت کند و بگرد و برق زند، مگر آن که کشنده‌ی آن حضرت را لعنت می‌کند؛ هیچ روزی نیست، مگر آن که

---

۱- همان، ۴۵، ۲۲۵، ح ۱۸ به نقل از کامل الزیارات.

روح مطهر آن حضرت را بر رسول خدا ﷺ عرضه می‌کنند و آن دو با هم ملاقات می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۵-۴. نزول هفتاد هزار ملک پریشان‌حال و گردآلود

❁ حضرت رضا علیه السلام، می‌فرماید:

«کسی که امام حسین علیه السلام را زیارت کند، یک حج و یک عمره به جا آورده است.» راوی می‌گوید: عرض کردم یعنی حج واجب، دیگر از او ساقط است؟ حضرت فرمودند: «خیر، مقصود این است که این زیارت، حج افراد ضعیف محسوب می‌شود تا قوی [= مستطیع] شوند و به زیارت خانه‌ی خدا بروند. آیا نمی‌دانی که هر روز هفتاد هزار فرشته بیت‌الله را طواف می‌کنند تا شب فرا رسد. آن‌گاه به آسمان رفته، فرشتگان دیگر نازل می‌شوند و تا صبح خانه را طواف می‌کنند. همانا امام حسین علیه السلام نزد خدا عزیزتر از آن خانه است. هنگام هر نماز هفتاد هزار فرشته‌ی ژولیده و غبارآلود بر [قبر مطهر] آن حضرت نازل می‌شوند و تا روز قیامت دیگر به ایشان نوبت نمی‌رسد.»<sup>۲</sup>

### ۵-۵. گریه‌ی آسمان‌ها و زمین

اشک بر سیدالشهداء علیه السلام و عزاداری بر ایشان، نه فقط سینه‌ی انبیا و اولیای خدا را به درد آورده، حتی آسمان‌ها را نیز به عزا نشانده است. دل

---

۱- همان، ۲۱۹، ح ۴۷ به نقل از کامل الزیارات.

۲- همان، ۹۸، ۴۰، ح ۶۰ به نقل از کامل الزیارات.



سنگ از این ماتم به گریه درآمد! چه سنگ دلانی هستند آنان که بر این مصیبت عظمی از چشمانشان قطره‌ای اشک جاری نمی‌شود!

### ۵-۵-۱. خبر دادن از گریستن آسمانیان و زمینیان در معراج

❁ امام صادق علیه السلام فرمودند:

زمانی که نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به آسمان سیر دادند، به حضرتش عرض شد: خداوند تبارک و تعالی می‌خواهد شما را در سه چیز بیازماید تا صبر شما را ببیند... و اما فرزند دیگرش را امتت برای جهاد دعوت کرده سپس او را به طرز بد و ناهنجاری می‌کشند. فرزندان او هر آن که از اهل بیتش را که با او باشند، می‌کشند. سپس اهل حرمش را اسیر می‌کنند. پس از من کمک و استعانت می‌جوید؛ ولی حکم از من صادر شده که وی و تمام آنان که با او هستند، شهید شوند. قتل او حجت است بر کسانی که روی زمین هستند. اهل آسمانها و ساکنین زمین بر او گریسته، جزع و بی‌تابی می‌کنند و فرشتگانی که نتوانستند او را یاری کنند، بر او می‌گریزند...»<sup>۱</sup>

### ۵-۵-۲. آسمان و زمین تنها بر یحیی و حسین علیهما السلام گریست

❁ علی بن ابراهیم قمی نقل می‌کند که مردی بر امیرمؤمنان علیه السلام گذشت که دشمن خدا و رسول او بود. پس آن حضرت فرمود:

﴿فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ﴾<sup>۱</sup>

در همان حال امام حسین علیه السلام از آن جا گذر می‌کرد. حضرت فرمود: ولی قطعاً آسمان و زمین بر او می‌گرید. پس فرمود:

«آسمان و زمین تنها بر یحیی بن زکریا علیه السلام و حسین بن علی علیهما السلام گریست که درود خداوند بر آن دو باد»<sup>۲</sup>.

### ۵-۵-۳. گریه‌ی آسمان‌های هفت‌گانه و زمین

❁ حضرت صادق علیه السلام می‌فرمایند:

«رُورُوا الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ لَا تَجْفُوهُ فَإِنَّهُ سَيِّدُ شَبَابِ الشُّهَدَاءِ  
أَوْ سَيِّدُ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ شَبِيهُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا وَ عَلَيْهِمَا  
بَكَتِ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ»<sup>۳</sup>.

«حسین علیه السلام را زیارت کنید و [با زیارت نکردن خود] بر او جفا نکنید که همانا او آقای جوانان شهید و سرور

---

۱- نه آسمان بر آنان گریست و نه زمین؛ و نه به آن‌ها مهلتی داده شد. دحّان

(۴۴): ۲۹.

۲- بحار الانوار، ۴۵، ۲۰۱، ح ۱ به نقل از تفسیر قمی.

۳- همان، ۲۰۱، ح ۱ به نقل از قرب الاسناد.

جوانان بهشت است. اوست شبیه یحیی بن زکریا علیه السلام که  
آسمان و زمین بر آن دو گریست.»

۵-۵-۴. خطبه‌ی حضرت سیدالساجدین علیه السلام

❁ حضرت زین‌العابدین علیه السلام در خطبه‌ی خود هنگام بازگشت از  
کربلا به مدینه، فرمودند:

«... هَذِهِ الرَّزِيَّةُ الَّتِي لَا مِثْلَهَا رَزِيَّةٌ أُيِّهَا النَّاسُ فَأَيُّ رَجَالَاتٍ  
مِنْكُمْ يُسْرُونَ بَعْدَ قَتْلِهِ أَمْ آيَةٌ عَيْنٍ مِنْكُمْ تَحْسِبُ دَمْعَهَا وَ  
تَضُنُّ عَنِ انْهَمَالِهَا فَلَقَدْ بَكَتِ السَّبْعُ الشَّدَادُ لِقَتْلِهِ وَ بَكَتِ  
الْبِحَارُ بِأَمْوَاجِهَا وَ السَّمَاوَاتُ بِأَرْكَانِهَا وَ الْأَرْضُ بِأَرْجَائِهَا وَ  
الْأَشْجَارُ بِأَعْصَانِهَا وَ الْحَيْتَانُ وَ لُجْجُ الْبِحَارِ وَ الْمَلَائِكَةُ  
الْمُقَرَّبُونَ وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ أَجْمَعُونَ»<sup>۱</sup>

«مصیبت حسین علیه السلام، مصیبتی است که هیچ مائمی  
مانند آن نیست. ای مردم، کدام یک از مردهای شما  
پس از کشته‌شدن او شادی می‌کند؟! یا کدام چشمی از  
شماست که اشک خود را نگاه دارد و از ریختن آن بخل  
ورزد؟ حال آن که هفت آسمان محکم برای کشته‌شدن  
او گریست؛ دریاها با موج‌های خود، آسمان‌ها با  
ستون‌های خو، زمین با گوشه و کنار خود، درختان با  
شاخه‌های خود، دریا‌های بزرگ و ماهیان دریاها و  
فرشتگان مقرب و اهل آسمان‌ها جملگی گریستند.»

## ۵-۶. خون باریدن از آسمان در یکی از منابع تاریخی بریتانیا

در کتب روایی و تاریخی شیعه و سنی نقل شده است که آسمان در روز عاشورا خون گریست. با یک مراجعه‌ی سطحی به کتب روایی می‌توانید این روایات را به صورت متعدد مشاهده کنید. اما جالب این‌جاست که در یکی از کتاب‌های تاریخی انگلیس که از منابع تاریخی آنگلو ساکسون به شمار می‌رود، بر این موضوع صحه گذاشته شده است. کتاب «تاریخ آنگلو ساکسون»<sup>۱</sup> که یکی از مهم‌ترین منابع تاریخی به جای مانده از قرون وسطی به شمار می‌رود، توسط «مایکل جیمز سوانتون»<sup>۲</sup> از انگلیسی قدیم به انگلیسی امروز ترجمه و ویرایش شده است.

این کتاب در سال ۱۹۹۶ میلادی توسط آقای ج. م. دنت<sup>۳</sup> در انگلستان منتشر شد و در سال ۱۹۹۸ توسط آقای سوانتون، پروفیسور مطالعات قرون وسطی در دانشگاه اکستر<sup>۴</sup> در ایالت نیویورک آمریکا، ترجمه و ویرایش شد و توسط همین دانشگاه تجدید چاپ شد. این ترجمه کامل‌ترین و

---

۱- The Anglo-Saxon Chronicle.

۲- این کتاب به فرمان شاه آلفرد کبیر در حدود ۸۹۰ میلادی گردآوری شد و تا اواسط قرن دوازدهم، توسط مورخین مختلف، وقایع سال‌های بعد به آن افزوده شد. این کتاب کامل‌ترین سند تاریخی بریتانیای از آغاز تا دوره حکم‌فرمایی پادشاه استفن در سال ۱۱۵۴ میلادی محسوب می‌شود. (وی‌راستار)

۳- Michael James Swanton.

۴- J. M. Dent.

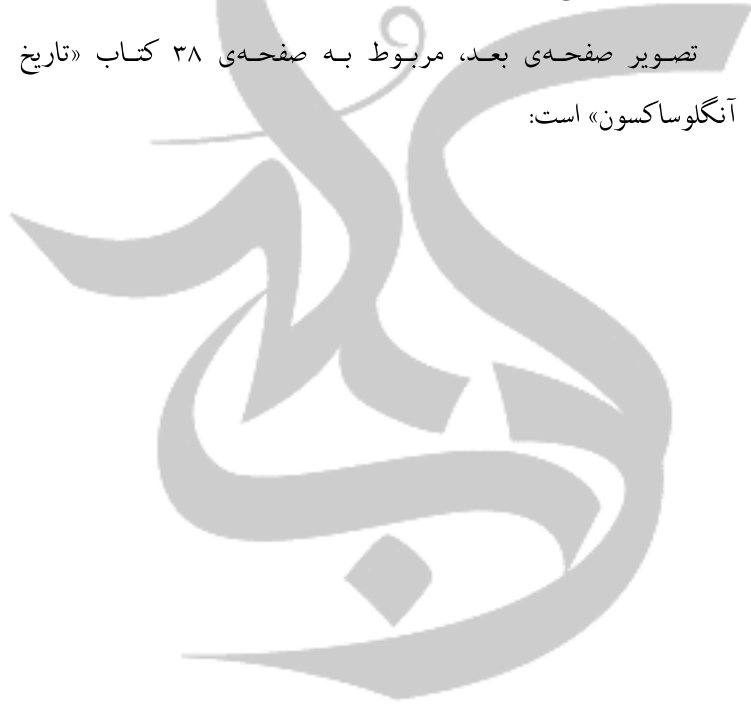
o- Exeter.

مطمئن‌ترین ترجمه‌ی موجود از این نوشتار است. در صفحه‌ی ۳۸ این کتاب چنین عبارتی آمده است:

۶۸۵: Here in Britain there was Bloody rain, and milk  
and butter were turned to blood.

«سال ۶۸۵ میلادی: این‌جا در سرزمین بریتانیا، آسمان  
خون بارید و شیر و کره به خون تبدیل شد [و رنگ آن  
سرخ شد].»

تصویر صفحه‌ی بعد، مربوط به صفحه‌ی ۳۸ کتاب «تاریخ  
آنگلوساکسون» است:



## THE WINCHESTER MANUSCRIPT (A) 676 CONTINUED

A 676 continued from p. 36

and Centwine succeeded to the kingdom. And Centwine was Cynegils' offspring, Cynegils Ceolwulf's offspring.<sup>1</sup> And Æthelred, king of Mercia, raided across the land of Kent.

678. Here the star *comet* appeared. And Bishop Wilfrid was driven out of his bishopric by King Ecgfrith.<sup>2</sup>

679. Here Ælfwine<sup>3</sup> was killed, and St Æthelthryth passed away.<sup>4</sup>

680. Here Archbishop Theodore chaired a synod at Hatfield because he wished to correct the faith of Christ.<sup>5</sup> And the same year Hild, abbess in Whitby, passed away.<sup>6</sup>

682. In this year Centwine put the Britons to flight as far as the sea.

685. Here Cædwalla began to contend for the kingdom.<sup>7</sup> That Cædwalla was Coenberht's offspring, Coenberht Cadda's offspring, Cadda Cutha's offspring, Cutha Ceawlin's offspring, Cealwin Cynric's offspring, Cynric Cerdic's offspring. And Mul was the brother of Cædwalla, and he was later burned in Kent. And this same year King Ecgfrith was killed; that Ecgfrith was Oswy's offspring, Oswy Æthelfrith's offspring, Æthelfrith Æthelric's offspring, Æthelric Ida's offspring, Ida Eoppa's offspring. And this same year Hlothhere passed away.

686. Here Cædwalla and Mul ravaged Kent and Wight.

687. Here Mul was burned in Kent and 12 other men with him; and that year Cædwalla again ravaged Kent. [continued on p. 40]

THE CANTERBURY MANUSCRIPT (F) continued from p. 28

685. Here in Britain there was bloody rain, and milk and butter were turned to blood . . . [continued on p. 42]

THE PETERBOROUGH MANUSCRIPT (E) 676 continued from previous page

and Centwine succeeded to the kingdom of the West Saxons. And Æthelred, king of Mercia, raided across the land of Kent.

678. Here the star *comet* appeared in August, and every morning for 3 months shone like a sunbeam. And Bishop Wilfrid was driven out of his bishopric by King Ecgfrith,<sup>2</sup> and they [continued opposite]

<sup>1</sup> Described in the Genealogical Preface to A (p. 2) as Ceolwulf's brother's son. <sup>2</sup> Cf. Eddius Stephanus, *Life of Bishop Wilfrid*, pp. 48-51. <sup>3</sup> Brother of King Ecgfrith of Northumbria, in a battle against the Mercians near the River Trent, and, says Bede (HE, IV, 21), *much beloved in both kingdoms*. <sup>4</sup> After burial, her bones were disinterred by her sister and successor, Abbess Seaxburh, and buried in a white marble coffin from Grantchester (Bede, HE, IV 19). See generally, Ridyard, *Royal Saints*, p. 179. <sup>5</sup> See Bede, HE, IV, 17. <sup>6</sup> On 17 November. For a full account of this remarkable woman, and for her role in the story of the poet Cædmon, see Bede, HE, IV, 23-4. <sup>7</sup> Of Wessex. It is interesting that Cædwalla is a Celtic name, cf. Cadwallon, s.a. 633 E. <sup>8</sup> See above, p. 25, note 13. <sup>9</sup> Lat *fire from heaven*. Coldingham, a double monastery in Yorkshire, Bede says was burned down through carelessness - a divine judgement on the loose-living of the men and women there (HE, IV, 25). <sup>10</sup> MS *Whitham*, the Isle of Wight.

لازم به ذکر است که سال ۶۸۵ میلادی مطابق با سال ۶۱ هجری

قمری است که واقعه‌ی عاشورا در آن سال اتفاق افتاده است.

## ۵-۷. اندوه و گریه‌ی حیوانات و طیور

در روایات اهل بیت علیهم‌السلام گاهی به گریه‌ی آسمان‌ها و زمین و گاهی به حزن و اندوه اهل آسمان و زمین اشاره شده است. حزن و اندوهی که منحصر به انس و جن نیست و حیوانات هم در آن شریک هستند.

❁ ابوبصیر از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند:

«بَكَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ وَالطَّيْرُ وَالْوَحْشُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ

عَلِيِّ علیه‌السلام حَتَّى ذَرَفَتْ دُمُوعَهَا»<sup>۱</sup>.

«آدمیان و جنیان و پرندگان و وحوش بر حسین بن علی علیه‌السلام گریه کردند تا این که اشک‌هایشان جاری شد.»

❁ امام حسن علیه‌السلام می‌فرماید:

«يَبْكِي عَلَيْكَ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْوَحْشِ فِي الْفَلَوَاتِ وَ

الْحَيْتَانِ فِي الْبَحَارِ»<sup>۲</sup>.

«همه چیز بر تو می‌گریند؛ حتی وحوش بیابان و ماهیان دریا.»

❁ امیرمؤمنان علیه‌السلام می‌فرماید:

«بِأَبِي وَ أُمِّي الْحُسَيْنِ الْمَقْتُولِ بَطْهَرِ الْكُوفَةِ وَ اللَّهُ كَأَنِّي

أَنْظُرُ إِلَى الْوَحْشِ مَادَّةَ أَعْنَاقِهَا عَلَى قَبْرِهِ مِنْ أَنْوَاعِ الْوَحْشِ

---

۱- بحار الانوار، ۴۵، ۲۰۵، ح ۸ به نقل از کامل الزیارات.

۲- همان، ۲۱۸، ح ۴۴ به نقل از امالی صدوق.

يَبْكُونَهُ وَ يَرْتُونَهُ لَيْلًا حَتَّى الصَّبَاحِ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ فَإِيَّاكُمْ  
وَ الْجَفَاءَ»<sup>۱</sup>

«پدر و مادرم فدای حسین علیه السلام! همو که در پشت کوفه  
کشته خواهد شد. به خدا قسم، گویا می بینم که انواع  
وحوش گردن های خود را بر قبرش کشیده، بر او  
می گیرند و از شب تا به صبح بر او مرثیه می خوانند.  
پس چون حال وحوش چنین باشد، شما انسان ها از جفا  
به او دوری کنید.»

روایات با این مضمون در کتب روایی فراوانند. آنان که در این  
مصیبت بزرگ به عزاداری و گریه بر سیدالشهداء علیه السلام نمی پردازند، نه تنها  
به مقامات عالی عرفانی نرسیده اند و بر آن حضرت جفا کرده اند، بلکه به  
تعبیر قرآن، از وحوش و طیور گمراه تر و سرگردان ترند:

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أَوْلَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾<sup>۲</sup>

«آنان مانند چهارپایان اند؛ بلکه گمراه تر؛ اینان به  
راستی غافل اند.»

---

۱- همان، ۲۰۵، ح ۹ به نقل از کامل الزیارات.

۲- اعراف (۷): ۱۷۹.





## ۶. شیعه و مصیبت محبوب

### ۶-۱. غمناک شدن در غم محبوب

صرف نظر از هرگونه دستور به عزاداری اهل بیت علیهم السلام و جایگاه سیدالشهداء علیه السلام، گریستن محبان ایشان در غم محبوبشان، امری طبیعی است. این اصل غیرقابل خدشه‌ای است که همه‌ی انسان‌ها آن را بدیهی می‌دانند. همگان در غم محبوب خویش و کسی که با او صرفاً رابطه‌ای عاطفی دارند، غمگین می‌شوند و عزاداری می‌کنند و اشک می‌ریزند.

هر کس که با امام حسین علیه السلام کوچک‌ترین رابطه‌ی عاطفی داشته باشد و نه رابطه‌ی عبد و مولا، مأموم و امام و...، اگر از فجایعی که در آن روز بر ایشان رفته آگاه شود، متأثر می‌شود.

شیعیان همانند همه‌ی مردم عالم، در غم محبوبشان غمگین می‌شوند. شنیدن گریستن‌های متعدد سیدالشهداء علیه السلام در صحرای کربلا، هر که را ذره‌ای محبت نسبت به امام حسین علیه السلام داشته باشد، به گریه وامی‌دارد.

چه کسی است که بتواند به این اصل مشترک بین همه‌ی انسان‌ها خدشه وارد کند؟! کیست که بگوید: چرا از شنیدن غمناک شدن محبوبتان و گریه کردن او به گریه می‌افتید؟!

از شبهه‌پراکنان می‌پرسیم: آیا امام حسین علیه السلام نمی‌دانستند به چه درجاتی نایل خواهند شد که در صحرای کربلا اشک از دیدگان‌شان جاری شد؟!

در ادامه چند صحنه از عاشورا را یادآور می‌شویم که سیدالشهداء علیه السلام به شدت گریستند و در غم عزیزانشان، اشک از دیدگان‌شان جاری شد.

#### ۶-۱-۱. گریستن‌های متعدد سیدالشهداء علیه السلام در روز عاشورا

❁ داغ کمرشکن علی اکبر علیه السلام

مرحوم شیخ جعفر شوشتری رحمته الله گوید: حضرت حسین علیه السلام در مصیبت حضرت علی اکبر علیه السلام سه مرتبه نزدیک بود جان دهد: اول: چون حضرت علی اکبر علیه السلام مقابلش درآمد و اجازه خواست، آن حضرت به او اذن داد و لباس رزم بر او پوشاند و او را مسلح نمود و بر عقاب سوار کرد. زنان از خیمه‌ها بیرون آمدند و گرد او جمع شدند. عمه‌ها و خواهرهای او عنان اسبش را گرفتند و مانع از رفتن او شدند. امام حسین علیه السلام حالش دگرگون شد؛ به طوری که نزدیک بود جان دهد. فریاد برآورد: او را رها کنید؛

«فإنه ممسوسٌ في الله و مقتولٌ في سبيل الله.»

«او غرق در خدا گشته و کشته‌ی راه خداست.»

پس دست او را گرفت و از میان زنان بیرون برد و به او نگاه مایوسانه‌ای کرد.

دوم: هنگامی که حضرت علی اکبر علیه السلام از میدان برگشت، در حالی که زخم‌های فراوان برداشته و خون از حلقه‌های زره‌اش جاری بود، حرارت و عطش او را فرا گرفته بود، ایستاد و فرمود:

«یا اَبه العَطَشُ قَدْ قَتَلَنِي...»

«پدر جان، عطش مرا کشت...»

آن حضرت جوانش را به سینه چسباند و گریه می‌کرد و نزدیک بود از شدت هم و غم جان دهد که نمی‌تواند او را سیراب کند.

سوم: چون حضرت علی اکبر علیه السلام به زمین آمد و فریاد برآورد: پدر جان، خداحافظ! حضرت سکینه گوید: چون پدرم صدایش را شنید، نزدیک بود بمیرد. چشمانش همانند شخص محتضر گشته بود؛ به اطراف خیمه نگاه می‌کرد و نزدیک بود روح از جسد مبارکش بیرون آید. در وسط خیمه فریاد برآورد: فرزندم! خدا بکشد کسانی که تو را کشتند.<sup>۱</sup>

❁ به میدان رفتن حضرت قاسم بن الحسن علیه السلام

حضرت قاسم علیه السلام نزد عموی بزرگوارش آمد و اجازه‌ی جهاد طلبید. آن حضرت چون به قاسم علیه السلام نظر افکند، دست به گردن او درآورد و او را در آغوش کشید. هر دو چندان گریستند تا آن که در آغوش یکدیگر بی‌هوش شدند. چون به هوش آمدند، قاسم از آن بزرگوار اجازه‌ی جهاد خواست.<sup>۲</sup>

۱- سحاب رحمت، ۴۷۱.

۲- بحار الانوار، ۴۵، ۳۴، بی‌ان علامه.

❁ بر پیکر بی جان قاسم علیه السلام

دیگر بار هنگامی بود که با ندای قاسم علیه السلام خود را به میدان و کنار  
جسد غرق به خون او رساند و پیکر او را پایمال شده‌ی سمّ اسبان،  
نگریست.<sup>۱</sup>

❁ رخصت طلبیدن حضرت ابوالفضل علیه السلام برای رفتن به میدان

چون آن جناب تنهایی امام حسین علیه السلام را دید، خدمت آن حضرت  
آمد و عرض کرد: «ای برادر! مرا رخصت می‌فرمایی [که جان خود را  
فدای تو کنم]؟»

حضرت از شنیدن این سخن گریه‌ی شدیدی کردند. سپس فرمودند:

«يَا أَخِي أَنْتَ صَاحِبُ لَوَائِي وَ إِذَا مَضَيْتَ تَفَرَّقَ  
عَسْكَرِي».

«ای برادر! تو پرچم‌دار منی. اگر تو کشته شوی، لشکر  
از هم پاشیده می‌شود.»

حضرت عباس علیه السلام عرض کردند:

«قَدْ صَاقَ صَدْرِي وَ سَمَّمْتُ مِنَ الْحَيَاةِ وَ أُرِيدُ أَنْ أَطْلُبَ  
ثَأْرِي مِنَ هَؤُلَاءِ الْمُنَافِقِينَ».

---

۱- امام حسین علیه السلام این گونه بود (ترجمه الخصاص الحسينيه)، ۹۵.

«ای برادر! سینه‌ام تنگ شده و از زندگی دنیا سیر شده‌ام. می‌خواهم از این جماعت منافق خون‌خواهی کنم.»

امام حسین علیه السلام فرمودند:

«فَاطَلْبُ لِهَؤُلَاءِ الْأَطْفَالِ قَلِيلًا مِنَ الْمَاءِ».

«پس اندکی آب برای این کودکان تهیته کن.»<sup>۱</sup>

❁ به میدان رفتن امام علیه السلام و وداع با طفل خردسال

آن‌گاه که می‌خواستند از اهل‌بیت جدا شوند، آن دخت خردسال و گرانمایه که سخت به پدر مهر می‌ورزید، با فریادی دردآلود و سربرهنه خود را به ایشان رسانید و دامان آن حضرت را گرفت و گفت: آهسته‌تر! آهسته‌تر!... پدر جان! اینک شکیباً باش تا از تماشای چهره‌ی ملکوتی‌ات آخرین زاد و توشه را بگیریم؛ چرا که احساس می‌کنم اینک آخرین وداع و آخرین دیدار است و دیگر ملاقاتی در دنیا نخواهد بود. آن‌گاه بر دست و پای پدر افتاد و آن را بوسه‌باران کرد.

امام حسین علیه السلام بی‌اختیار روی خاک نشستند و دختر دُرْدانه‌شان را بر دامان خود نشانیدند و این‌جا بود که گریه‌ای سخت و بسیار شدید به ایشان دست داد؛ سیلاب اشک فرو بارید؛ به گونه‌ای که با آستین آن را پاک می‌نمودند و زمزمه می‌کردند:

«سَيَطُولُ بَعْدِي يَا سَكِينَةَ فَاعِلْمِي»<sup>۱</sup>

«سکینه‌ام! بدان که پس از مرگ پدر، گریه‌ات بس

طولانی خواهد بود.»

آری! آیا می‌توان قلبی را یافت که در این شرایط غم‌بار و شکننده  
شعله‌ور نشود و چشمی را تصوّر کرد که این صحنه‌های حزن‌انگیز و  
دل‌خراش را بنگرد و نگرید؟<sup>۲</sup>

❁ وداع با حضرت زینب علیها السلام

آخرین بار هنگام دل‌داری و آرامش بخشیدن به خواهر گران‌قدرشان  
زینب علیها السلام بود که طوفان سوز و سیلاب اشک امانشان نداد... و پس از  
باران اشک، به زحمت خویش را نگاه داشتند.<sup>۳</sup>

#### ۶-۱-۲. عمل به خواسته‌ی محبوب

گریه بر سیدالشهداء علیه السلام صرفاً غمناک شدن در غم محبوب نیست؛  
بلکه عمل به خواسته‌ی غریبانه‌ای است که این امام عزیزتر از جان، در  
آخرین لحظات زندگانی‌شان از ما شیعیان طلب کرده‌اند. این اشک و آه  
در اصل موجب تطهیر قلب شیعیان و به ثمر رسیدن هدف آن بزرگوار از  
شهادت و اسارت است.<sup>۴</sup>

۲- المناقب، ۴، ۱۰۹.

۲- امام حسین علیه السلام این‌گونه بود (ترجمه الخصائص الحسينیه)، ۹۵.

۳- همان، ۹۶.

۴- تذکرة الشهداء، ۴-۷، مجلس اوّل.

آن امام شهید در آخرین لحظات به امام سجاد علیه السلام وصیت می‌کنند و به شیعیانشان سلام می‌رسانند. امام حسین علیه السلام خطاب به امام زین العابدین علیه السلام می‌فرماید:

«بَلِّغْ شِيعَتِي مِنَ السَّلَامِ وَ قُلْ لَهُمْ: إِنَّ أَبِي مَاتَ غَرِيباً  
فَأَنْدُبُوهُ، وَ إِنَّ أَبِي مَاتَ عَطْشَاناً فَأَذْكُرُوهُ».<sup>۱</sup>

«سلام مرا به شیعیانم برسان و بدیشان بگو: پدرم  
غریب از دنیا رفت؛ پس برای او با صدای بلند گریه  
کنید. پدرم تشنه از دنیا رفت؛ پس او را یاد کنید.»  
آخرین پیام سیدالشهداء علیه السلام نه قبل از نبرد، بلکه هنگام به خون  
غلتیدن در گودال قتلگاه بود؛ آن جا که از آن گلوی بریده به جناب سکینه  
خاتون پیغام دادند:

شِيعَتِي مَا إِنَّ شَرِيتُمْ رِيَّ عَدْبٍ فَأَذْكُرُونِي

أَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَأَنْدُبُونِي<sup>۲</sup>

«شیعیان من! هرگاه آب گوارا می‌نوشید، از من یاد  
کنید. یا هرگاه خبر شهید یا غریبی را شنیدید، برای  
من با صدای بلند گریه کنید.»

۱- الدِّمَّةُ السَّائِبَةُ، ۴، ۳۵۱؛ معالی السَّبْطِينِ، ۲، ۲۲؛ ذَرِيعَةُ التَّجَاةِ، ۱۳۹.

۲- مستدرک الوسائل، ۱۷، ۲۶، باب ۲۲، ح ۲۰۶۴۷؛ المصباح، ۷۴۱.



## ۶-۲. تَأْسَىٰ بِهٖ أَنْبِيَآءِ ٱلْهَىٰ وَ مَلَآئِكَهٗى مَقْرَبٌ

هنگامی که در روایات به عزاداری‌های پیامبران الهی قبل از وقوع حادثه‌ی عاشورا برمی‌خوریم و به اندوه ملائکه و اهل آسمان پی‌می‌بریم، چه جای کوتاهی در گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام وجود دارد؟! آیا ما به عرفانی فراتر از آنچه انبیا و ملائکه‌ی الهی به آن دسترسی دارند و حقایق عالم ملکوت را بی‌پرده مشاهده می‌کنند، دست یافته‌ایم؟! عجب است اعتنا کردن و اعتبار نهادن به اشعار شعرای صوفیه و مهجور گذاشتن روایات متواتر امامان نور علیهم السلام!

## ۶-۳. همراهی و یاری کردن حضرت زهرا علیها السلام

گریه کردن بر سیدالشهداء علیه السلام، همراهی نمودن و یاری رساندن به مادر پهلو شکسته‌ی آن جناب است.   
❁ زراره از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند:

«مَا عَيْنٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَ لَا عَبْرَةٌ مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ وَ دَمَعَتْ عَلَيْهِ وَ مَا مِنْ بَاكِ يَبْكِيهِ إِلَّا وَ قَدْ وَصَلَ فَاطِمَةَ وَ أَسْعَدَهَا عَلَيْهِ...»<sup>۱</sup>

«هیچ چشمی و اشکی که از چشمی که بر آن حضرت بگرید و اشک ریزد، نزد خداوند محبوب‌تر نیست. هیچ گریه‌کننده‌ای نیست که بر آن جناب بگرید، مگر آن که گریه‌اش به حضرت فاطمه علیها السلام رسیده، آن بانو را یاری می‌کند...»

---

۱- بحارالانوار، ۴۵، ۲۰۷، ح ۱۳ به نقل از کامل الزیارات.

❁ امام صادق علیه السلام پس از بیان گریه و ضجه‌ی حضرت زهرا علیها السلام بر امام حسین علیه السلام، خطاب به ابوبصیر می‌فرماید:

«يَا أَبَا بَصِيرٍ أَمَا تُحِبُّ أَنْ تَكُونَ فِي مَنِّ يُسَعِدُ فَاطِمَةَ؟!»<sup>۱</sup>

«ای ابوبصیر، آیا دوست نداری ابا گریه بر امام حسین علیه السلام از یاران فاطمه علیها السلام باشی؟»

#### ۶-۴. ادای حق اهل بیت علیهم السلام

به نص صریح قرآن، پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله اجر رسانشان را دوستی خاندانشان قرار داده‌اند.

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾<sup>۲</sup>.

«بگو: [بر این رسالت] مزدی از شما، جز دوست داشتن بر محور خویشاوندانم نمی‌خواهم.»

گریه‌ی بر سیدالشهداء علیه السلام مصداق عمل به این آیه‌ی شریف است؛ چرا که در روایات، این گریه را ادای حق اهل بیت علیهم السلام شمرده‌اند.

❁ امام صادق علیه السلام در ادامه‌ی حدیثی که پیش‌تر بیان شد، به زراره می‌فرماید:

---

۱- کامل الزیارات، ۸۳، ح ۷.

۲- شوری (۴۲): ۲۳.

«...مَا مِنْ بَاكِ يَبْكِيهِ إِلَّا وَقَدْ وَصَلَ فَاطِمَةَ وَ أَسْعَدَهَا عَلَيْهِ  
وَ وَصَلَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ أَدَّى حَقَّنَا...»<sup>۱</sup>

«هیچ گریه کننده‌ای نیست که بر آن جناب بگرید، مگر  
آن که گریه‌اش به حضرت فاطمه علیها السلام رسیده، آن بانو را  
یاری می‌کند و نیز گریه‌اش به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیده،  
بدین وسیله حق ما را ادا می‌کند.»

#### ۵-۶. گریه نکردن بر سیدالشهداء علیه السلام، جفا در حق ایشان

نه تنها گریه بر امام حسین علیه السلام، ادای حق اهل بیت علیهم السلام و یاری رساندن به  
این بزرگواران است؛ بلکه گریه نکردن بر این مصیبت بزرگ، جفا و  
جنایت بر آن بزرگواران تلقی شده است.  
همان طور که گذشت، امیرالمؤمنین علیه السلام گریه نکردن بر فرزند  
گریشان را جفا در حق آن حضرت می‌شمارند.<sup>۲</sup>

#### ۶-۶. نصرت و یاری حضرت ولی عصر علیه السلام

❁ امام حسین علیه السلام در کربلا به یاران خویش فرمودند:

---

۱- بحارالانوار، ۴۵، ۲۰۷، ح ۱۳ به نقل از کامل الزیارات.

۲- کامل الزیارات، ۸۰، ح ۲.

«فَقَدْ أَحْبَرَنِي جَدِّي إِنَّ وُلْدِي الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُقْتَلُ بِطَفٍّ  
كِرْبَلَاءَ غَرِيباً وَحِيداً عَطْشَاناً، فَمَنْ نَصَرَهُ فَقَدْ نَصَرَنِي وَ  
نَصَرَ وُلْدَهُ الْقَائِمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

«جدّم مرا خبر داده است که همانا فرزندم حسین علیه السلام  
در دشت کربلا غریبانه و تنها، در حالی که تشنه کام  
است، کشته می‌شود. پس هر که او را یاری کند، همانا  
مرا و فرزندش قائم علیه السلام را یاری کرده است.»

یاری سیدالشهداء علیه السلام در روز عاشورا فقط به بذل خون و نثار جان به  
پای آن جناب بود. حتی آن شخص که به امام علیه السلام عرض کرد: اسب و مالم  
را در اختیارتان می‌گذارم، ایشان به او پاسخ رد دادند و فرمودند: ما خود  
تو را می‌خواهیم. اما چه کنیم که سالیان دراز بین ما و سرورمان فاصله  
افتاده است!

به تصریح روایات یکی از راه‌های یاری سیدالشهداء علیه السلام پس از شهادت  
ایشان، گریستن بر آن جان پاک است. همان‌گونه که پیش‌تر ملاحظه  
کردید، خداوند به ملائکه‌ای که دیرهنگام و پس از شهادت امام  
حسین علیه السلام به سرزمین کربلا رسیدند، امر فرمود:

ملازم قبر آن حضرت باشید تا آن جناب را ببینید. وقتی آن حضرت  
از قبر خارج گشت، نصرتش کنید و نیز بر او و بر آنچه از شما نسبت  
به یاری آن حضرت فوت گردیده گریه کنید و تنها شما گروه فرشتگان

هستید که مختصّ به این ویژگی شده‌اید که آن جناب را یاری کرده، بر مصیبتش گریه نمایید.

پس فرشتگان به خاطر آن چه از دستشان رفته بود و نتوانسته بودند به آن حضرت کمک کنند، از روی جزع و حزن بر آن جناب به گریه درآمدند و هنگامی که حضرت سیدالشهداء علیه السلام از قبر خارج شدند، این فرشتگان انصار و یارانش هستند.<sup>۱</sup>

ما هم به تبعیت از فرشتگان حائر حسینی، سرشک از دیدگان جاری می‌کنیم و آه حسرت سر می‌دهیم و ترنم زبانمان این است:

«يا لَيْتِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزاً عَظِيماً»<sup>۲</sup>.

«کاش با آن‌ها بودم و به فوز عظیمی می‌رسیدم.»

باشد که مورد مرحمت آن رحمت واسعه‌ی الهی قرار گیریم!

#### ۶-۷. عمل به دستور اهل بیت علیهم السلام

ما که خود را شیعه و پیرو چهارده نور پاک می‌خوانیم، عمل به آن چه را پیشوایان ما بدان امر کرده‌اند، وظیفه و تکلیف خود می‌دانیم. فراتر از هر دلیل و استدلالی برای ما، خواسته و رضایت ائمه علیهم السلام است؛ رضایتی که همان رضایت رسول خدا صلی الله علیه و آله و خداوند متعال است. پس

---

۱- بحارالانوار، ۴۵، ۲۲۵، ح ۱۸ به نقل از کامل الزیارات.

۲- همان، ۴۴، ۲۸۶، ح ۲۳ به نقل از عیون اخبار الرضا علیه السلام و امالی صدوق.

همان‌گونه که در زیارت شریف جامعه، خطاب به اهل‌بیت علیهم‌السلام عرضه می‌داریم که: «وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ»، پس دستورات و اوامر الهی، فصل الخطاب واقعی همه‌ی امور است که به زبان حجّت‌های الهی بر ما عرضه می‌شود. در بسیاری از روایات که از جهت سندی در زمره‌ی محکم‌ترین روایات هستند و به ادعای مرحوم مقدّس اردبیلی رحمته‌الله به حدّ تواتر رسیده است<sup>۱</sup>، در مورد عزاداری بر سیدالشهداء علیه‌السلام دستوراتی داده شده است. اوامر و توصیه‌هایی که پیروی و عمل به آن‌ها بر شیعه لازم است. در ادامه‌ی این فصل، به قطره‌ای از دریای این روایات می‌پردازیم.

#### ۶-۷-۱. قطره‌ای از دریای ثواب گریستن بر امام حسین علیه‌السلام

❁ از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمودند:

«لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا»<sup>۲</sup>.

«هر چیز اجری [معین] دارد، مگر اشک برای [مصیبت] ما.»

❁ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید:

«... رَحِمَ اللَّهُ شِيعَتَنَا. شِيعَتُنَا وَ اللَّهُ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ؛ فَقَدْ وَ  
اللَّهُ شَرُّكُونَا فِي الْمُصِيبَةِ بِطُولِ الْحُزْنِ وَ الْحَسْرَةِ»<sup>۱</sup>.

۱- البكاء، ۱۰۵.

۲- کامل الزیارات، ۱۰۶، ح ۶.

«... خدا شیعیان ما را رحمت کند. به خدا سوگند، شیعیان ما همان مؤمنانند؛ به یقین با حزن و حسرت طولانی در مصیبت، با ما شریک هستند.»

❁ امام صادق علیه السلام می فرماید:

«إِنَّ أَكْمَلَ الْمُؤْمِنِينَ أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَكْثَرُهُمْ رِقَّةً عَلَيْنَا  
أَهْلَ الْبَيْتِ وَ أَشَدَّهُمْ حُبًّا لَنَا وَ أَكْثَرُهُمْ حُزْنًا عَلَيْنَا وَ  
أَكْثَرُهُمْ مَوَدَّةً لَنَا.»<sup>۲</sup>

«کامل ترین مؤمنان کسی است که اخلاق او نیکوتر، رقت قلب او بر ما اهل بیت بیشتر، محبت او به ما افزون تر، حزن و اندوه او در مصیبت ما فراوان تر و اظهار دوستی او به ما بیشتر باشد.»

❁ از ابان بن تغلب نقل شده است که امام صادق علیه السلام فرمودند:

«نَفْسُ الْمَهْمُومِ لَطْمِنًا تَسْبِيحٌ وَ هَمُّهُ لَنَا عِبَادَةٌ وَ كِتْمَانُ  
سِرِّنَا جِهَادٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ.» ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ: «يَجِبُ أَنْ  
يُكْتَبَ هَذَا الْحَدِيثُ بِالذَّهَبِ.»<sup>۳</sup>

«هر که برای ستمی که بر ما رفته است اندوهگین شود، نفسش به منزله‌ی تسبیح [خداوند] است و اندوه او برای ما، عبادت است و پرده پوشی اسرار ما جهاد در راه

۱- بحار الانوار، ۴۳، ۲۲۲، ح ۷ به نقل از ثواب الاعمال.

۲- المنتخب، ۲، ۳۷۱.

۳- بحار الانوار، ۴۴، ۲۷۸، ح ۴ به نقل از امالی شیخ طوسی.

خداست. سپس فرمودند: بایسته است که این حدیث با  
طلا نوشته شود.

❁ فضیل بن فضّالہ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمودند:  
«مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ حَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ عَلَيَّ  
النَّارِ.»<sup>۱</sup>

«کسی که ما نزد او یاد شویم و اشک از چشمانش  
سرازیر شود، خداوند روی او را بر آتش حرام می‌کند.»

❁ فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرمودند:  
«مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَقَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ بُعُوضَةٍ  
عُفِّرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.»<sup>۲</sup>

«کسی که ما نزد او یاد شویم و از چشمانش اشک بیاید،  
اگرچه به قدر بال پشه باشد، گناهانش آمرزیده شود؛  
هرچند [گناهان او] به اندازه‌ی کف دریا باشد.»

❁ ابوهارون مکفوف گوید: امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی طولانی  
فرمودند:

«وَ مَنْ ذُكِرَ الْحُسَيْنُ علیه السلام عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمُوعِ  
مِقْدَارُ جَنَاحِ ذُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَمْ  
يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ.»<sup>۳</sup>

۱- کامل الزیارات، ۱۰۴، ح ۱۰.

۲- همان، ۱۰۳، ح ۸.

۳- همان، ۱۰۰، ح ۳.



«هر کس که [امام] حسین علیه السلام نزد او یاد شود و از چشمانش به مقدار بال مگسی اشک خارج شود، ثواب و اجر او نزد خدای عزّ و جلّ است و [خداوند] برای وی به کمتر از بهشت راضی نمی‌شود.»

۶-۷-۲. از افضل عبادات، گریه بر امام حسین علیه السلام

گریستن بر امام حسین علیه السلام را می‌توان برترین اعمال جوارحی (اخصّ نفس) دانست که از برترین اعمال قلبی (اشرف نفس) سرچشمه می‌گیرد. می‌توان مدعی شد تا قلب آدمی به حبّ اهل بیت علیهم السلام مؤمن نشود، این آب حیات از آینه‌ی قلب سرچشمه نمی‌گیرد.

«لَا يَذْكُرُهُ مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى»<sup>۱</sup>

«هیچ مؤمنی او را یاد نمی‌کند، مگر به گریه می‌افتد.»

همان‌گونه که محبّت امام حسین علیه السلام فقط در قلوب مؤمنان به ودیعه نهاده شده است، این آب حیات نیز مختصّ کسانی است که قلبشان ظرف این چشمه است. بنابراین بسیاری از انقلاب‌های درونی به واسطه‌ی محبّت سیدالشهدا علیه السلام فراهم می‌شود. نماد بیرونی این تحوّل درونی نیز در ابتدای امر، گریه بر امام حسین علیه السلام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ إِيمَانٌ لَا شَكَّ فِيهِ...»<sup>۲</sup>

۱- مستدرک الوسائل، ۱۰، ۳۱۸، ح ۱۲۰۸۴.

۲- بحار الانوار، ۶۶، ۳۹۳، ح ۷۵ به نقل از صحیفه الرضا علیه السلام.

«برترین اعمال نزد خداوند، ایمانی است که شکی در آن راه ندارد...»

این همان عمل قلبی است. در روایت پیش گفته این گونه خواندیم:

«لِكُلِّ شَيْءٍ ثَوَابٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فِينَا».

«هر چیز اجری [معین] دارد، مگر اشک برای [مصیبت] ما.»

این هم همان عمل جوارحی است که نشأت گرفته از محبت آن امام همام و ایمان واقعی است. اگر انسان به وجدان خود نیز مراجعه کند، می‌یابد که هنگام گریه بر سیدالشهداء علیه السلام شیرینی ایمان را می‌چشد و هر که این شیرینی را چشیده باشد، رغبت بیشتری برای آن دارد.

در روایات دیگر، گریه‌کننده‌ی بر اهل بیت علیهم السلام را هم‌درجه و همراه ایشان در روز قیامت می‌خوانند؛ او را در بالاترین درجات بهشت و در مقام قرب الهی جای می‌دهند؛ اللهم ارزقنا.

❁ امام رضا علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ تَدَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتُكِبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مَنْ ذُكِّرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبَكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»<sup>۱</sup>.

«هر که یاد مصیبت ما کند و بگرید برای آنچه با ما کردند، روز قیامت با ما و در درجه‌ی ماست. هر که به یاد مصیبت ما افتد و بگرید و بگریاند، در روزی که همه‌ی دیده‌ها گریان است، دیده‌اش گریان نشود. هر که بنشیند در مجلسی که امر ما در آن زنده می‌شود، دلش نمیرد روزی که دل‌ها بمیرد.»

### ۶-۷-۳. ثواب خواندن شعر در رثای سالار شهیدان علیه السلام

از مصادیق بارز عزاداری که به دستور ائمه علیهم السلام و در محضر ایشان انجام می‌شده است، خواندن شعر در مصیبت سیدالشهداء علیه السلام است. در این‌جا به چند روایت بسنده می‌کنیم:

❁ ابوعمارهی شعرخوان گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمودند:

«ای ابعمار، درباره‌ی حسین علیه السلام برای من شعری بخوان. خواندم و خواندم و گریستم و گریستم. فرمود: ... ای ابعمار، هر که نوحه‌ای برای حسین علیه السلام بخواند و پنجاه کس را بگریاند، مستحقّ بهشت است. هر که نوحه‌ای بخواند و سی کس را بگریاند، مستحقّ بهشت است. هر کس نوحه‌ای بخواند و بیست کس را بگریاند، مستحقّ بهشت است. هر کس نوحه‌ای بخواند و ده کس را بگریاند، مستحقّ بهشت است. هر کس نوحه‌ای بخواند و یک نفر را بگریاند، مستحقّ بهشت است. هر کس نوحه‌ای بخواند و خود بگرید، مستحقّ بهشت

است. هر کس نوحه‌ای بخواند و خود را به گریه وادارد،  
مستحق بهشت است.<sup>۱</sup>

❁ از زید شحام روایت شده که گفت: ما جماعتی بودیم از اهل کوفه نزد حضرت صادق علیه السلام که جعفرین عقان به محضر حضرت رسید. آن حضرت وی را به پیش خود و نزدیک خود نشانید و فرمودند: ای جعفر! عرض کرد: لیبک، خدا مرا فدایتان گرداند. پس آن جناب فرمودند: به من رسیده که تو در مصیبت حسین علیه السلام خوب شعر می‌گویی. عرض کرد: آری، خدا مرا فدایتان گرداند. فرمود: بخوان. پس او خواند و ایشان گریه کرد و کسانی که در اطراف وی بودند نیز گریستند؛ تا اندازه‌ای که اشک‌ها بر صورت و محاسن حضرت جاری شد. آن‌گاه فرمود: ای جعفر، به خدا سوگند که ملائکه‌ی مقربین خدا در این‌جا حاضرند و گفتار تو را در مصیبت حسین علیه السلام می‌شنوند. هر آینه گریه کردند، هم‌چنان که ما گریه کردیم؛ بلکه بیشتر. خداوند در این ساعت تمامی بهشت را برای تو واجب گردانید و تو را آمرزید. پس فرمودند: ای جعفر، آیا برایت افزون نکنم؟ عرض کردم: چرا، ای آقای من. فرمودند:

«مَا مِنْ أَحَدٍ قَالَ فِي الْحُسَيْنِ شِعْرًا فَبَكَى وَ أَبْكَى بِهِ إِلَّا  
أَوْجَبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ وَ غَفَرَ لَهُ».<sup>۲</sup>

«هر که در مصیبت حسین شعری بگوید و بگرید و به  
آن دیگری را بگریاند، خدا بر او بهشت را واجب می‌کند  
و او را می‌آمرزد.»

۱- همان، ۲۸۲، ح ۱۵ به نقل از امالی صدوق.

۲- همان، ۲۸۲، ح ۱۶ به نقل از رجال کشی.

## ۷. انحصار نداشتن عزاداری به روز عاشورا

گاهی برخی از افراد ادعا می‌کنند که عزاداری و گریستن و حزن، مخصوص ایام خاص و ایام عزاست. مثلاً گریستن بر سیدالشهداء علیه السلام را باید محدود به روز عاشورا یا دهه‌ی اوّل محرم کرد؛ در بقیه‌ی ایام مناسبتی برای گریه‌ی بر آن حضرت وجود ندارد. گاهی نیز برخی از دوستان اهل‌بیت علیهم السلام ممنوعیت عزاداری را فقط در ایام ولادت و اعیاد مذهبی قرار می‌دهند. به عنوان مثال، اگر در جشن نیمه‌ی شعبان یکی از مادحین اهل‌بیت علیهم السلام در رثای اهل‌بیت علیهم السلام شعری بخواند و مستمعین را به گریه وادارد، با آن مخالفت می‌کنند.

در ادامه‌ی این فصل به این موضوع پرداخته شده است که آیا عزاداری بر امام حسین علیه السلام و گریه بر مصیبت جان‌گداز کربلا، منحصر به روز و ایام خاصی است یا خیر.

### ۷-۱. عدم اقامه‌ی دلیل در انحصار عزاداری به روز عاشورا

واقعیت این است که آن دسته از افرادی که عزاداری را منحصر به ایام عزا می‌کنند، بر این مطلب دلیلی اقامه نمی‌کنند. این افراد صرفاً ادعایی

مطرح کرده‌اند و بر آن پافشاری می‌کنند. اما گروه دوم که اغلب از دین‌داران هستند، معمولاً استناد به یکی از روایات می‌کنند که در آن شیعیان این‌گونه معرفی شده‌اند:

«يَنْصُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَ يَحْزِنُونَ لِحُزْنِنَا»<sup>۱</sup>.

«ما را یاری می‌کنند و به شادی ما شاد هستند و در

اندوه ما محزون می‌شوند.»

از این روایت شریف چنین برداشت می‌کنند که ایام عید و ولادت ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام، روز فرح اهل‌بیت علیهم‌السلام است و شیعیان باید در آن روز به شادی پردازند و روضه‌خوانی، گریه و عزاداری، جایگاهی در این روزها ندارد.

مسأله این‌جاست که اساساً نگرش ما به این روایت چگونه است؟ آیا می‌توان ادعا کرد با تمام فجایعی که بر اهل‌بیت علیهم‌السلام گذشته و به غیبت امام زمان ما منتهی شده، روزی باشد که امام عصر علیه‌السلام به کلمی در شادی به سر برند؟! آیا زندان سراسر رنج غیبت با صحنه‌هایی همیشگی از کوی بنی‌هاشم، بیت‌الاحزان و خانه‌ی حضرت زهرا علیها‌السلام شادی‌آفرین است؟! صحنه‌های مظلومیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام، محراب شهادت آن حضرت، طشت پر از خون جگر امام حسن علیه‌السلام و جنازه‌ی تیرباران‌شده‌ی آن سرور جوانان بهشت فراموش‌شدنی است؟! آیا فاجعه‌ی کربلا که بزرگ‌ترین مصائب است و بسیاری رنج‌ها و مهجوریت‌های اهل‌بیت علیهم‌السلام و مصیبت‌هایی که

---

۱- همان، ۶۵، ۱۸، به نقل از خصال شیخ صدوق.

به طور خاص بر سر شیعه وارد شده و به طور عام بر سر همه‌ی مردم دنیا آمده است، مجالی برای فرح و شادی باقی می‌گذارد؟! آیا با همه‌ی این مصیبت‌ها و با توجّه به این که دل امام زمان علیه السلام که مهربان‌تر از پدر و نزدیک‌تر از هر دوست و انیس و مونس به آدمیان است<sup>۱</sup>؛ می‌توان روزی را فرض کرد که سراسر سرور و شغف باشد؟! گذشته از این واقیعت‌ها، ملاحظه کنید که چه اخباری از سیره و روش اهل‌بیت علیهم السلام به ما رسیده است. در ادامه‌ی این فصل موضوع کاملاً روشن خواهد شد؛ ان‌شاء‌الله.

## ۲-۷. عزاداری انبیای گذشته، پیش از ولادت امام حسین علیه السلام

همان‌طور که در فصل‌های پیشین گذشت، انبیای الهی قبل از به وقوع پیوستن حادثه‌ی عاشورا در عالم خاکی، بر سیدالشهداء علیه السلام عزاداری کرده‌اند؛ هزاران سال قبل از میلاد آن امام بزرگوار. آیا آن زمان براساس تقویم، روزی مشخص شده بود که به عزاداری بپردازند؟! یا موضوع چیز دیگری است؟

---

۱- «الإمام الأنیس الرفیق و الوالد الشقیق و الأخ الشقیق و الأم البرة بالولد الصغیر و مفرع

العباد فی الداهیه التأد»: «امام، همدمی مهربان، پدری دلسوز، برادری صمی‌می، مادری سرشار از محبت به کودک و پناه بندگان در گرفتاری‌های کمرشکن

است.» (الکافی، ۱، ۲۰۰، ح ۱)

### ۳-۷. عزاداری پیامبر، امیرالمؤمنین، حضرت زهرا و امام

#### حسن علیه السلام

همان‌گونه که در روایات مشاهده کردید، پیامبر خدا و اهل بیت عصمت علیهم السلام قبل از وقوع حادثه‌ی کربلا و حتی قبل از ولادت سیدالشهداء علیه السلام به عزاداری برای آن حضرت پرداخته‌اند. باز هم همین سؤال پیش می‌آید که آیا این اشک ریختن‌ها به روز خاصی تعلق داشته یا حکایت چیز دیگری است؟!

### ۴-۷. مرثیه‌سرایی همه‌روزه‌ی حضرت زهرا علیه السلام در آسمان‌ها

مرحوم آیت‌الله شیخ جعفر شوشتری رحمته الله در کتاب الخصاص الحسینیة نکته‌ای را ذکر کرده‌اند که آن مطلب را به صورت کامل در اینجا می‌آوریم:

«حضرت زهرا علیه السلام تا روز رستاخیز، هر روز در آسمان‌ها در غم فرزندش مرثیه‌سرایی می‌کند و می‌گرید و زاری و شیون سر می‌دهد و از عزاداری هر روزه‌ی حضرت فاطمه علیه السلام چنین برداشت می‌شود که همه‌ی روزهای سال برای عزاداری مناسب است؛ بی‌آن که روزهای عید را استثنا کنیم.»<sup>۱</sup>

---

۱- امام حسین علیه السلام این‌گونه بود (ترجمه الخصاص الحسینیة)، ۲۵۴.



عزاداری آن بانوی بزرگوار به صورت گزیده چنین است: حضرت زهرا علیها السلام هر روز بر قتلگاه فرزندش می‌نگرد و پس از آن، چنان فریاد و ناله‌ای از نهاد خویش برمی‌آورد که آسمان‌ها و زمین و دریاها و فرشتگان پریشان و لرزان می‌شوند؛ پس آن‌گاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آن بانوی بزرگوار را آرام می‌کند و آن بانو برای زیارت کنندگان فرزند مظلومش دعا می‌کند: <sup>۱</sup>

#### ۵-۷. ثواب آن که آب بنوشد و یاد سیدالشهداء علیه السلام کند و قاتل آن حضرت را لعن کند

در روایات برای کسی که آب بنوشد و به یاد لبان خشکیده‌ی سیدالشهداء علیه السلام بیفتد، ثواب بسیاری ذکر شده است. نوشیدن آب نه تنها منحصر به روز و ایام خاصی نیست؛ بلکه به این وسیله انسان در هر روز بارها به یاد آن حضرت می‌افتد و ذکر مصیبت هرچند کوتاه از آن عزیز دارد. برای تبرک به یک روایت اشاره می‌شود:

❁ داوود رقی می‌گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم. حضرت آب طلبیدند و زمانی که آب را نوشیدند دیدم در حضرت حالت گریه پیدا شد و دو چشم آن حضرت غرق اشک شد. سپس به من فرمودند:

«يَا دَاوُدُ، لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَ الْحُسَيْنِ علیه السلام فَمَا مِنْ عَبْدٍ شَرِبَ الْمَاءَ فَذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام وَ لَعَنَ قَاتِلَهُ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ حَسَنَةٍ وَ حَطَّ عَنْهُ مِائَةَ أَلْفِ سَيِّئَةٍ وَ رَفَعَ لَهُ مِائَةَ أَلْفِ

دَرَجَةٍ وَ كَأَنَّمَا أَعْتَقَ مِائَةَ أَلْفٍ نَسَمَةٍ وَ حَشَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ تَلَجَ الْفُؤَادُ<sup>۱</sup>.

«ای داوود، خدا قاتل حسین علیه السلام را لعنت کند. هر  
بنده‌ای که آب بنوشد و حسین علیه السلام را یاد کند و  
کشنده‌اش را لعنت کند، خداوند مَنان صد هزار حسنه  
برای او منظور می‌کند و صد هزار گناه از او محو کرده،  
صد هزار درجه مقامش را بالا می‌برد. [چنین کسی] گویا  
صد هزار برده آزاد کرده است و روز قیامت خداوند او را  
با قلبی آرام و مطمئن محشور می‌کند.»

#### ۶-۷. حزن امام زمان علیه السلام حتی در اعیاد

##### ۶-۷-۱. گریه‌ی صبح و شام امام زمان علیه السلام

یکی از دلایل بسیار خوب که گریستن بر امام حسین علیه السلام را از  
انحصار ایام عزا خارج می‌کند، حالات امام زمان علیه السلام است که همه‌روزه،  
صبح و شام بر مصیبت کربلا خون گریه می‌کنند. کیست که به امام  
زمانش دل بسته باشد و در حالی که آن عزیز سفر کرده صبح و شام خون  
گریه می‌کند، خود را به غفلت بزند.

در زیارت ناحیه‌ی مقدّسه از زبان امام عصر علیه السلام می‌خوانیم:

---

۱- بحارالانوار، ۴۴، ۳۰۳، ح ۱۶ به نقل از کامل الزیارات.

«فَلَا تُدْبِنُكَ صَبَاحاً وَ مَسَاءً وَ لَا بُكَيْنَ عَلَيْكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ  
دَمًا»<sup>۱</sup>.

«صبح و شام بر تو گریه و زاری می‌کنم و به‌راستی  
برایت به جای اشک خون می‌گیریم.»  
۲-۶-۷. حکایت علامه سید هندی رحمته الله

از علامه سید باقر هندی رحمته الله حکایت شده است که شب عید غدیر در  
عالم خواب حضرت صاحب الامر علیه السلام را دید که محزون و غمگین  
هستند. عرض کرد:

سرور و سالارم! با آن که همه‌ی مردم در عید غدیر شاد و مسرورند،  
شما را محزون می‌نگرم. پاسخ فرمودند: حزن و اندوه مادرم را به یاد  
آوردم. سپس فرمودند:

«لاتراني اتخذتُ لا و علاها بعد بيت الأحران بيت سُورٍ»  
«به جایگاه بلند او (حضرت فاطمه علیها السلام) سوگند، نمی‌بینی مرا که  
پس از بیت‌الاحزان خانه‌ی شادی بگیرم.»

هنگامی که آن مرحوم از خواب برمی‌خیزد، درباره‌ی غدیر و آن‌چه  
برای حضرت زهرا علیها السلام پس از پدر بزرگوارشان رخ داده است، قصیده‌ای  
می‌سراید.<sup>۲</sup>

---

۱- همان، ۹۸، ۲۳۸.

۲- وفاة الصّدیقة الزّهراء، ۳، ۹۷.

## ۷-۷. تجدید حزن در عید فطر و قربان

کسانی که برای محدود کردن عزاداری اهل بیت علیهم السلام به ایامی خاص، به روایت شریف «يُنْصَرُونََنَا وَ يَفْرَحُونَ بِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا» استدلال می‌کنند، باید بدانند که به استناد روایتی که در ذیل آمده، فرح و شادی واقعی اهل بیت علیهم السلام آن روزی است که حکومت عدل جهانی برپا شود و حق غصب‌شده‌ی اهل بیت علیهم السلام به ایشان بازگردد. به این روایت شریف بنگرید:

❁ امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«يَا عَبْدَ اللَّهِ، مَا مِنْ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَىٰ وَ لَا فِطْرٍ إِلَّا وَ هُوَ يَتَجَدَّدُ فِيهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام حُزْنٌ قُلْتُ فَلِمَ قَالَ لِأَنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي يَدِ غَيْرِهِمْ»<sup>۱</sup>.

«هیچ عید فطر و قربانی بر مسلمانان نمی‌گذرد، مگر حزن آل محمد علیهم السلام تجدید می‌شود. راوی می‌پرسد: چرا؟ می‌فرمایند: زیرا حقشان را در دست غیر خودشان (دشمنان) می‌بینند.»

نکته‌ای که طرح آن را خالی از لطف نمی‌بینم، این است که برخی درک عید فطر و قربان را که خداوند پس از واقعه‌ی عاشورا مردم را از آن محروم کرده است، در یافتن اوّل ماه و رؤیت صحیح هلال پنداشته‌اند؛ در حالی که درک عید با حضور امام زمان علیه السلام و خواندن نماز عید به

---

۱- الکافی، ۴، ۱۷۰، ح ۲؛ بحار الانوار، ۸۸، ۱۳۵، ح ۳ به نقل از علل الشرایع.

امامت آن حضرت رخ می‌دهد. لحظه‌ای با او بودن به است از هزاران سال  
عید، بدون حضور حجّت الهی؛ اللّهمّ ارزقنا.

مدّعی گوید که با یک گل نمی‌آید بهار  
من گلی دارم که دنیا را گلستان می‌کند

#### ۷-۸ توجه به خواندن دعای ندبه در چهار عید

متأسفانه در سال‌های اخیر بزرگ‌داشت اعیاد تبدیل شده است به  
جشن‌هایی بی‌محتوا یا حتی جشن‌هایی که بر خلاف موازین شرعی است و  
مورد رضایت اهل بیت علیهم‌السلام نمی‌باشد؛ از جمله استفاده از آلات لهو و لعب  
و پخش موسیقی‌های سبک و شبه‌ناک؛ در حالی که روز عید روز  
بندگی خداوند و اعاده‌ی میثاق فطری عبد با معبود است. البته خواندن  
دعا، روزه‌گرفتن و سایر اعمال عبادی هیچ مانعی در مقابل مراسم جشن و  
سرور (با رعایت موازین شرعی) نیست. یکی از اعمالی که در چهار عید  
بزرگ مورد توجه قرار گرفته، خواندن دعای ندبه است. در روایات آمده  
است که در اعیاد غدیر، قربان، فطر و جمعه به خواندن این دعای شریف  
مبادرت ورزیده شود؛ دعایی که سراسر سوز و گداز و اشک و ندبه  
است.

با این اوصاف دیگر چه شکّ و تردیدی در جواز و رُجحان گریستن  
همه‌روزه در غم محبوب وجود دارد؟! اللّهمّ وفقنا.

### ۷-۹. پیغام گلوی بریده‌ی امام حسین علیه السلام به شیعیان

کیست که آخرین پیام محبوب خود را شنیده باشد و آن را عمل نکند؟! آن هم امامی چون حسین بن علی علیه السلام در حالت غرق به خون در گودال قتلگاه!

همان گونه که گذشت، سیدالشهداء علیه السلام از آن گلوی بریده، به دختر بزرگوارشان، حضرت سکینه علیه السلام، پیغام دادند که:

شِيعَتِي مَا اِنْ شَرِيتُمْ رِيَّ عَذْبٍ فَادْكُرُونِي

أَوْ سَمِعْتُمْ بِغَرِيبٍ أَوْ شَهِيدٍ فَانْدُبُونِي

«شیعیان من! هرگاه آب گوارا می نوشید از من یاد کنید. یا هرگاه خبر شهید یا غریبی را شنیدید، برای من با صدای بلند گریه کنید.»

کیست که بر او روزی بگذرد و از غریبی به او خبر نرسد؟! کدام شیعه است که روزی بر او بگذرد و متذکر به امام زمانش که غریب‌ترین روزگاران است، نباشد؟! همو که جدش، حسین بن علی علیه السلام، در وصفش فرمودند:

«صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الطَّرِيدُ الشَّرِيدُ الْمُؤْتَوِّرُ بِأَبِيهِ»<sup>۱</sup>

«صاحب این امر رانده‌شده‌ی دورافتاده‌ای است که به خون خواهی پدرش برخواهد خاست.»

---

۱- بحارالانوار، ۵۱، ۱۳۴، ح ۶ به نقل از کمال الدین.

## ۸. چرا تجدید حزن، همه‌ساله؟!

برخی این سؤال را مطرح می‌کنند که: چه دلیلی دارد که ما همه‌ساله به عزاداری آن حضرت بپردازیم؟ البته طبق قاعده‌ی «چون که صد آمد، نود هم پیش ماست»، این سؤال با مطالبی که گذشت باید حل شده باشد و انسان وظیفه‌مدار شیعه اصلاً نباید این سؤال برایش مطرح شود. با این‌همه، چند نکته در جواب به این پرسش بیان می‌شود که مکمل فصل‌های پیشین است.

### ۸-۱. گذشت زمان از عمق فاجعه نمی‌کاهد

گذشت زمان و بعد مکان، تغییری در رخداد‌های تلخ نمی‌دهد؛ بلکه صرفاً پرده‌ی غفلت و فراموشی بر روی آن می‌کشد. پس فاجعه‌ای به عظمت واقعه‌ی عاشورا، همان‌گونه که بشر را از مسیری که برایش ترسیم شده بود منحرف کرد، می‌تواند همه‌ی تاریخ را به عزا بنشانند.

البته این از شگفتی‌های این واقعه است که یادش همواره زنده مانده است. این نشان‌دهنده‌ی اراده‌ی الهی بر گرم ماندن تنور محبت است.

سیدالشهداء علیه السلام است. به هر حال، زمان از عمق فاجعه نمی‌کاهد و ارزش آن را از بین نمی‌برد؛ حتی به قول انیشتین، تأثیر زمان بر ما به صورت نسبی است؛ به گونه‌ای که لحظات دشواری برای ما به اندازه‌ی یک عمر می‌گذرد؛ اما ساعت‌های خوشی به یک رؤیای کوتاه می‌ماند. پس یک حقیقت این‌چنین می‌تواند تاریخ را درنوردد و هر لحظه ظهور پیدا کند و با هر مرثیه‌ای به‌وقوع بپیوندد.

#### ۸-۲. مواسات و هم‌دردی با اهل‌بیت علیهم السلام

همان‌گونه که گذشت، اهل‌بیت علیهم السلام تا هنگامی که وعده‌ی الهی به وقوع نپیوندد و منتقم ایشان نیاید، عزادار و محزون هستند. ما که خود را منسوب به ائمه‌ی اطهار علیهم السلام می‌دانیم، چگونه می‌توانیم با ایشان هم‌دردی نکنیم و به تعبیری ایشان را یاری ننماییم؟!



## ۹. انتقام و تئوری تقدیس خشونت

متأسفانه امروزه برای کم‌رنگ کردن مبانی دین، انواع مغالطات صورت می‌گیرد. آقای دکتر سروش سخنانی به مخاطب عرضه داشته‌اند که عزاداری و خون‌خواهی امام حسین علیه السلام را کینه‌توزی و خشونت‌طلبی و اختلاف‌انگیزی می‌داند! ایشان در همان مقاله - که در ابتدای کتاب به آن اشاره شد- در توصیف دین‌داری مصلحت‌اندیشانه و عامیانه می‌گوید:

«... تحلیل‌های مصلحت‌اندیشانه و عامیانه که متأسفانه هم بر تحریک عواطف متکی و مبتنی است و هم متضمن عنصر انتقام‌گیری و کینه‌توزی و اختلاف‌انگیزی است. این روحیه‌ی انتقام‌گیری و خون‌خواهی، در ادبیات دینی گذشته‌ی ما، حتی در زیارت‌نامه‌ها و دعاهایی که در کتاب‌های دعا آمده است، وجود دارد... حتی کسانی یکی از رسالت‌های امام عصر علیه السلام را پس از ظهور، انتقام گرفتن از قاتلان اباعبدالله علیه السلام می‌دانند.»

البته مطالب به دور از منطق علمی و بدون استنادات دقیق در سخنان و آثار آقای سروش فراوان است. در نظریات ایشان کمتر می توان استنادات علمی و سخنان دقیق یافت. در اینجا هم ایشان بدون فهم دقیق لغات عربی و فرمایش معصومین علیهم السلام، به نقد آن می پردازد. لذا روی سخن ما با شیعیانی است که مبانی مشترکی با ما دارند و سخن حجّت های الهی را فصل الخطاب می دانند و اطاعت از فرمایش ایشان را واجب. جایگاه بحث های دیگر که اصول و مبانی اعتقادات دینی ماست، در جای دیگر است که باید در جای خود به آن ها پرداخته شود.

#### ۹-۱. ریشه ی اصلی شبهه، چشم پوشی از معنای صحیح انتقام

گاهی برخی لغات که از جهت لفظ در فارسی و عربی مشترک هستند، در معنی تفاوت دارند. از جمله ی این لغات، کلمه ی «انتقام» است. در فارسی انتقام به معنی مقابله به مثل کردن و از سرکینه جویی بدی را با بدی پاسخ دادن است. اما در عربی به معنی از روی عدالت عقوبت کردن است. لذا خداوند را ذوانتقام می خوانیم.<sup>۱</sup>

---

۱- ﴿اللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ﴾ آل عمران (۳): ۴؛ مائده (۵): ۹۵؛ ابراهیم (۱۴): ۴۷.

در مقابل گناه، می‌شود عفو کرد و می‌توان جزا داد. اگر جزا داده شود، گویند «نقمت» و این برای آن فرد، شرّ است و نعمت نیست.<sup>۱</sup>

ریشه‌ی انتقام در لغت عرب همین «نقمت» است؛ یعنی به عدل رفتار کردن. خداوند متعال این‌گونه تقدیر کرده است (و این تقدیر از روی حکمت الهی است) که امام زمان علیه السلام در همین دنیا هم انتقام سیدالشهداء علیه السلام را از قاتلان آن حضرت بگیرند.

این سخن نیز از حاملان علوم الهی به ما رسیده است که خداوند از قاتلان آن حضرت در همین دنیا انتقام خواهد گرفت؛ چرا که صاحب خون سیدالشهداء علیه السلام خود خداوند عزوجل است.

حال با توجّه به مغالطه‌ای که آقای سروش به آن دچار شده‌اند، روشن می‌شود که چه کسی عوام است و کیست که مصلحت‌اندیشانه به تحریف دین و گزاره‌های دینی می‌پردازد!

## ۹-۲. طلب انتقام، وظیفه‌ی شیعه و هر عدالت‌طلب

با توجّه به معنای واقعی انتقام (به عدل عمل کردن و جزا دادن) کدام عدالت‌طلبی است که خواهان چشم‌پوشی خداوند از جباران عالم باشد. چشمانش را بر همه‌ی ظلم و جورهای جائران بسته، برای آن‌ها طلب عفو

---

۱- ترجمه‌ی مفردات، ۴، ۳۹۳: «نَقِمْتُ الشَّيْءَ وَ نَقَمْتُهُ»: «آن چیز را زشت شمردم

و بد دانستم؛ یا با زبان یا با عقوبت‌دادن و انکار آن».

کند؟! جائرانی که حتی اگر پیامبر خدا ﷺ هم برای آنان طلب رحمت کنند، خداوند از آنها نمی‌گذرد.

﴿اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ﴾<sup>۱</sup>

«چه برای آنها استغفار کنی و چه نکنی، (حتی) اگر هفتاد بار برای آنها استغفار کنی، هرگز خدا آنها را نمی‌آمرزد. چرا که خدا و پیامبرش را انکار کردند و خداوند جمعیت فاسقان را هدایت نمی‌کند.»

## ۱۰. سخن پایانی

متأسفانه امروزه رشته‌های علمی تخصصی شده‌اند؛ اما هنوز فرهنگ تخصص‌گرایی جا نیفتاده است. گاهی کسی که در یک رشته‌ی دانشگاهی تبحر دارد، به خود اجازه‌ی ورود در همه‌ی مسائل را می‌دهد و عرض خود می‌برد و زحمت دیگران می‌دارد!

به همین خاطر است که بسیاری از واقعیت‌ها را تحریف شمرده و بسیاری از علوم صحیح را منکر می‌شوند. نخوانده و ندانسته است؛ که نه هر کو ورقی خواند معانی دانست!

گروهی دیگر هم معاندانه و با کلمات و اصطلاحات زیبا و با پرچم جلوگیری از تحریف، مقابله با خرافه و بدعت، خود به تحریف و خرافه‌گرایی دامن می‌زنند و پنداشته‌اند که می‌توانند با حیل‌های ضعیف شیطان<sup>۱</sup> نور حق را خاموش کنند.

به اینان هم باید گفت:

چراغی را که ایزد بفروزد هر آن کس پُف کند ریشش بسوزد

---

۱- ﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾؛ نساء (۴): ۷۶.

بلکه ریشه‌اش بسوزد؛ که خورشید را دم شیطان خاموش نمی‌کند!

از خداوند متعال سپاسگزاریم که این توفیق را به ما عطا کرد که به بهانه‌ی پاسخ‌گویی به شبهات، سطوری در تعظیم شعائر حسینی بنویسیم و بخوانیم. از درگاه احدیت می‌خواهیم که به ما «رسم شیدایی» مولایمان امام حسین علیه السلام را بیاموزد و ما را با گروه دوستداران و عشاق حضرتش محشور گرداند.



## فهرست منابع:

### منابع فارسی و عربی:

۱. قرآن کریم.
۲. الإقبال بالأعمال الحسنة؛ علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سیّد بن طاووس)؛ تهران: دارالکتب الاسلامیّة، دوم، ۱۳۶۷ شمسی.
۳. الأمالی؛ محمّد بن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق)؛ تهران: انتشارات کتابخانهی اسلامیّه، چهارم، ۱۳۶۲ شمسی.
۴. امام حسین علیه السلام ای بن گونه بود (ترجمه‌ی الخصائص الحسینیّة)؛ جعفر شوشتری، ترجمه صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی علیهم السلام، ۱۳۸۵ شمسی.
۵. مجار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ قمری.
۶. البکاء؛ محمد حسن میرجهانی طباطبای؛ تحقیق روح الله عباسی، قم: موسسه انتشارات رسالت، ۱۳۸۵ شمسی.

۱۴۸ / رسم شیدایی

۷. *بَلِّغْ بَلِّغْ تَا مَلَاقَاتِ خُدا*؛ عبدالحسین زرین کوب، انتشارات علمی، چاپ اول.
۸. *تذکرة الشهداء*؛ ملاحیب الله شریف کاشانی؛ تهران: انتشارات شمس الضحی، ۱۳۸۴ شمسی.
۹. *خیراتیّه در ابطال طریقه ی صوفیه*؛ محمد علی کرمانشاهی؛ قم: انتشارات انصاریان؛ ۱۴۱۲ قمری.
۱۰. *روح مجرّد*؛ سید محمد حسین حسینی طهرانی؛ مشهد: علامه طباطبای؛ ۱۳۷۷ شمسی.
۱۱. *سحاب رحمت*؛ عباس اسماعیلی زدی؛ قم: انتشارات مسجد مقدّس جمکران، ۱۳۸۴ شمسی.
۱۲. *تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی جلال الدین محمد بلخی؛ محمدتقی جعفری تبریزی؛ تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری؛ ۱۳۸۹ شمسی.*
۱۳. *قمار عاشقانه*؛ عبدالکریم سروش؛ تهران: مؤسسه فرهنگی صراط، ۱۳۸۴ شمسی.
۱۴. *الکافی*؛ محمدبن یعقوب کلینی؛ تهران: دارالکتب الاسلامیّه، چهارم، ۱۳۶۵ شمسی.
۱۵. *کامل الزیارات*؛ جعفر بن محمد قولویه قمی؛ نجف: انتشارات مرتضویّه، ۱۳۵۶ شمسی.
۱۶. *اللّهوف علی قتلی الطفوف*؛ علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (سید بن طاووس)؛ تهران: انتشارات جهان، ۱۳۴۸ شمسی.



۱۷. **مثنوی**؛ جلال‌الدین محمد بلخی رومی (مولوی)؛ تهران: مؤسسه‌ی نشر کتب اخلاق، چاپ آفتاب، ۱۳۷۴ قمری.
۱۸. **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**؛ میرزا محمدحسین نوری طبرسی؛ قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ قمری.
۱۹. **المصباح**، ابراهیم بن علی عاملی کفعمی؛ قم: انتشارات رضی (زاهدی)، دوم، ۱۴۰۵.
۲۰. **مفاتیح الجنان**؛ عباس قمی؛ ترجمه‌ی مهدی الهی قمشاهی؛ قم: آی‌ین دانش، ۱۳۸۴ شمسی.
۲۱. **المناقب**، ابن شهر آشوب مازندرانی؛ قم: موسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ شمسی.
۲۲. **تفحات الأزهار فی خلاصة عبقات الأنوار**؛ سیّد علی حسینی میلانی؛ قم: مهر، ۱۴۱۴ قمری.
۲۳. **وسائل الشیعة** (تفصیل و سائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة)؛ محمد بن حسن بن علی بن محمد بن حسین عاملی (شیخ حرّ عاملی)؛ قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۰۹ قمری.
۲۴. «چرا ملت‌ی شاد نیستی؟»؛ عبدالکریم سروش؛ روزنامه‌ی همشهری، ش ۲۰۷۰، ۱۶ اسفند، ۱۳۷۸.
۲۵. «روستای‌ان شادترند»؛ عبدالکریم سروش؛ روزنامه‌ی همشهری، ش ۲۰۷۱، ۱۷ اسفند، ۱۳۷۸.
۲۶. «هنر شادی‌آفرین»؛ عبدالکریم سروش؛ روزنامه‌ی همشهری، ش ۲۰۷۲، ۱۸ اسفند، ۱۳۷۸.

۱۵۰ / رسم شیدایی

منابع لاتین:

۲۷. The Anglo-Saxon Chronicle; Swanton, M. J.;  
New York: Exeter, ۱۹۹۸.





[www.karboba.com](http://www.karboba.com)

کاری از گروه فرهنگی - هنری زیتون

karbobala.com

زیتون  
گروه فرهنگی هنری

